



فہرنگ اہل بیت و منتظر

پژوہشکده تحقیقات اسلامی

۱۰۰

سرشناسه:	علی نوری، علیرضا
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ مهدویت و انتظار / نویسنده علی رضا علی نوری؛ تهیه کننده پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
مشخصات نشر:	قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری:	۱۳۶ ص.
شابک:	۱۷۰۰۰ ریال: ۰ - ۰۵۴ - ۲۴۶۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق -
موضوع:	مهدویت -- انتظار
شناسه افزوده:	پژوهشکده تحقیقات اسلامی
شناسه افزوده:	پژوهشکده تحقیقات اسلامی. انتشارات زمزم هدایت
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۹ ف ۴ ۸۶۵ / ع ۲۲۴ / ۴ BP
رده‌بندی دیویی:	۴۶۲ / ۲۷۹
شماره کتابشناسی ملی:	۸۳۴۷۶۰۲

فرهنگ مهدویت و انتظار

پژوهشکده تحقیقات اسلامی



فرهنگ مهدویت و انتظار

موضوع: اعتقادی ● تهیه کننده: پژوهشکده تحقیقات اسلامی
نویسنده: علی رضا علی نوری ● ناظر علمی: علی رفیعی ●
ناظر نهایی: مهدی عبداللہی ● ویراستار: جواد احمدی ●
صفحه آرائی: مسلم خسروی ● چاپ: سپهر ● نوبت و تاریخ
چاپ: اول / تابستان ۱۳۸۹ ● شمارگان: ۲۰۰۰ ● قیمت:
۲۰۰۰ تومان ● شابک: ۰-۰۵۴-۲۴۶-۹۶۴-۹۷۸

قم، خ شهید فاطمی (دور شهر)، نبش فاطمی ۳، پلاک ۸۱
تلفکس: ۷۷۳۰۷۳۵-۰۲۵۱، همراه: ۰۹۱۲۲۵۳۲۸۸۷

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
مقدمه	۱۱
درس اول: ضرورت امامت پس از نبوت	۱۳
ضرورت وجود امام در بیان ملاصدرا	۱۶
درس دوم: مبانی نقلی مهدویت	۱۹
حدیث ثقلین و احادیث دیگر	۲۰
درس سوم: موعودباوری در ادیان دیگر	۲۷
موعودباوری در آیین زرتشتی	۲۷
موعودباوری در آیین یهود	۲۸
موعودباوری در آیین مسیح	۲۹
موعودباوری در آیین هندی	۳۱
موعودباوری در آیین بودا	۳۳
درس چهارم: جایگاه امامت و ویژگی‌های امام زمان (عج)	۳۵
ویژگی‌های شخصی امام زمان (عج)	۳۹
نام	۳۹
کنیه و القاب	۳۹

۳۹	پدر و اجداد
۴۰	مادر
۴۰	سال و محل تولد
۴۰	ویژگی‌های جسمانی
۴۱	ویژگی‌های روحی
۴۱	ویژگی‌های پیامبران در مهدی (عج)
۴۳	درس پنجم: غیبت
۴۴	سنت غیبت
۴۵	گستره غیبت (صغری و کبری)
۴۷	راز غیبت
۵۱	درس ششم: انتظار فرج
۵۲	انواع انتظار
۵۲	فلسفه انتظار
۵۵	نقش سازنده انتظار در زندگی فردی و اجتماعی
۵۷	درس هفتم: ویژگیها و وظایف منتظران
۵۷	ضرورت دعا برای تعجیل فرج
۵۹	توسل و اتکا به امام عصر (عج)
۶۱	یاری امام عصر (عج)
۶۲	آمادگی برای عصر ظهور
۶۲	نقش علما در عصر غیبت
۶۳	دین‌داری در عصر غیبت
۶۵	درس هشتم: انقلاب اسلامی ثمرهٔ انتظار و زمینه‌ساز ظهور
۶۶	دلایل ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت
۶۷	وظایف و اختیارات حاکم در دورهٔ غیبت

۷۰	اختیارات ولی فقیه
۷۱	ولایت فقیه در رأس حکومت دینی
۷۳	درس نهم: تشریف به محضر امام زمان (عج)
۷۴	امکان دیدار و ملاقات و دلیل آن
۷۵	تأیید علمای شیعه
۷۵	بررسی توقیع
۷۷	عوامل زمینه‌ساز دیدار
۷۹	درس دهم: علائم ظهور
۸۱	علائم حتمی و غیر حتمی
۸۱	علائم حتمی
۸۳	علائم غیر حتمی
۸۵	درس یازدهم: یاران امام مهدی (عج)
۸۵	هسته اولیه یاران امام عصر (عج)
۸۶	منزلت یاران مهدی
۸۹	ویژگیهای جسمانی یاران مهدی (عج)
۹۰	پیمان متقابل امام مهدی (عج) و یارانش
۹۳	درس دوازدهم: پایان انتظار و آینده جهان (۱)
۹۴	ویژگیهای حکومت امام عصر (عج)
۹۴	۱. انهدام نظام کفر و شرک
۹۴	۲. احیای اسلام و جهانی کردن آن
۹۵	عوامل جهانی شدن اسلام
۹۸	گفتمان واقعی و احتجاج با پیروان ادیان دیگر
۱۰۱	درس سیزدهم: پایان انتظار و آینده جهان (۲)
۱۰۱	برنامه‌های حکومت واحد جهانی امام عصر (عج)

۱۰۴	ترسیم چهره حکومت جهانی امام عصر (عج).....
۱۰۴	۱. شکوفایی علم و فرهنگ.....
۱۰۵	۲. رشد فناوری.....
۱۰۵	۳. آبادانی جهان.....
۱۰۷	۴. امنیت جهانی.....
۱۰۹	درس چهاردهم: پرسش و پاسخ‌هایی درباره امام عصر (عج) (۱).....
۱۱۰	بررسی طول عمر از نظر قدرت الهی.....
۱۱۷	درس پانزدهم: پرسش و پاسخ‌هایی درباره امام عصر (عج) (۲).....
۱۱۹	شواهد و قراین بر خفای عنوانی.....
۱۲۵	درس شانزدهم: پرسش و پاسخ‌هایی درباره امام عصر (عج) (۳).....
۱۳۳	فهرست منابع.....

پیش‌گفتار

تعلیم و تربیت دینی و انقلابی کارکنان سپاه در جهت تقویت و ارتقای معرفت، ایمان و توانمندسازی و توسعه دانش و بینش آنان رسالتی است بس بزرگ که بر عهده معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نهاده شده است.

تحقق عمده این مأموریت خطیر در پرتو نظام آموزش کارآمد و بالنده امکان‌پذیر می‌شود تا زمینه ارتقای روحی و معنوی و تقویت دانش، بینش و منش اسلامی کارکنان سپاه را فراهم آورد و پاسدارانی مومن، بصیر، شجاع و آگاه تربیت کند که از ایمان و معنویت، معرفت دینی و بصیرت انقلابی لازم برخوردار باشند.

چنانکه مقام معظم رهبری فرموده‌اند:

مساله آموزش در همه جا مهم است ولی در سپاه از اهمیت مضاعفی برخوردار است. اگر در سپاه پاسداران آموزشهای قوی در مسایل عقیدتی سیاسی وجود نداشته باشد دیگر سپاه را به عنوان بازوی توانای انقلاب اسلامی نمی‌توان مطرح ساخت حرکت سپاه یک حرکت مستمر است و اگر قرار باشد این حرکت باقی بماند افراد سپاه باید آموزش دیده باشند و کسانی که این مهم را به عهده دارند شما هستید.

با توجه به اجرای «نظام تربیت و آموزش عقیدتی سپاه» از سالیان اولیه تاسیس این نهاد انقلابی و ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی آن در چارچوب تدابیر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) و بر اساس راهبردهای تحول و تعالی سپاه، نظام تربیت و آموزش مورد بازبینی و تجدید نظر قرار گرفت. در نظام جدید گرچه به امر خطیر آموزش و تقویت دانش عقیدتی سیاسی پاسداران توجه کافی مبذول شده است اما رویکرد اصلی آن تربیت محوری و معنویت‌افزایی بوده و سرفصلهای آموزشی آن نیز بر این اساس تنظیم شده است. یکی از دوره‌های مهم آموزشی که در نظام جدید مورد توجه قرار گرفته است آموزشهای طولی پاسداران، بسیجیان و سربازان است که به معرفت‌افزایی نسبت به معارف پایه‌ای اسلام و مباحث بنیادی با رویکرد تربیتی می‌پردازد.

هم‌اکنون کلیه دوره‌های آموزشی سپاه در حال بازنگری و بازبینی است و طبیعی است که در تدوین موضوعات و سرفصلهای آموزشی، ارزشیابی، بازخوردگیری، و در نهایت اصلاح یا تغییر سرفصلهای آموزشی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. کتاب حاضر بر اساس رویکرد جدید در دوره تربیت پاسداری (عمومی افسری) تدریس می‌شود.

مسئولیت تهیه و تدوین متون آموزشی مورد نیاز نمایندگی ولی فقیه در سپاه به عهده پژوهشکده تحقیقات اسلامی است. این متون با توجه به سطح معلومات، نیازها و تخصص نیروهای آموزشی، در گروههای تحقیقاتی پژوهشکده تدوین و پس از طی مراحل اعتباربخشی محتوایی و شکلی به تایید نماینده ولی فقیه در سپاه و یا نماینده ایشان می‌رسد.

پیشنهادها و تجربیات مربیان ارجمند و متربیان گرامی، در رفع کاستی‌های متون آموزشی راهگشا و مشوق ما در رفع کاستی‌های متون آموزشی خواهد بود.

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مقدمه

در حالی که ترس و وحشت از سلاح‌های کشتار جمعی، آرامش را از بشریت ربوده و نسل بشر را به انقراض و نابودی تهدید می‌کند، مسلمانان در انتظار آینده‌ای درخشان به سر می‌برند که، دین اسلام، جهانی شده، رهبری جهان را یکی از فرزندان پیامبرشان به دست خواهد گرفت.

در این میان، شیعه دوازده امامی نشانی دقیقی از آن رهبر موعود در دست دارد و معتقد است که او قرن‌هاست بر روی این کره خاکی، زندگی می‌کند و شاهد افول تمدن‌ها و زوال قدرت‌های ستمگر است. از این رو جامعه تشیع خود را تنها نمی‌بیند و در انتظار آن سفر کرده، برای ظهورش دعا می‌کند.

بی تردید یکی از ضرورت‌های اعتقادی نسل جوان، آشنایی با مفاهیم و مبانی امامت و مهدویت است؛ چرا که هویت فرهنگی تشیع از سوی دشمنان دیرینه‌اش مثل همیشه مورد هجوم است. آنان می‌خواهند تشیع را از جهاد و تلاش باز دارند و پویایی‌اش را به سکون و امیدش را به یأس تبدیل کنند. اما نمی‌دانند که نور آفتاب رانمی‌توان با دمیدن خاموش کرد. طلوع خورشید وجود امام مهدی (ع)، به طور قطع اتفاق خواهد افتاد و تاریخ بشریت به اوج کمال نائل خواهد شد.

بر عالمان و بیدارگران اقالیم قبله است تا با دستگیری ایتم آل محمد(ع)، فرصت را از دشمنان بگیرند و زمینه را برای ظهور آن دولت کریمه فراهم نمایند. در این کتاب، مبانی امامت و مهدویت مطرح شده؛ ویژگیهای شخصی مهدی موعود(ع) بررسی گردیده؛ از فلسفه غیبت و انتظار سخن رفته؛ و علائم ظهورش بیان شده است. با این امید که در فضایی که به برکت انقلاب اسلامی پدید آمده، نهال ایمان و ولایت در دل جوانان استوار گردد و عاشقان حضرت مهدی(ع) با آگاهی از مسئولیت خطیر خود در آخر الزمان، آمادگی بیشتری برای آن روز موعود پیدا کنند. به امید روزی که حکومت نوپای جمهوری اسلامی به حکومت واحد جهانی آن امام موعود متصل گردد!

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از پژوهشگر توانا و کوشا، حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای علی‌رضا علی‌نوری که زحمت تألیف و تدوین این اثر ارزشمند را متحمل شده‌اند و نیز، ناظر علمی متن، حجة الاسلام و المسلمین علی رفیعی و نیز ناظر نهایی حجة الاسلام و المسلمین مهدی عبداللّهی، تقدیر و تشکر نماییم.

آرزو مندیم این تلاشها مرضی حق تعالی و ولی اعظم او حجة بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد. ان شاء الله.

پژوهشکده تحقیقات اسلامی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

درس اول:

ضرورت امامت پس از نبوت

همه فرقه‌های اسلامی، بر لزوم وجود خلیفه برای پیامبر(ص) اتفاق نظر دارند، اما در اینکه خلیفه را باید خدا معین و نصب کند یا مردم، اختلاف است. مکتب تشیع بر آن است که انتخاب خلیفه پیامبر، فعلی از افعال الهی است و پیامبر(ص) از جانب خداوند، آن را به مردم ابلاغ می‌کند. دیدگاه مقابل بر این است که انتخاب خلیفه، کار مردم است و احتیاجی به تعیین آن از سوی خداوند نیست و خلیفه پیامبر با انتخاب مردم، مشروعیت پیدا می‌کند.^۱

ابتدا، موضوع را به داوری عقل ارجاع می‌دهیم. مقدمات و اصولی که منتهی به نتیجه عقلانی ضرورت نصب امام از سوی خداوند می‌شود عبارتند از:

الف. اسلام دینی همگانی و جاودانه است. چنان که در قرآن کریم آمده:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ (انبیاء: ۱۰۷)

و ما تو را نفرستادیم، جز رحمتی برای همه جهانیان.

ب. پیامبر اسلام خاتم انبیاست و سلسله نبوت با حضرت محمد(ص) به پایان رسیده است و بعد از آن حضرت هیچ پیامبری نیامده و نخواهد آمد. قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید:

۱. ر.ک. رساله توضیح المسائل، آیه الله حسین وحید خراسانی، ص ۹۲.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ؛ (احزاب: ۴۰)
 محمد پدر یکی از مردان شما نیست و لکن فرستاده خدا و خاتم پیامبران است.
 ج. قرآن با همه جامعیت و مصونیتش از تحریف، مشتمل بر همه حقایق و
 جزئیات معارف و احکام نیست و تفصیل کلیات احکام و تبیین قرآن، به فرمان
 الهی بر عهده پیامبر (ص) است. چنان که در قرآن کریم آمده است:
 وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ؛ (نحل: ۴۴)
 و این ذکر [قرآن] را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم تبیین کنی،
 آنچه را که به سویشان نازل شده است.

بدین ترتیب حجیت و اعتبار سنت آن حضرت، به عنوان یکی از منابع
 اصیل برای شناخت اسلام، ثابت می‌شود؛ لیکن شرایط دشوار زندگی آن
 حضرت، مانند چند سال محصور بودن در شعب ابی طالب و ده سال جنگ با
 دشمنان اسلام، اجازه نمی‌داد که همه احکام و قوانین اسلام را برای مردم بیان
 کند و آن اندازه هم که اصحاب فرامی‌گرفتند، ضمانتی برای محفوظ ماندن
 نداشت. وقتی کیفیت وضو گرفتن آن حضرت که سالها در مرئی و منظر مردم
 بود، مورد اختلاف باشد، خطر اشتباه در نقل و تحریفات عمدی احکام دقیق و
 پیچیده، به ویژه احکام و قوانینی که با هوسهای افراد و منافع گروهها برخورد
 دارد، به مراتب بیشتر خواهد بود.

برای نمونه، امام علی (ع) نقل می‌کند که رسول خدا فرمود: امت موسی پس
 از وی ۷۱ فرقه شد که یک فرقه‌اش نجات یابند و هفتاد فرقه‌اش در آتشند؛ و
 امت عیسی پس از او ۷۲ دسته شدند که یک دسته اهل نجات و ۷۱ گروه در
 آتشند. و همانا امت من به زودی پس از من، ۷۳ گروه خواهند شد که یک گروه
 اهل نجات و ۷۲ گروه در آتشند.^۱

۱. الخصال، محمد بن علی بن الحسین [معروف به شیخ صدوق]، ترجمه و تصحیح سید احمد
 فهری، ص ۷۰۷؛ ر. ک. السنن، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق عبدالرحمان محمد عثمان، ج ۴،
 ص ۱۳۴-۱۳۵.

نشانه درستی این حدیث، اختلافات بسیاری است که در تطبیق آن به چشم می‌خورد؛ و هر گروه از مسلمانان، خود را فرقه رستگار می‌داند و سخن پیامبر(ص) را بر خود منطبق می‌کند؛ و معتقد است گروه‌های دیگر، بر اثر بدعت و انحراف پدید آمده‌اند.

اکنون باید دید انسان حق طلب و پاک دلی که اسلام راستین را می‌جوید، در برابر این همه فرقه و گروه چگونه می‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد. با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که زمانی اسلام می‌تواند به عنوان دین کامل و پاسخگوی نیازهای همه انسانها تا پایان جهان مطرح باشد که در متن آن راهی برای تامین مصالح ضروری جامعه، پیش بینی شده باشد؛ مصالحی که با رحلت پیامبر اکرم(ص) در معرض تهدید قرار می‌گرفت؛ این راه، چیزی جز نصب جانشین شایسته برای رسول خدا نخواهد بود؛ جانشینی که دارای علم خدادادی باشد تا بتواند حقایق دین را با همه ابعاد و دقایقش بیان کند و با تبیین صحیح اصول و فروع دین، وحدت بخش امت و پاسدار دین، از تحریف باشد. نیز دارای ملکه عصمت باشد تا تحت تأثیر انگیزه‌های نفسانی و شیطانی واقع نشود. بتواند نقش تربیتی پیامبر اکرم را به عهده بگیرد و افراد مستعد را به عالی‌ترین مدارج کمال برساند. همچنین در صورت مساعد بودن شرایط زندگی اجتماعی، متصدی حکومت و تدبیر امور جامعه شود و حق و عدالت را در جهان گسترش دهد.

نتیجه این که، امامت مجوز ختم نبوت است؛ امامی که همه ویژگی‌های پیامبر اسلام به جز نبوت و رسالت را داشته باشد. بدین ترتیب هم ضرورت وجود امام در میان امت ثابت می‌شود و هم لزوم علم خدادادی و عصمت برای وی و هم این که امام باید از طرف خدای متعال نصب شود؛ زیرا خدا می‌داند چنین علم و ملکه‌ای را به چه کسی عطا کرده است.^۱

برای روشن تر شدن بحث به مثالی که برخی بزرگان در این زمینه آورده‌اند توجه کنید:

مخترعی کارخانه‌ای احداث می‌کند که محصول آن، کالایی گران بها و کمیاب است و هدفش تداوم تولید آن است. تلاش دارد حتی پس از مرگش تولید آن متوقف نشود. از سویی کارخانه یاد شده دارای ظرافت‌ها و دقت‌هایی است که جز با راهنمایی مخترع، کسی نمی‌تواند آن را راه‌اندازی کند. در این فرض، آیا می‌توان باور کرد که مخترع یاد شده، کسی را که آگاه به اسرار ابزار آن کارخانه و توانا بر به کار انداختن آن است، معین نکند و مهندسی کارخانه را به انتخاب مردمی واگذارد که از شناخت ظرافت‌های آن، ناتوانند؟

آیا ظرافت معارف و قوانین الهی در همه شئون حیات انسانی که ابزار کارخانه دین خداست و محصولش معرفت و عبادت خداوند و تربیت و تزکیه انسانی و ایجاد مدینه فاضله بر اساس قسط و عدالت است کمتر از دقت اعمال شده در اختراع آن مخترع است؟

آیا می‌توان پذیرفت که کاربرد قرآن در هدایت و تربیت انسان و حل مشکلات وی، با رحلت رسول اکرم تمام شده است؟ آیا خدا و پیامبرش، قرآن، این قانون تعلیم و تربیت را بدون مفسر و معلم و مربی رها کرده و تعیین آنان را به انتخاب مردم بی‌خبر از علوم و معارف این کتاب وا گذاشته‌اند؟^۱

ضرورت وجود امام در بیان ملاصدرا

امام صادق (ع) فرمود:

انّ الله أجل و اعظم من أن يترك الأرض بغير امام عادل؛^۲

۱. ر.ک. توضیح المسائل، آیه‌الله حسین وحید خراسانی، ص ۹۲ - ۹۳؛ امامت و رهبری، شهید مرتضی مطهری، ص ۳۶.

۲. الاصول من الکافی، ابی جعفر محمد بن یعقوب کلینی، ج ۱، ص ۱۷۸، باب انّ الارض لا تخلو من حجّة.

خداوند جلیل تر و بزرگ تر از آن است که زمین را بدون امام عادل رها سازد. ملا صدرا در شرح این حدیث می گوید: نیاز مردم به امام، بسیار مهم تر از نیاز آنان به غذا و پوشاک و امور دیگر است که خداوند برایشان آفریده است. اگر خداوند روزگاری انسان را بدون امام باقی گذارد، یکی از این سه حالت محتمل است؛ یا آن که خداوند به چنین نیازی در انسان آگاه نیست، یا بر خلق امامی در آن روزگار توانایی ندارد، یا در انجام این کار بخل می ورزد. از آنجا که هر سه مورد باطل است، نتیجه می گیریم که خداوند هیچ روزگاری را خالی از امام رها نمی کند.^۱ این بیان مفید ضرورت تداوم امامت پس از نبوت، حتی در زمان حال و آینده است.

سیره مستمر پیامبر (ص) چنان بود که حتی در سفرهای کوتاه مدت یک یا چند روزه برای خود جانشین تعیین می کرد. پس، چگونه ممکن است در سفر طولانی و بدون بازگشت مرگ، امت را بدون راهنما و رهبر، به خودشان واگذارد؟ آیا معقول است شخصیتی که عقل کل به شمار می آید و دینش را نسخه شفابخش بشر در همه زمانها می داند و از خود مردم به آنان مهربان تر است و برای سعادت و هدایتشان سخت ترین آزارها را به جان خریده است، در به ساحل نجات رساندن امت و استمرار دین تدبیری نیندیشیده باشد؟ آیا ساحت مقدس و شخصیت والا و ممتاز نبی اکرم (ص) چنین کوتاهی ای را بر می تابد که امتش را بدون تعیین جانشین شایسته به حال خود رها کند؟

سؤال: با فرض تعیین چنین شخصیتی از سوی خداوند و قبول این که امامان معصوم از طرف خداوند انتخاب و نصب گردیده اند، می بینیم باز هم اختلاف باقی است و همه مردم به دین کامل راه نیافته اند؛ پس تعیین و نصب خداوند چه اثری خواهد داشت؟

پاسخ: اگر خداوند شخصیت مورد بحث [امام معصوم] را انتخاب و نصب نماید، جهل و نادانی مردم و انحرافشان از دین حق، بر اثر سوء اختیار خودشان خواهد بود و نقص و کمبودی در اساس مکتب اسلام به شمار نمی‌رود؛ ولی اگر خداوند چنین فردی را تعیین نکند، نقص در برنامه آسمانی و مکتب خواهد بود.^۱

پرسش

۱. دلیل عقلی ضرورت نصب امام از سوی خداوند را توضیح دهید.
۲. ضرورت نصب امام را با ذکر مثالی که در درس آمده، تبیین کنید.
۳. بیان ملاصدرا در ضرورت وجود امام از سوی خداوند، چیست؟
۴. آیا نصب امام از سوی خداوند، موجب رفع کامل اختلاف امت می‌شود؟
توضیح دهید.

درس دوم:

مبانی نقلی مهدویت

منظور از نقل در برابر عقل، کتاب و سنت معصومان (ع) است که خود به لحاظ مبانی، معقول و منطقی؛ و به لحاظ تعالیم و آموزه‌ها، عقل‌پذیر و دعوت‌کننده به تعقل و تفکر است.

مبانی نقلی امامت دو گونه است:

۱. آنچه مفاد آن لزوم وجود شخصیتی الهی، بیم‌دهنده و هدایتگر در میان مردم است. این نوع ادله نقلی، همانند دلایل عقلی، ضرورت امامت و تداوم آن را به شکل کلی اثبات می‌کند. بخشی از آیات و روایات در این زمینه عبارتند از:

وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ؛ (فاطر: ۲۴)

هیچ امتی نیست مگر آنکه در آن بیم‌دهنده‌ای بوده است.

إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛ (رعد: ۷)

همانا تو بیم‌دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت‌کننده‌ای هست.

از این آیات استفاده می‌شود که یکی از سنت‌های همیشگی خدا در میان جوامع بشری این است که در میانشان منذر و هادی نصب کند. بدیهی است زمانی که شخص پیامبر حضور دارد، منذر و هادی هموست و در دوره‌ای که پیامبر نباشد، وصی پیامبر، جانشین او خواهد بود. در این آیات، لزوم وجود هدایتگری از جانب خدا در میان مردم بیان شده است. پس هم‌اکنون نیز، برای انداز و هدایت مردم، باید شخصیتی الهی حضور داشته باشد.

از روایاتی که دلالت بر وجود حجت الهی در هر زمانی دارد، حدیث مورد اتفاق فریقین از رسول خداست که فرمود:

من مات لا يعرف امامه، مات میتة جاهلیة؛^۱ هر کس بمیرد در حالی که امامش را نمی‌شناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.

از این روایت استفاده می‌شود که پس از پیامبر (ص) در هر عصری، امامی است که شناختش ضرورت دارد. بدیهی است که باید وی از طرف خدا باشد وگرنه شناخت او، ضروری اعلام نمی‌گردد.

حدیث ثقلین و احادیث دیگر

این حدیث از احادیث متواتری است که شیعه و سنی آن را به اسناد و طرق گوناگون از پیامبر نقل کرده‌اند. متن حدیث بر پایه یکی از نقلها چنین است:

یا ایها الناس إني تركت فيكم ما إن أخذتم به لن تضلوا؛ كتاب الله و عترتي
 اهل بیتی؛^۲ ای مردم، در میان شما چیزی بر جا می‌گذارم که اگر آن را
 دریابید و به آن تمسک جوید، هرگز گمراه نمی‌شوید؛ کتاب خدا و
 عترتم، اهل بیتم.

بنابر این حدیث، همان‌گونه که کتاب خدا تا روز قیامت در میان مردم باقی است، یکی از اهل بیت نیز همدوش قرآن در میان مردم حضور دارد. چنان که از هم‌ترازی عترت با قرآن، عصمت و مصونیت آنان از گناه و خطا استفاده می‌شود؛ زیرا هرگز نمی‌توان پذیرفت که پیامبر اکرم، اطاعت مطلق از عترت خطاکار و عاصی را بر امت واجب کند یا آنان را همسنگ قرآن قرار دهد.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۷؛ شرح المقاصد، التفتازانی، ج ۵، ص ۲۳۹.

۲. المراجعات، سید عبدالحسین شرف الدین موسوی عاملی، ص ۶۵، به نقل از ترمذی و نسائی و احمد بن حنبل.

امیر مؤمنان علی (ع) ضمن سخنانی با اشاره به امام غایب، به کمیل بن زیاد فرمود: آری، خداوند زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند؛ آشکار و شناخته شده، یا بیمناک و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود. تعدادشان چقدر و در کجا هستند؟ به خدا سوگند، که تعدادشان اندک ولی نزد خدا بزرگ منزلت‌اند که خدا به وسیله آنان حجت‌ها و نشانه‌های خود را نگاه می‌دارد...^۱

امام صادق (ع) فرمود:

لو بقیة الأرض بغير امام لساخت؛^۲ اگر زمین بدون امام بماند، اهلش را فرو می‌برد.

پس هم‌اکنون، وجود امامی بر روی زمین که موجودات به یمن وجود او باقی‌اند، ضروری است.

۲. آنچه مصادیق امامت انتصابی را - که در مباحث پیشین مورد تأکید قرار گرفت - مشخص می‌کند و از آن به امامت خاصه تعبیر می‌شود؛ یعنی تحقیق درباره این که قرآن و سنت، چه کسانی را پس از پیامبر خدا برای تصدی مقام امامت به اُمت معرفی کرده‌اند و در حال حاضر، امام، کیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

از روایات بسیاری - که محدثان اهل سنت نیز آنها را نقل کرده‌اند - استفاده می‌شود که پیامبر اسلام خلفای پس از خود را دوازده تن از بنی هاشم و از عترت خود دانسته و عزت و قوام دین را به گونه‌ای با خلافت آنان پیوند زده است.^۳

بر اساس روایت جابر بن سمره، پیامبر فرمود:

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۶۶۱.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. ر.ک. معالم المدرستین، علامه سید مرتضی عسگری، ج ۱، ص ۵۲۵-۵۲۸، به نقل از منابع اهل سنت.

این دین پیوسته بر آن که قصد او را کند، پیروز خواهد شد. زیان هیچ مخالف و بی دینی به او نمی رسد تا دوازده خلیفه بگذرند.^۱
عبد الله بن مسعود نقل می کند که رسول خدا فرمود:

خلفای پس از من، دوازده تن به تعداد سران بنی اسرائیل خواهند بود.^۲
امام علی (ع) فرمود:

همانا امامان (دوازده گانه) همه از قریش بوده، درخت آن را در خاندان بنی هاشم کاشته اند. مقام ولایت و امامت در خور دیگران نیست و سایر مدعیان زمامداری، شایستگی آن را ندارند.^۳

محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ ه. ق) که حدیث خلفای دوازده گانه را از پیامبر روایت کرده، معاصر امام جواد و امام هادی و امام عسکری علیهم السلام است؛ یعنی قبل از اینکه حدیث یاد شده تحقق خارجی پیدا کند و دوازده نفر تکمیل شوند، آن را از رسول خدا نقل کرده است. پس این احادیث از واقعیت خارجی متأثر نشده، بلکه به وحی الهی بر زبان پیامبر جاری شده است؛ زیرا احادیث ساختگی معمولاً برای توجیه وقایع پیشین جعل می شدند و پس از پیدایی آن وقایع، در کتب حدیث راه می یافتند.^۴

بنابراین، رسول خدا (ص) با این بیان، خلافت شرعی و الهی پس از خود را برای دوازده نفر انشا و آنان را به این مقام نصب کرده است. در این که منظور پیامبر از این دوازده نفر چه کسانی هستند، منابع اهل سنت ساکتند و درباره مصادیق آن از پیش خود گمانهایی زده اند که فاقد حجیت عقلی و شرعی است؛

۱. المسند، احمد بن حنبل، ج ۵، ص ۸۷؛ صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، ج ۷ - ۹، ص ۷۲۹، باب الاستخلاف.

۲. منتخب الأثر، لطف الله صافی گلپایگانی، ص ۲۵.

۳. نهج البلاغه، ص ۲۶۵.

۴. ر. ک. بحث حول المهدی، محمد باقر الصدر، ص ۶۷.

زیرا این احادیث نبوی نه قابل انطباق بر خلفای بعد از پیامبر است - چون آنان کمتر از دوازده نفرند - و نه قابل حمل بر پادشاهان بنی امیه - به جهت آلوده بودن آنان به ظلم و جور و فزون بودن شمارشان از دوازده نفر - و نه قابل حمل بر سلاطین بنی عباس - به دو علت یاد شده. مصادیق این احادیث، جز امامان دوازده گانه از عترت و اهل بیت پیامبر نیستند؛ آن گونه که شیعه امامیه اعتقاد دارد.

البته می توان گفت که درباره مهدی موعود (عج) و درباره این که او تنها امام قریشی و علوی در آخر الزمان است که جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، فریقین اتفاق نظر دارند و تعداد زیادی از دانشمندان اهل سنت نیز، روایات مربوط به ظهور مهدی (عج) را متواتر می دانند و برخی از آنان کتابها و رساله هایی درباره حضرت مهدی و علائم ظهورش نوشته اند.^۱

ابن ابی الحدید می گوید:

همه فرقه های مسلمان اتفاق نظر دارند که دنیا و تکلیف جز با مهدی پایان نمی پذیرد.^۲

محمد بن حسین آبری صاحب کتاب مناقب الشافعی می گوید:

اخبار رسول خدا درباره مهدی و این که از اهل بیت است و ... ، متواتر و مستفیض است.^۳

اکنون به بخشی از آیات و روایات در این زمینه می پردازیم:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛

(انبیاء: ۱۰۵)

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

۱. ر.ک. الامام المهدی عند اهل السنة، مهدی فقیه ایمانی.

۲. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۵۱۵.

۳. الامام المهدی عند اهل السنة، ج ۲، ص ۴۰۲.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
 اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
 وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنها را به طور قطع خلیفه روی زمین خواهد کرد همان گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید و دین و آیینی را که برای آنها پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس آنان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد، به گونه‌ای که مرا پرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند.

بنابر این دو آیه، بندگان و مؤمنان صالح، وارث حکومت زمین شده، به جانشینی از خداوند، به اهداف پیامبران، تحقق عینی می‌دهند. بدیهی است چنین وعده‌ای هنوز عملی نشده و باید در انتظار آن بود. نیز وعده قرآن نسبت به تحقق حکومت صالحان در پهنه زمین، نوعی پیشگویی نسبت به فراهم شدن زمینه پذیرش دین حق در سطح وسیعی است.

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
 الْوَارِثِينَ؛ (قصص: ۵)

ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: دنیا پس از سرکشی، به ما روی می‌کند، چونان شتر ماده بدخو که به بچه خود مهربان گردد. سپس آیه فوق را تلاوت فرمود.^۱

به چند روایت - از میان صدها روایت - نیز اشاره می‌کنیم:

أبو سعید خدری نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود:

شما را به مهدی (عج) مژده می‌دهم، او در حال اختلاف مردم و [وقوع] زلزله‌ها در میان امتم برانگیخته می‌شود؛ زمین را پراز عدل و داد می‌کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خوشنود می‌شوند.^۱

امیرمؤمنان علی (ع) روایت می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود: ای علی، زمانی که از فرزندان یازده امام تمام شد، یازدهمین آنان مهدی از اهل بیتم است.^۲

پیامبر (ص) در حدیثی دیگر فرمود: اگر از روزگار جز یک روز باقی نماند، خداوند مردی از اهل بیتم را بر می‌انگیزد تا زمین را پراز عدل و داد کند، آن گونه که از ظلم و جور پر شده است.^۳

اصبغ بن نباته می‌گوید، روزی نزد امیرمؤمنان علی (ع) آمدم، دیدم در حال تفکر است و بر روی زمین خط می‌کشد. گفتم: ای امیرمؤمنان آیا [تفکر و اندوهت] به خاطر رغبت و اشتیاق به زمین است [که مالک آن شوی و فرمانت نافذ باشد؟] فرمود: نه، سوگند به خدا هرگز حتی برای یک لحظه به زمین و دنیا رغبت و میلی نداشتم، اما به مولودی می‌اندیشیدم که بعد از من و یازدهمین از فرزندان من است؛ همان مهدی که زمین را پراز عدل و داد می‌کند آن سان که از ظلم و جور پر شده است.^۴

روایات درباره ظهور مهدی (عج) حتی به اعتراف دانشمندان^۵ اهل سنت در حد تواتر است؛^۶ به گونه‌ای که اعتقاد به امامت آن حضرت و ایمان به دین اسلام، دو امر جدایی‌ناپذیر جلوه می‌کنند.

۱. المسند، ج ۳، ص ۳۷.

۲. منتخب الأثر، ص ۳۰.

۳. همان، ص ۱۴۲، به نقل از صحیح ابی داود.

۴. کتاب الغیبة، محمد بن ابراهیم النعمانی، ص ۴۱.

۵. برخی از آنان عبارتند از: ابن حجر هیثمی، سید احمد زینی دحلان مفتی شافعی، ابو عبدالله گنجی شافعی... برای آگاهی از اسامی سایر افراد و کتبی که در این باره تألیف کرده‌اند، ر. ک. منتخب الأثر، ص ۳-۶.

۶. تواتر: خبر به حدی از کثرت برسد که موجب یقین به صدور آن از معصوم گردد.

با وجود این همه روایت از پیامبر (ص) اگر کسی منکر امامت مهدی (عج) شود، دیگر هیچ یک از مسائل اسلامی قابل اثبات نخواهد بود؛ زیرا روایات مربوط به آنها، به مراتب کمتر از روایاتی است که درباره امامت حضرت مهدی (عج) در دسترس است.

نتیجه این که هر چند در مسئله امامت پس از پیامبر، اختلاف عقیده میان شیعه و سنی وجود دارد، اما درباره ظهور مهدی از اولاد فاطمه (ع) به دلیل آنچه ذکر شد، اتفاق نظر است.

پرسش

۱. چه آیاتی بر ضرورت تداوم امامت دلالت دارند؟
۲. چه روایاتی بر ضرورت وجود امام دلالت دارند؟
۳. برخی از روایاتی را که بر امامت و خلافت دوازده نفر دلالت دارند، ذکر کنید.
۴. چرا روایات، درباره خلفای پس از پیامبر، جز بر امامان دوازده گانه از عترت پیامبر، قابل انطباق نیستند؟
۵. کدام آیات بشارت حکومت صالحان را در آینده می دهند؟
۶. روایاتی را که بر ظهور حضرت مهدی (عج) دلالت دارند، ذکر کنید.

درس سوم:

موعودباوری در ادیان دیگر

از اصول اساسی در بحث مهدویت، اصل فرادینی و فراقومی بودن موعود باوری است. موعود باوری از جمله حقایقی است که در تمام اقوام و ملل و در همه ادیان و مذاهب وجود دارد. موعود باوری یعنی اعتقاد به وجود مصلحی جهانی که با آمدن وی، جهان به عدالت می‌رسد و این واقعه در پایان دوره آخرالزمان خواهد بود و همه گفته‌اند که کار ناتمام انبیا و ادیان، به دست آن مرد بزرگ کامل خواهد شد. این اندیشه و اعتقاد، بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش بینی به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و دوری از بدبینی به پایان کار بشر است. در این درس به بررسی دیدگاه‌های ادیان مطرح جهان، درباره مصلح جهانی و موعود آینده می‌پردازیم.

موعودباوری در آیین زرتشتی

درکیش زرتشتی، مسئله نجات و اصلاح جهانی، با توجه به نظام عقیدتی آن، به نحو خاصی مطرح شده است. در این آیین، یک قدرت جهانی یا روح خیر به نام «اهورا مزدا» و یک قدرت متضاد یا روح بزرگ شر به نام «اهریمن» خودنمایی می‌کند. این دو نیرو تا آخر الزمان باهم درستی‌زنند. سرانجام، خوبی بر شر غلبه می‌کند و دوره صلح و پاکی و اعتلای اهورامزدا فرا می‌رسد و با ظهور

«سوشیانس»، آخر الزمان آغاز می‌شود. وظیفه این نجات دهنده، حفاظت از راستی و پاکی است. جهانی که اندکی قبل از رستاخیز آراسته خواهد شد و در آن، راستگو بر دروغگو چیره می‌شود، نور بر ظلمت و خیر بر شر غلبه می‌یابد؛ بدین سبب سوشیانس نامیده شده که به سراسر جهان سود خواهد رسانید.^۱

موعودباوری در آیین یهود

در آثار دینی یهود و اسفار تورات و دیگر کتابهای آنان، همانند صحیفه اشعیای نبی و مزامیر داود - که در لابلائی کتب عهد عتیق آمده است - همواره به موعود اشاره شده است. با توجه به این که یهود به دو پیامبر پس از حضرت موسی (ع)، یعنی حضرت مسیح (ع) و حضرت محمد (ص) ایمان نیاوردند، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است و باید بدانند که از آن موعود، گریزی نیست. اکنون عبارت هایی از متون مقدس یهود را در این باره بررسی می‌کنیم:

به سبب شریران، خویشتن را مشوش مساز و بر فتنه انگیزان حسد مبر؛ زیرا که مثل علف به زودی بریده می‌شوند مثل علف سبز پژمرده خواهند شد... و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد، هان بعد از اندک زمانی، شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد... صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود... و نجات صالحان از خداوند است و در وقت تنگی، او قلعه ایشان خواهد بود و خداوند ایشان را اعانت کرده، نجات خواهد داد، ایشان را از شریران خلاص کرده، خواهد رهانید؛ زیرا بر او توکل دارند.^۲

۱. ر.ک. فصلنامه علمی - تخصصی انتظار: ویژه امام مهدی (عج)، سال دوم، شماره ۴، تابستان

۱۳۸۱، ص ۷۹؛ پژوهشی در کیش زرتشت، علی اصغر منجزی، ص ۸۴-۸۶.

۲. عهد عتیق، کتاب مزامیر داود، مزمور ۳۷.

و در عبارتی دیگر آمده است:

ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده، و عدالت خویش را به پسر پادشاه، و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به انصاف، آن گاه کوهها برای قوم سلامتی را بار خواهند آورد... و ظالمان را زبون خواهند ساخت... او مثل باران بر علفزار چیده شده، فرود خواهد آمد و مثل بارش هایی که زمین را سیراب می کند، در زمان او صالحان خواهند شکفت...^۱

موعودباوری در آیین مسیح

در متون مذهبی مسیحیت، درباره منجی موعود، دو نوع بیان وجود دارد:

۱. بشارت هایی که بر پیامبر اسلام قابل تطبیق است و از وی به عنوان تسلی گر^۲ - ترجمه فارسی پارقلیط - و موعودی یاد شده که پس از عیسی (ع) می آید و همه چیز را تعلیم خواهد داد.

در انجیل یوحنا آمده: و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند...^۳ و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم.^۴

۱. همان، مزمور ۷۲، آیه ۱؛ ر.ک. رساله توضیح المسائل، ص ۱۳۶.

۲. این معنا - تسلی گر - بر اساس ترجمه فارسی انجیل است، ولی بررسی ترجمه های مختلف انجیل و رجوع به ترجمه عبری انجیل، روشن می سازد که انجیل فارسی و عربی مطابق با اصل یونانی معتبر، ترجمه نشده است. نسخه عبری انجیل علز عویر که از روی نسخه یونانی سال ۱۶۲۴ م. ترجمه شده است، به جای پارقلیط که به معنای تسلی دهنده است، پارقلیط که به معنای احمد است، ذکر کرده است. ر.ک. حقیقت مسیحیت، هیئت تحریریه مؤسسه در راه حق، ص ۶۲-۶۳.

۳. انجیل یوحنا، باب ۱۴، بند ۱۶، ص ۱۷۳.

۴. همان، باب ۱۶، بند ۷، ص ۱۷۵-۱۷۶.

این جملات به ظهور کسی پس از حضرت مسیح (ع) بشارت می‌دهد که آمدنش مشروط به رفتن مسیح است. این بشارت در قرآن کریم نیز آمده است:

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ؛ (صف: ۶)

و آن گاه که عیسی پسر مریم با بنی اسرائیل گفت: همانا من فرستاده خدایم به سوی شما؛ درستی تورات را تصدیق می‌کنم و نیز نوید می‌دهم به پیامبری که پس از من در می‌رسد؛ نام او احمد است.

۲. عباراتی که بازگشت مسیح (ع) را در آخر الزمان نوید می‌دهد. مسیحیان بعد از مصلوب شدن عیسی - به اعتقاد خودشان - منتظر بازگشت او هستند؛ چرا که خود چنین وعده داده است:

مسیح دوباره در آخر الزمان خواهد آمد و برنامه نجات را کامل خواهد کرد؛ زیرا در حقیقت شنیده‌ایم که او نجات دهنده عالم است...^۱ زیرا، همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر می‌شود، ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید و فرشتگان خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را از بادهای اربعه از کران تا به کران فلک، فراهم خواهند آورد... اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان؛ جز پدر من^۲ و بس^۳...

و کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت از

۱. فصلنامه علمی - تخصصی انتظار: ویژه امام مهدی (عج)، ص ۸۴ به نقل از انجیل یوحنا؛ ر.ک.

درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، محمد رضا زیبایی نژاد، ص ۱۸۲ - ۱۸۳.

۲. عنوان پدر و پسر در کلام مسیحیت بر ذات خداوند و حضرت عیسی (ع) اطلاق می‌شود.

۳. عهد جدید، انجیل متی، باب ۲۴.

عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد، بی درنگ برای او باز کنند...^۱

بازگشت عیسی مسیح (ع) در آخر الزمان، در روایات شیعه و سنی، غیر قابل انکار است. در اینجا به ذکر چند روایت از منابع اهل سنت بسنده می‌شود: ابوهریره نقل می‌کند که رسول خدا (ص) فرمود:

کیف أنتم اذا انزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم؛^۲ چگونه خواهید بود وقتی که پسر مریم در میانتان فرود آید و امامتان از خودتان باشد. حذیفه از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که فرمود:

مهدی متوجه می‌شود که عیسی پسر مریم فرود آمده، گویا از موهایش آب می‌ریزد، پس مهدی (عج) به او می‌گوید: (ای عیسی) پیشقدم شو و با مردم نماز بخوان. عیسی (ع) پاسخ می‌دهد: نماز برای شما بر پا شده (امروز شما امام مردم هستید) پس عیسی (ع) پشت سر مردی از فرزندانم نماز می‌گزارد. وقتی نماز به پایان می‌رسد، عیسی با مهدی بیعت می‌کند.^۳

در نتیجه، با توجه به متون اسلامی، موعود باوری در آیین مسیحیت که در اعتقاد به بازگشت عیسی (ع) تبلور یافته است، با ظهور مهدی موعود (عج) گره خورده است و رجعت عیسی (ع) در فضای ظهوری که مسلمانان به آن اعتقاد دارند، اتفاق خواهد افتاد. بازگشت عیسی برای پیامبری نیست؛ چرا که شریعت وی نسخ شده؛ بلکه برای اتمام حجت و تأیید حضرت مهدی (عج) رجوع می‌کند.

موعودباوری در آیین هندی

در کتاب جوک (رهبر جوکیان هند که او را پیامبر می‌دانند) آمده است:

۱. عهد جدید، انجیل لوقا، باب ۱۲.

۲. صحیح البخاری، ج ۳-۴، ص ۶۳۳، باب نزول عیسی بن مریم.

۳. عقد الدرر فی أخبار المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی سلمی، ص ۲۲۹-۲۲۳.

آخر، دنیا به کسی که خدا را دوست می‌دارد و از بندگان خاص او می‌باشد و نام او خجسته و فرخنده است، رسد. خلق را که دینها اختراع کرده، حق خدا و پیامبر را باطل کرده‌اند، همه را زنده گرداند و بسوزاند و عالم را نو گرداند.^۱

در کتاب باسک یکی دیگر از کتب مقدس هندی آمده است:

دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخر الزمان که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمان‌ها و زمین و آنچه باشد، خبر دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.^۲

و در کتاب اوپانیشاد آمده است:

این مظهر ویشنو^۳ در انقضای کلی یا عصر آهنین، سوار بر اسبی سفید، در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت دنباله دارد در دست دارد، ظاهر می‌شود و شریران را تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد. این هم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.^۴

محتوای این متون، وعده ظهور منجی الهی در آخر الزمان است که باید در انتظارش بود.

۱. ر.ک. در آمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، ص ۱۸۴.

۲. ر.ک. همگرایی ادیان و مذاهب در اعتقاد به موعود، مریم آخوندی، ص ۳۲.

۳. بنابر اعتقاد هندوهای ویشنویی، خداوند (ویشنو) در زمانهای فترت دین و فضیلت و غلبه ظلم و رذیلت، به صورت موجودی مادی در زمین تنزل می‌کند تا ریشه فساد را برکند و عدالت و

نیکی را احیا کند. ر.ک. جوهره مهدویت، دکتر علی موحدیان، ص ۱۲.

۴. همان.

موعودباوری در آیین بودا

اندیشه منجی موعود، در آیین بودا، با میتریه تبیین می‌گردد. میتریه، با معارف بودایی ارتباط محوری دارد و در زبان سانسکریت به معنی مهربان است و در نگاه آنان، همان موعود نجات بخش است.

میتریه در نهاد نگاری بودایی به شکل مردمی با وضعیت نشسته و آماده برخاستن - که نمادی از قیام را تداعی می‌کند - طرح می‌شود.^۱

بودائیان نسب این منجی آسمانی را به سید خلائق می‌رسانند و ثمرات قیام وی را چنین بر می‌شمارند: «پادشاهی دنیا به فرزند سید خلائق دو جهان تمام خواهد شد. او کسی است که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم راند؛ بر ابرها سوار و دین خدا را زنده می‌کند.»^۲

مردم شرق آسیا که بیشتر بودایی هستند، از منجی مهربان موعود، با عنوان بودای پنجم یاد می‌کنند. به دلیل همین حضور حضرت مهدی موعود(عج) در فرهنگهای گوناگون و در عقاید و کتابهای امتهای و ملتهاست، که در یکی از زیارت‌های آن حضرت آمده است:

السلام علی مهدی الأمم و جامع الکلم.^۳

سلام بر مهدی که امتهای او سخن گفته‌اند، همو که همه اقوام و افکار را متحد می‌کند و زیر یک پرچم گرد می‌آورد.

پرسش

۱. موعود باوری را از دیدگاه آئین زرتشت و یهود توضیح دهید.

۲. انجیل درباره ظهور منجی، چه گفته است؟

۱. ر.ک. همگرایی ادیان و مذاهب در اعتقاد به موعود، گروه مهدویت حوزه اجتهاد محسنیه، ص ۱۸.

۲. همان.

۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۵۲۹.

۳. روایاتی را که بر بازگشت عیسی (ع) در آخر الزمان دلالت دارند، ذکر کنید.
۴. درباره موعود باوری، در آئین هندو، توضیح دهید.
۵. بودائیان درباره منجی موعود، چه می‌گویند؟

درس چهارم:

جایگاه امامت و ویژگی‌های امام زمان (عج)

در این درس، با بررسی ویژگی‌های امام در فرهنگ تشیع، به اصلی‌ترین رسالت منجی موعود در اسلام می‌پردازیم.

امام صادق (ع) درباره صفات و توانایی‌های روحی امام و مسئولیتهای وی،

چنین فرمود:

همانا خدای عزوجل، به وسیله پیشوایان هدایت از اهل بیت پیامبر ما، دینش را واضح و راهش را روشن کرد و باطن چشمه‌های علمش را به وسیله آنان گشود. پس هر کس از امت محمد (ص) باید حق واجب امامش را بشناسد، جلاوت و شیرینی ایمانش را بیابد و برتری شادابی اسلامش را بداند؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی، امام را نشانه‌ای بر خلقش نصب کرده و او را حجت بر اهل فیوضات و جهانش قرار داده و تاج و قار بر او پوشانده و او را به نور جبار آراسته است. امام به آسمان متصل است و هیچ چیز از دسترس او دور نیست. هیچ چیز از خدا به خلق نمی‌رسد، مگر با وساطت او؛ و اعمال بندگان پذیرفته نمی‌شود مگر با معرفت او. پس او دانا است به مشکلات تاریکی که بر او وارد می‌شود و عالم است به معماهای سنت و اشتباه بر انگیزی‌های فتنه‌ها. خداوند تبارک و تعالی همیشه امامان را از اولاد حسین (ع) از فرزند هر امامی، برای خلق خود

اختیار می‌کند... هرگاه یکی از ایشان رحلت کند، از فرزندان او امامی بزرگوار، آشکار و رهبری نوربخش و پیشوایی سرپرست و حجتی دانا برای خلقش نصب می‌نماید؛ پیشوایانی از سوی خداوند که به حق هدایت و به حق دآوری می‌کنند - و مردم را به حق راست می‌دارند - حجت‌های خدا و دعوت‌کنندگان به سوی او و مدیران بر خلق خدا، از جانب او می‌باشند. بندگان خدا به هدایت آنان دیندار می‌شوند، و شهرها به نور ایشان روشن می‌شود... همیشه خدا از او مراقبت نموده و به ستر خود او را حفظ و مواظبت می‌نماید؛ در حالی که دامهای شیطان و سپاهش از او رانده شده، پیش آمدهای شب‌هنگام و افسون هر فاسقی از او دفع شده، رو آوران بدی از او روی گردان شده‌اند، از فسادها مبرا و از آفتها محجوب و از لغزشها معصوم و از همه زشتیها مصون...^۱

از این روایت معتبر، برخی ویژگیهای امام به دست می‌آید:^۲

۱. امام هدایت‌گراست. هر موجودی برای رسیدن به کمال، نیازمند هدایت است. هدایت هر آفریده‌ای با آفرینش آن تناسب دارد. انسان بنا بر «احسن تقویم» آفریده شده و هدایت بزرگ‌ترین نعمتی است که به اشرف مخلوقات عنایت شده است. امام، پیشوای هدایت اشرف مخلوقات است. خداوند تفسیر دین و قانون خود را به آرا و اندیشه‌های مردم - که در معرض خطا و اختلافند - واگذار نکرده؛ بلکه امام را مفسر پیچیدگی‌های دین و روشنگر ابهامهای آن قرار داده است.

۲. امام آموزگار حقایق علوم است. هدف از آفرینش عقل در انسان، رسیدن وی به حقیقت علم و معرفت است. انسان با زبان حال و به‌کنه عقلش از آفریدگار

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴. ترجمه روایت، برگرفته از رساله توضیح المسائل آیت‌الله وحید خراسانی، ص ۱۲۴.

۲. ر.ک. توضیح المسائل، ص ۱۲۵-۱۳۰.

عقل می‌خواهد که همه چیز را چنان که هستند به وی بنمایاند. عطش ادراک انسان، جز با رسیدن به آب حیات علم الهی رفع نمی‌شود. امام کسی است که لب تشنگان حقیقت به دست او سیراب می‌شوند و بزرگان علم و دانش و فلاسفه، در برابر امام قطره‌ای از اقیانوسند.

۳. امام باگزینش الهی مشخص می‌شود. در قلمرو اندیشه‌ها و سلیقه‌های مردم نیست که امام را انتخاب کنند. هدف آفرینش انسان و بعثت پیامبران، در دو عبارت خلاصه می‌شود: هدایت به حق؛ و عدالت به حق؛ که عصاره حکمت نظری و عملی است. تحقق این دو، جز به وسیله عقلی که بر درستی امور واقف باشد و اراده‌ای که هر کار را چنان که سزاوار است انجام دهد - که همان صاحب عصمت علمی و عملی است - ممکن نیست.^۱ فقط خداوند می‌داند که فضیلت عصمت علمی و عملی را به کدام یک از بندگانش موهبت فرماید. از این رو امام باید مرضی خدا و منتخب او باشد.

۴. امام حجت خداست. او برهانی آشکار بر وجود خدا، صفات خدا، اراده و مشیت خدا و فعل خداست. امام حلقه وصل آسمان و زمین و واسطه خلق و خالق^۲ است. با وجود امام عذری برای گمراهی و انحراف از حق برای کسی باقی نمی‌ماند.

امام صادق (ع) ضمن دعایی می‌فرماید: در زمان غیبت بگو:

اللهم عرّفني حجتك فانك إن لم تعرّفني حجتك ضللت عن ديني؛^۳ خدایا
حجت خود را به من بشناسان؛ چرا که اگر حجت خود را به من شناسانی از
دین خود گمراه خواهم شد.

۱. امام حسن (ع) فرمود: «قلوبنا أوعية لمشيئة الله فإذا شاء شئنا؛ دل‌های ما ظرف‌های مشیت خداست پس هرگاه او بخواهد، ما می‌خواهیم.» ر.ک. آفتاب ولایت، محمدتقی مصباح یزدی، ص ۱۶۶.

۲. ر.ک. مفاتیح الجنان، دعای ندبه، این السبب المتصل بین الأرض و السماء.

۳. منتخب الأثر، ص ۵۰۱.

حجت خدا در عین این که آفریده‌ای از آفریدگان خداست، احوال و اوصافش الهی است و خدا و صفاتش با او شناخته می‌شود.

در تفکر شیعی، امام موعود، حجت خداست؛ یعنی، پایه موعود باوری، نه صرفاً برقراری رفاه و عدل و امن، بلکه ظهور حق در زمین در همه ابعاد معرفتی، عملی و حقوقی و جزایی است.

۵. امام انسان کامل و حامل مقام ولایت است. او قافله سالار معنویت، مسلط بر ضمائر و شاهد بر اعمال مردم است. امام با این ویژگی دارای ولایت تکوینی و سیطره بر جهان - به اذن الله - است. پیمودن راه عبودیت و بندگی جز با عنایت معنوی امام و تأثر از نورانیت او میسر نیست.

امام باقر (ع) به ابو خالد کابلی فرمود:

سوگند به خدا، ای اباخالد که نور امام در دل‌های مؤمنان، روشن‌تر از آفتاب درخشان در روز است.^۱

آن حضرت در روایتی فرمود:

بنی الاسلام، علی خمس: علی الصلاة و الزکاة و الصوم و الحج و الولاية و لم یناد بشيء کما نودی بالولاية؛^۲ اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز و زکات و روزه و حج و ولایت؛ و به چیزی با فضیلت‌تر از ولایت دعوت نشده است.

ولایت در این حدیث، تنها رهبری سیاسی و حکومتی امام نیست؛ بلکه فراتر از آن بوده، ولایت تشریحی و تکوینی امام را نیز در بر می‌گیرد.^۳

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۸.

۳. ر. ک. آفتاب ولایت، ص ۱۰۰.

منجی موعود، از این نگاه، فردی است که خلق خدا در سلوک معنوی و تقرب به خداوند، به عنایت او، به اشاره او، به دستگیری او و به الطافش نیازمندند.^۱

ویژگیهای شخصی امام زمان (عج)

نام

نام ایشان به اتفاق نظر شیعه و سنی «م ح م د» است.

امام سجاد از پیامبر (ص) نقل می‌کند:

اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا این که مردی از عترت من بیاید که همانم من است؛ زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن سان که از ظلم و ستم پر شده است.^۲

کنیه و القاب

کنیه آن حضرت ابوالقاسم^۳ و القاب ایشان، بنابر روایات، عبارتند از: مهدی، قائم، منتظر و حجت.^۴

البته القاب و اوصاف بسیاری در روایات و دعاها، از جمله، دعای ندبه برای حضرت بیان شده است و آنچه ذکر شد، القاب مشهور بود.

پدر و اجداد

روایات زیادی بیانگر آن است که امام عصر (عج) از اولاد پیامبر (ص) و علی (ع) و فاطمه (ع) و از تبار امام حسین (ع) است. از این رو سلسله نسب آن حضرت این‌گونه است:

۱. نیز ر. ک. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۹، در بیان ویژگی‌های امام توسط امام هشتم (ع) در مسجد جامع مرو.

۲. منتخب الأثر، ص ۱۵۹.

۳. همان، ص ۱۸۲.

۴. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۰.

حجة بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب.

مادر

مادر حضرت مهدی (عج) نرجس، دختر یشوعا (پسر قیصر روم) است که پسر بن سلیمان او را به دستور امام هادی (ع) از برده فروشی به نام عمر بن یزید برای حضرتش خرید؛ سپس امام او را به فرزندش بخشید. بدین ترتیب نرجس افتخار مادری حضرت مهدی (عج) را پیدا کرد. وی دارای اسامی دیگری از قبیل ریحانه، سوسن، و صیقل نیز بود.^۱

سال و محل تولد

بنابر قول مشهور محدثان و مورخان، حضرت مهدی (عج) در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در سامرا به دنیا آمد و پدرش غیر از او فرزند دیگری نداشت.^۲

ویژگی‌های جسمانی

در روایات، شمایل و خصوصیات جسمانی حضرت به شرح زیر آمده است:

چهره‌اش گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت و جذاب، شانه‌هایش پهن، دندانهایش براق و گشاده، بینی‌اش کشیده و زیبا، پیشانی‌ش بلند و تابنده، استخوان بندی‌ش استوار و صخره‌سان، دستان و انگشتانش درشت، گونه‌هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی - که از بیداری شب عارض شده -، برگونه راستش خالی مشکین، عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله گوش ریخته، اندامش متناسب و زیبا، هیئتش خوش منظر و دل ربا، رخساره‌اش در هاله‌ای از

۱. کمال الدین و تمام النعمة، شیخ صدوق، ج ۲ - ۱، ص ۴۳۲.

۲. ارشاد، شیخ مفید، ترجمه و شرح محمد باقر ساعدی خراسانی، باب ۲۵، ص ۶۷۲.

شرم بزرگوارانه و شکوه‌مند غرق، سیمایش از حشمت و شکوه رهبری سرشار، نگاهش دگرگون‌کننده.^۱

ویژگی‌های روحی

مهدی (عج) در برابر خداوند و جلال او، فروتن است؛ بسیار فروتن همچون عقاب به هنگامی که بال خویش فروگشاید و سر به زیر انداخته از اوج آسمان فرود آید. خدا و عظمت خدا، در وجود او متجلی است و همه هستی او را در خود فرو برده است. مهدی، عادل است و خجسته و پاکیزه. او ذره‌ای از حق را فرو نگذارد. خداوند دین اسلام را به دست او عزیز گرداند. مهدی، همواره بیم خداوند را به دل دارد و به مقام تقربتی که نزد خدا دارد مغرور نشود. او به دنیا دل نبندد و سنگی روی سنگ نگذارد.^۲

ویژگی‌های پیامبران در مهدی (عج)

انسان عصاره کاینات است. انبیا و اولیا، عصاره انسان و انسانیتند و مهدی (عج) عصاره انبیا و اولیا است. از این رو میان او و پیامبران - جز غیبت - شباهتهایی هست و پاره‌ای از ویژگی‌های پیامبران در مهدی (عج) متجلی است.

سعید بن جبیر گوید: از امام زین العابدین (ع) شنیدم که فرمود:

قائم، سنت (ویژگی) هفت پیامبر را دارد: سنتی از پدرمان آدم و سنتی از نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از ایوب و سنتی از محمد (ص)؛ اما، از آدم و نوح طول عمر؛ از ابراهیم، پنهان بودن ولادت و کناره‌گیری از مردم؛ از موسی ترس و غیبت؛ از عیسی اختلاف مردم درباره او؛ از ایوب گشایش بعد از گرفتاری؛ و از محمد (ص) خروج با شمشیر.^۳

۱. ر.ک. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، ص ۲۸.

۲. ر.ک. همان، ص ۳۰.

۳. ر.ک. منتخب الأثر، ص ۳۰۰.

پرسش

۱. امام صادق(ع) درباره ویژگیهای امام، چه فرموده‌اند؟
۲. خصوصیات شخصی امام زمان را توضیح دهید.
۳. امتیازهای روحی امام عصر(ع) چیست؟
۴. کدام ویژگی‌های پیامبران در حضرت مهدی(ع) است؟

درس پنجم: غیبت

غیبت منجی پس از وجود، از ویژگی‌های موعود اسلام است و منظور از آن، نهان بودن امام مهدی (عج) از چشم مردم است نه عدم حضور. حتی تولد حضرت، پنهانی رخ داد؛ زیرا جان آن حضرت از سوی نظام سلطه عباسی در خطر بود. آنان برای دستیابی به امام مهدی (عج) افرادی از جمله جعفر برادر امام حسن عسگری (ع) را گمارده بودند که خانواده ایشان را زیر نظر بگیرد. عباسیان، طبق روایات نبوی (ص)، می‌دانستند که دوازدهمین امام از اهل بیت پیامبر، نظامهای ظلم و ستم را سرنگون خواهد کرد و طومار عمر ستمگران به دست مهدی (عج) پیچیده خواهد شد. از این رو، همان گونه که فرعون در پی دستیابی به موسی (ع) نوزادان پسر را می‌کشت، حکومت عباسیان، برای کشتن امام دوازدهم از همه امکانات بهره جست. حتی، پس از رحلت امام حسن (ع) خانواده وی را حبس کرد^۱؛ و قابله‌ها از وضعیت کنیزانش جست و جو می‌کردند تا به مهدی موعود دست یابند.

مخفی کاری ولادت برای حفظ جان امام مهدی (عج) تا حدی است که وقتی عبدالله بن جعفر حمیری از محمد بن عثمان عمروی (یکی از سفیران چهارگانه) می‌پرسد: آیا تو صاحبم را دیده‌ای؟ عمروی پاسخ می‌دهد: آری.

می پرسد: اسمش چیست؟ او پاسخ می دهد: در مورد نامش جست و جو نکن و این راز را فاش ننما. مخالفان ما باور کرده اند که این نسل (با رحلت امام حسن (ع)) قطع گردیده و به پایان رسیده است.^۱

از این رو، أدله وجود امام مهدی (ع)، بیشتر، اعتقادی است تا تاریخی؛ زیرا دلایل تاریخی درباره موضوعاتی صلاحیت داوری دارند که کاملاً محسوس و در دید راویان و مورخان باشد مانند جنگ صفین و قیام خونین کربلا، در حالی که تولد امام مهدی (ع) حتی از جعفر برادر امام حسن (ع) پنهان نگه داشته می شود. بالطبع، انکار افرادی با این عنوان که ما چنین کودکی را در این خانه سراغ نداریم، کاملاً عادی خواهد بود. و این انکار هیچ گونه ارزش علمی و تاریخی ندارد و دلیل بر نبود ایشان نیست.

البته مسأله مهدویت علاوه بر أدله اعتقادی، دارای دلایل و شواهد تاریخی هم هست؛ زیرا امام حسن (ع) فرزندش را به شیعیان مورد اعتمادش نشان داد و در طول تاریخ افراد بسیاری به خدمتش شرفیاب شده اند و در این زمینه کتابها نگاشته شده است. در هر صورت، أدله تاریخی وجود مهدی (ع) مکمل دلایل اعتقادی هستند و اساس آن، روایات متواتر رسیده از پیامبر (ص) و اهل بیت می باشد؛ به گونه ای که ایمان به دین اسلام، از اعتقاد به مهدویت جدا نیست.

سنت غیبت

از سنتهای جاری خداوند در طول تاریخ، غیبت حجت خدا (اعم از پیامبر یا وصی) می باشد که پیش از امام مهدی (عج) بارها تکرار شده است.^۲ بنابر نقل

۱. همان، ص ۴۴۱.

۲. شیخ صدوق در سبب تألیف کتاب کمال الدین در مقدمه آن فرموده است:

در خواب، مولایم امام مهدی (عج) را در کنار کعبه دیدم که به من دستور فرمود، کتابی در غیبت پیامبران گذشته بنویسم و من این کتاب را به دستور حضرت نوشتم. سپس وی از ص ۱۲۷ - ۱۶۱، غیبت حجج الهی را ثبت کرده است.

شیخ صدوق، ادریس (ع) اولین پیامبری است که از دید قومش پنهان شد و بعد از سالها ظاهر گشت.^۱ نیز ولادت حضرت ابراهیم و موسی علیهما السلام پنهان بود؛ زیرا نمرود و پس از وی فرعون، برای از بین بردن آنان نوزادان پسر را می‌کشتند. طبیعی است در چنین شرایطی، برای حفظ جان آنها تولدشان مخفیانه صورت گیرد تا زمینه ظهورشان فراهم شده، دعوتشان را آشکار کنند. امام صادق (ع) به عبدالحمید می‌گوید:

ای عبدالحمید، همانا خداوند پیامبرانی آشکار و پیامبرانی پنهان دارد. پس وقتی خداوند را به حق پیامبران آشکار و شناخته شده‌اش سوگند داده و سؤال کردی، از او به حق پیامبران پنهانش نیز سؤال کن.^۲

گستره غیبت (صغری و کبری)

امام مهدی (عج) پیش از قیام، دارای دو غیبت است:

۱. غیبت صغری یا کوتاه مدت که از نظر زمانی و شعاعی محدود بود. از سال ۲۶۰ هـ. ق که امامتش شروع شد تا سال ۳۲۹ هـ. ق دوران غیبت صغری شمرده می‌شود. از نظر شعاعی نیز غیبت امام، همگانی نبود؛ بلکه، کسانی که نمایان خاص نامیده می‌شدند، با امام در تماس بودند، و نامه‌ها و پرسشهای مردم را نزد ایشان می‌بردند و پاسخ آن حضرت را به مردم می‌رساندند. گاهی هم، افرادی، به وسیله نایبان خاص به دیدار امام تشریف می‌یافتند.

ابزار ارتباطی شیعیان با امام مهدی (عج) در دوران غیبت صغری توقیع^۳ بود. توقیع‌های صادر شده که شیخ صدوق آنها را در کتاب کمال الدین

۱. ر. ک. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱ - ۲، ص ۱۲۷.

۲. همان، ص ۲۱.

۳. توقیع: آنچه سلطان یا رئیس بر سر نامه یا پشت آن در جواب نویسنده می‌آورد. در اینجا، مراد، نامه‌هایی است که امام عصر (عج) برای نایبان خاص صادر می‌فرمود.

جمع‌آوری^۱ کرده، شامل ابلاغ دستور العمل به سفرا و وکلاء، عزل وکلای خیانتکار، حل مشکلات خصوصی افراد، مسائل مالی مربوط به صدقات و اوقاف، نصب وکلا و سفرا، لعن بر مدعیان دروغین سفارت و پاسخ به سؤالهای فقهی است.

چهار نایب خاص امام عبارت بودند از: عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی و ابوالحسن علی بن محمد سمري. مدت سفارت سمري سه سال بود. سرانجام شش روز پیش از رحلتش نامه‌ای از امام (ع) دریافت کرد. متن نامه خطاب به سمري چنین بود:

به نام خداوند بخشنده مهربان، ای علی بن محمد، خدا پاداش برادرانت را در سوگ تو افزون سازد، تو شش روز دیگر از این جهان رخت بر خواهی بست، کارهایت را فراهم ساز و احدی را به جانشینی خویش وصیت نکن که غیبت تامه فرارسید و دیگر تاروزی که خدا بخواهد، ظهوری نخواهد بود...^۲

۲. غیبت کبری یا درازمدت که از سال ۳۲۹ ه. ق تاکنون ادامه دارد. غیبت صغری زمینه را برای شروع غیبت کبری امام (ع) آماده کرد و جامعه تشیع عادت نمود که مسائل خود را به وسیله نایبان امام، حل و فصل کند.

اکنون، دوران نیابت عامه است؛ یعنی هر کدام از عالمان دینی که ضوابط و صلاحیتهای خاصی را داشته باشند، به نیابت از امام مهدی (عج)، در امور دین و دنیا ولی مردم هستند که علاوه بر حجیت فتوا، مشروعیت امور اجتماعی و حکومتی به تصویب و تأیید ایشان بستگی دارد و ایشان به نیابت از امام (ع) و با توجه به معیارها و اصولی که از دین استنباط نمایند، تکلیف مدیریت جامعه را در دوران غیبت دارند.

۱. ر.ک. همان، باب ۴۵ فی ذکر التوقعات الواردة عن القائم (ع)، ص ۴۸۲ - ۵۲۲.

۲. ر.ک. همان، ص ۵۱۶.

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) نقل می‌کند:

برای صاحب این کار (صاحب قیام به شمشیر) دو غیبت خواهد بود، یکی از آن دو طولانی می‌گردد به گونه‌ای که بعضی می‌گویند، او از دنیا رفته است...^۱

راز غیبت

در تبیین فلسفه و راز غیبت به دو بیان اجمالی و تفصیلی اکتفا می‌شود:

۱. بیان اجمالی؛ عصاره این پاسخ، استفاده از برهان لَمْ، یعنی از علت به معلول رسیدن است. به این برهان در روایات نیز اشاره شده است. می‌دانیم که خداوند دارای حکمت است و هر موجودی، قدر وجودی‌اش را از حکمت خداوند دریافت کرده است. اگر در موردی، ابهامی داشته باشیم و به اسرار موضوعی - مثلاً شب قدر - پی نبریم، در تحلیلی خردمندانه می‌گوییم: ما از راز آن آگاهی نداریم؛ و همین اندازه می‌دانیم که کارهای خداوند روی حکمت بوده و حوادث جهان، حکیمانه روی می‌دهد. غیبت ولی عصر (عج) از جمله حوادثی است که مصالح و حکمت‌های اصلی آن برای خداوند معلوم است. آری، پس از ظهور، آن حکمت‌ها آشکار خواهد شد.

عبدالله بن فضل می‌گوید، امام صادق (ع) فرمود:

به ناچار صاحب این امر دارای غیبتی خواهد بود که تبه‌کاران در آن به شک و تردید می‌افتند. عرض کردم: فدایت شوم؛ چرا؟ فرمود: به خاطر امری که اجازه بیانش را (به طور تفصیل) نداریم. عرض کردم: حکمت غیبتش چیست؟ فرمود: (اجمالش این است که) راز غیبت مهدی (عج)

۱. کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، ص ۱۱۴، وی معاصر نواب اربعه و همیار کلینی در تدوین کتاب کافی است.

همان راز غیبت حجت‌های پیش از اوست و حکمت غیبت، بعد از ظهور آشکار می‌گردد، چنان که راز کارهایی که خضر(ع) انجام داد: کشتی را سوراخ کرد؛ پسر بچه‌ای را کشت؛ و دیواری را بنا کرد، بعد از جدایی او از موسی(ع) روشن گردید. ای پسر فضل! این امر(غیبت مهدی(ع))، از اسرار خداوند و از امور غیبی و الهی است. چون می‌دانیم خداوند حکیم است، باید کارهای او(از جمله در غیبت نگه داشتن ولی خودش) را تصدیق کنیم؛ همه دارای حکمت و راز است، گرچه برای ما آشکار نباشد.^۱

۲. بیان تفصیلی؛ بنابر آنچه در روایات اهل بیت(ع) رسیده، عبارت است از: حفظ جان امام عصر(عج).

خداوند حکیم جانشینانی برای پیامبرش برگزید تا وظایف ناتمام رسالت او را، بر روی زمین به اتمام برسانند؛ اما امیرمؤمنان(ع) از رهبری جامعه کنار نهاده شد و سرانجام به شهادت رسید. فرزندان معصوم ایشان یکی پس از دیگری از سوی انسانهای هواپرست، به انواع شکنجه، زندان، مسمومیت و قتل مبتلا شدند. پس از شهادت امام حسن عسگری(ع)، برای حضرت مهدی(عج) سه راه بیشتر وجود نداشت:

الف. حضور در میان مردم و صبر کردن تا هنگامی که شرایط قیام فراهم شود. در این فرض، کشته شدن حضرت مانند اجداد بزرگوارش بسیار محتمل بود.

ب. ظهور و قیام قبل از فراهم شدن شرایط و آمادگی‌های لازم. در این صورت، بی‌تردید، بدون دستیابی به نتیجه کشته می‌شد.

ج. پنهان شدن از نظرها، تا روزی که شرایط و زمینه‌های ظهور فراهم شود و آن حضرت بتواند بر ستمکاران چیره گردد. گفتنی است، سرخوردگی و ناامیدی

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱-۲، ص ۴۸۲.

مردم از نظامهای بشری، زمینه‌های فرهنگی را برای پذیرش عدل جهانی فراهم آورده، و از جمله شرایط ظهور است.

زراره می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود: برای قائم، قبل از قیامش غیبتی خواهد بود. عرض کردم: چرا؟ فرمود: زیرا می‌ترسد و اشاره به شکمش کرد. زراره می‌گوید: مقصود حضرت، کشته شدن بود.^۱

باید توجه داشت که شهادت آرزوی اولیای خداست، اما، حضرت مهدی (عج) جانشین ندارد و امام دیگری پس از وی نخواهد بود. بنابراین لازم است تا قبل از فراهم شدن شرایط ظهور و قیام، همچنان در پرده غیبت به سر برد. این غیبت، هر چند باعث محرومیت مردم از برکات وجود آن حضرت می‌شود، علاوه بر حفظ جان او، فایده دیگری بنابر روایات، آزمایش مسلمانان است؛ زیرا گردن نهادن به اطاعت یک حجت ظاهر و آشکار، ممکن است از روی ترس یا طمع باشد، اما ایمان به اطاعت از حجت غایب از این عیب‌ها به دور است.^۲

در دوران غیبت، باطن افراد آشکار می‌شود و مشخص می‌گردد که چه کسانی بر ایمان به وعده‌های پیامبر و گزارش‌های غیبی او مبنی بر وجود مهدی (ع) و ظهور او پس از غیبت طولانی، استوار می‌مانند. آزمایش، یکی از اهداف آفرینش انسان است؛^۳ و از روایات استفاده می‌شود که آزمایش بندگان به غیبت مهدی (ع) از شدیدترین امتحانهای الهی است.

علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (ع) نقل کرده که فرمود:

وقتی به پنجمین فرزند هفتمین امامان دسترسی نداشتید، از خدا بترسید، از خدا بترسید در دینتان، مبادا کسی شما را از آن جدا کند. ای فرزندانم، به ناچار صاحب این امر غیبتی خواهد داشت تا این که معتقدان به او از وی

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. ر.ک. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱-۲، ص ۱۱.

۳. ر.ک. ملک: آیه ۲.

برگردند. همانا این، امتحانی از خداوند است که خلقتش را به آن آزمایش می‌کند.^۱

یمان خرمافروش نقل می‌کند: تعدادی نزد امام صادق (ع) نشسته بودیم که حضرت فرمود:

برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود که هر کس در آن دوران به دینش چنگ زند، مانند کسی است که دست بر شاخه درخت خاردار از بالا به پایین می‌کشد، تا شاخ و برگش را قطع نماید...^۲

نتیجه اینکه، حفظ جان حضرت، قبل از فراهم شدن شرایط ظهور، اصلی‌ترین عامل غیبت است و فایده دیگرش، آزمایش مسلمانان به وجود حجت غایب است.

پرسش

۱. أدله وجود امام مهدی (عج) بیشتر اعتقادی است تا تاریخی، چرا؟
۲. سنت غیبت چیست؟
۳. منظور از غیبت صغری چیست و وسیله ارتباطی شیعیان با امام عصر (عج) در این دوره چه بود؟
۴. غیبت کبری چیست و در این دوره وظیفه شیعیان چه می‌باشد؟
۵. راز اجمالی و تفصیلی غیبت را بیان کنید.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۳۳۵.

درس ششم:

انتظار فرج

انتظار فرج یا چشم به راه وضعیت مطلوب بودن، ترکیبی از دو حالت در شخص است: ناخشنودی از وضع موجود؛ تلاش برای دستیابی به وضع بهتر. به بیان دیگر، انتظار فرج، ترکیبی از نفی و اثبات است؛ نفی ارزشهای واهی و تحقیر شوکتهای پوچ؛ و امید به نوید، ایمان به مقاومت و صلابت در مسیر امامت. اگر این دو جنبه در روح انسان به شکل ریشه دار رسوخ کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد.

انتظار فرج، از یک اصل کلی قرآنی استنتاج می‌شود و آن «حرمت یأس از روح الله»^۱ است. مردمی که به عنایات الهی ایمان دارند، در هیچ شرایطی تسلیم یأس و ناامیدی نمی‌گردند.

مهم‌ترین عوامل و مؤلفه‌هایی که انتظار و بی‌قراری را در انسان ایجاد و یا تقویت می‌کنند عبارتند از: ایمان به: خداوند، رسالت پیامبر اسلام، امامت، به عنوان تداوم خط رسالت، مهدی موعود(عج) به عنوان خاتم الاوصیاء و امام غایب؛ عشق به عدالت و تقوا؛ عشق به رهایی از غیر خدا و پیوستن به خدا؛ محبت خالصانه به پاکی و پاکان؛ نفرت از پلیدی و پلیدان. اینها همه

۱. إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ همانا از رحمت خدا، جز گروه کافران ناامید نمی‌شوند. (یوسف: آیه ۸۷)

پیش‌فرضهای انتظار فرج است و انتظار فرج بدون آنها بی‌معناست انتظار فرج، لوازم دیگری نیز، دارد، از جمله:

حرکت، پویایی، اقدام، زمینه‌سازی و ایجاد آمادگی. و در یک کلمه، عمل به وظیفه و تکلیف در حوزه فردی و اجتماعی.

انواع انتظار

اندیشمندان حوزه مهدویت، انتظار را به دو نوع اساسی تقسیم کرده‌اند: مثبت و منفی؛ یا سازنده و مخرب. انتظار منفی یا مخرب، یعنی: خودداری از انجام هر حرکت اصلاحی، با این بینش که اصلاحات اجتماعی کمک به تأخیر ظهور است. طبق این دیدگاه، انتظار، دست روی دست گذاشتن و رها کردن جامعه به حال خود، بلکه تلاش برای گسترش فساد است؛ تا دنیا پر از ظلم و فساد شود و زمینه ظهور فراهم گردد. پیامدهای این بینش عبارتند از: قانع بودن به وضع موجود و بی‌اشتیاقی به پیدایش شرایط مطلوب، چیرگی بیگانگان و تن دادن به زبونی اسارت بیگانه، ناامیدی و پذیرش شکست در حوزه فردی و اجتماعی، وادادگی و بی‌مسئولیتی. تعطیلی بسیاری از احکام و قوانین اسلام، از جمله: امر به معروف و نهی از منکر، دفاع از محرومان، قیام به قسط و عدالت، جانبداری از حق و موضع‌گیری در برابر باطل و... از پیامدهای انتظار مخرب است.

از این رو باید دانست که انتظار مقبول و سازگار با فرهنگ دینی، همان انتظار مثبت و سازنده است که لازمه‌اش ظلم‌ستیزی به قدر توان، زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت صالح، حراست از کیان دین، گرایش به نیکی و آن‌گاه انتظار ظهور مصلح است.

اگر کسی از انتظار به معنای منفی آن، جانبداری کند، در واقع از منسوخ شدن احکام اسلام در عصر غیبت دفاع کرده و ضرورت اجرای احکام اسلام را انکار نموده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزّو جلّ؛^۱ برترین اعمال امت

انتظار فرج (حضرت مهدی (ع)) از سوی خداوند بزرگ است.

این حدیث بیانگر آن است که انتظار فرج از سنخ عمل است؛ نه دست روی

دست گذاشتن و سکوت. امام رضا (ع) فرمود:

وه! چه نیکوست صبر و انتظار فرج! آیا گفتار خداوند را نشنیدی که

فرمود: منتظر باشید که من نیز همراه شما از منتظرانم. پس صبر و شکیبایی

را پیشه خود سازید که فرج، بعد از یأس و ناامیدی پیش خواهد آمد...^۲

ظهور مهدی موعود (عج) حلقه‌ای از مبارزه حق و باطل است که به پیروزی

نهایی اهل حق منتهی می‌شود. انتظار یعنی این که فرد، در عمل، اهل حق

باشد.

فلسفه انتظار

وقتی توجه کنیم که گذشته و حال و آینده از هم جدا نیستند و حوادث گذشته،

زمینه ساز وقایع حال و رویدادهای حال، زمینه ساز پیشامدهای آینده هستند،

در می‌یابیم که انتظار آینده درخشان، بر زندگی امروز و موضع‌گیری‌های ما در

برابر حوادث، تأثیر می‌گذارد.

عشق به تکامل، شعله جاودانی است که سراسر وجود آدمی را در بر گرفته

است. انسان می‌خواهد بیشتر بداند، بیشترین زیباییها را ببیند و کسب کند؛ و از

نیکیها بیشترین بهره را ببرد. تمایل انسان به پیشرفت و تکامل، دانایی و

زیبایی، نیکی و عدالت، علاقه‌ای است اصیل، همیشگی و جاودانی. انتظار ظهور

مصلح بزرگ جهانی، آخرین نقطه اوج این علاقه است. چگونه ممکن است عشق

۱. منتخب الاثر، ص ۴۹۶.

۲. همان.

به تکامل همه جانبه، در عمق جان انسان باشد و او در انتظار آن مصلح بزرگ، لحظه شماری نکند؟ مگر تکامل جامعه انسانی بدون آن امکان پذیر است؟ همان گونه که هر عضوی از بدن نقشی در زندگی انسان دارد، خصایص روحی نیز هر یک جایگاه مؤثری در پیشرفت هدفهای اصیل او دارند. به عنوان مثال، ترس از عوامل خطرناک که در هر انسانی وجود دارد، سپری است برای حفظ او در برابر خطر؛ خشم عاملی است برای افزایش قدرت دفاعی و بسیج نیروها، برای نجات منافعش از زوال و نابودی؛ عشق به صلح و عدالت نیز وسیله‌ای است برای رسیدن به هدفهای اصیل؛ و به منزله موتور نیرومندی است که چرخهای وجود انسان را در این راه به حرکت دائم وامی‌دارد و او را برای رسیدن به جهانی آکنده از صلح و عدالت کمک می‌کند.

از سوی دیگر، احساسات و دستگاه‌هایی که در جسم و جان انسان وجود دارد، نمی‌تواند هماهنگ با مجموعه عالم هستی نباشد؛ زیرا جهان هستی یک واحد به هم پیوسته است و وجود انسان نمی‌تواند از بقیه جهان جدا باشد.

از این هماهنگی در می‌یابیم که هر عشق و علاقه اصیلی که در وجود ما هست، معشوق آن نیز در جهان وجود دارد؛ و این عشق وسیله‌ای است که ما را به آن نزدیک می‌سازد. اگر میل به آب داریم، آبی وجود دارد که دستگاه آفرینش تشنگی آن را در وجود ما قرار داده است. اگر عشق به زیبایی و دانایی داریم، زیبایی‌ها و دانستنی‌هایی در جهان هستی وجود دارند. اگر انسانها انتظار مصلح بزرگی را می‌کشند که جهان را پر از صلح و عدالت می‌کند، دلیل بر آن است که چنان نقطه اوجی در تکامل جامعه انسانی، امکان پذیر و عملی است.

عمومیت اعتقاد به ظهور مصلح جهانی، در همه مذاهب نیز، نشانه دیگری بر اصالت و واقعیت آن است؛ زیرا چیزی که زاییده شرایط خاص و محدودی است، نمی‌تواند چنین فراگیر باشد. تنها مسائل فطری هستند که از چنین عمومیتی برخوردارند و اینها، همه، نشان می‌دهد که از زبان عواطف و سرشت،

این نغمه، در جان آدمی سر داده شده که سرانجام مصلحی بزرگ، جهان را زیر پرچم صلح و عدالت قرار خواهد داد.

آنان که در انتظار چنین مصلحی نیستند و به لذت‌های زودگذر مادی راضی شده‌اند، از فطرت اصیل خود فاصله گرفته و دچار انحراف شده‌اند. سفارش‌های اسلام به انتظار فرج، توصیه به یک امر فطری در انسانهایی است که مسخ نشده‌اند و گرایش‌های اصیل انسانی در وجودشان همچنان بیدار و فعال است. آنجا که نبی اکرم (ص) انتظار فرج را برترین عمل می‌شمرد، نشان از این دارد که انتظار چنان انقلابی، توأم با جهاد وسیع دامنه داری است که ابعاد عقیدتی و عملی آن، سراسر زندگی فرد منتظر را تحت الشعاع قرار می‌دهد. چنین است که منتظران واقعی امام مهدی (عج)، در واقع زمینه سازان ظهورش می‌شوند.

نقش سازنده انتظار در زندگی فردی و اجتماعی

انتظار فرج، با نقش تربیتی و سازنده‌ای که دارد، از همه عبادت‌های فردی و اجتماعی برتر خواهد بود؛ زیرا انتظار مصلح جهانی به معنای آمادگی کامل برای اصلاح همه جهان است. چنین تحولی، قبل از هر چیز نیازمند انسان‌های آماده و ارزشمندی است که بتوانند بار سنگین اصلاحات وسیع را در جهان به دوش بکشند. این، در درجه اول محتاج بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و توان روحی و فکری برای همکاری در اجرای آن برنامه عظیم است. خودسازی، برای چنین هدفی، مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی و فکری و اجتماعی است.

منتظران راستین، وظیفه دارند نه تنها از خویش وارهند، بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا آنچه انتظارش را می‌کشند، یک مسئله فردی نیست، برنامه‌ای است که تمام عناصر تحول باید در آن شرکت جوید، باید کار، جمعی و همگانی باشد و کوششها و

تلاشها هماهنگ گردد. در میدان مبارزه دست جمعی، هیچ کس نمی تواند از حال دیگران غافل بماند؛ بلکه موظف است هر جا نقطه ضعفی دید اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید، زیرا بدون حضور فعال و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه‌ای امکان پذیر نیست.

در روایات، فضیلتها و افتخاراتی برای منتظران راستین بر شمرده شده که به برخی اشاره می کنیم:

از امام صادق (ع) پرسیدند: درباره کسی که انتظار ظهور حکومت حق را می کشد و در این حال از دنیا می رود، چه می گوئید؟ امام فرمود: او همانند کسی است که در خیمه قائم (عج) با او باشد. سپس اندکی سکوت کرد و فرمود: بلکه مانند کسی است که همراه پیامبر (ص) بوده است.

این مضمون با تعبیر دیگری نیز نقل شده است:

- مثل کسی است که در محضر پیامبر (ص) شهید شده است.

- به منزله کسی است که در رکاب پیامبر (ص) جهاد کند.

همانند کسی است که خورش در راه خدا ریخته باشد.^۱

پرسش

۱. عوامل و مؤلفه هایی که انتظار را در انسان ایجاد و یا تقویت می کنند،

کدامند؟

۲. انواع انتظار را توضیح دهید.

۳. پیامدهای انتظار منفی چیست؟

۴. فلسفه انتظار فرج چیست؟

۵. نقش سازنده انتظار را توضیح دهید.

درس هفتم:

ویژگیها و وظایف منتظران

پیش از این دانستیم که انتظار فرج برترین عمل است و منتظران، پاداش هم‌زمان پیامبر(ص) را دارند. اکنون با برخی ویژگیهای لازم در منتظران و وظایف آنان در عصر غیبت آشنا می‌شویم:

ضرورت دعا برای تعجیل فرج

دعا از عبادت‌های الهی است و خداوند به دعاکننده وعده اجابت^۱ داده است.

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ؛ (بقره: ۱۸۶)

و زمانی که بندگانم از تو درباره من سؤال کنند پس همانا من (به آنان)

نزدیکم، اجابت می‌کنم دعای دعاکننده را وقتی که مرا بخواند.

البته دعا با شرایطی به اجابت می‌رسد از جمله:

۱. دعاقلقه‌زبان نبوده، و همانند حالت اضطرار، درخواست حقیقی از خداوند باشد.

۲. از ارتکاب گناهان کبیره که مانع اجابت دعا هستند، خودداری شود. در

دعای کمیل می‌خوانیم: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدَّعَاءَ؛ پروردگارا،

بر من ببخش گناهانی را که دعا را حبس می‌کند.

۱. مصادیقی از اجابت دعا در قرآن ذکر گردیده است. ر. ک. هود: آیه ۷۳، مریم: آیه ۵، آل عمران:

۳. از آنجا که دعا کردن، برای رسیدن به سود یا دفع زیانی است، در واقع دعا کننده دعایش را مشروط به مصلحت کرده است. پس اگر خداوند مهربان دعا کننده را در خطا ببیند، با لطف خود، او را اجابت نمی‌کند؛ و شاید برایش جایگزین قرار دهد که هم دعا را اجابت کرده و هم خطای او را اصلاح نموده باشد.

۴. گاهی برای رسیدن به مطلوب، همه اسباب فراهم است اما شخص می‌خواهد، بی‌استفاده از آنها و بدون زحمت، از راه دعا منظورش فراهم شود؛ چنین دعایی مستجاب نخواهد شد.^۱

نتیجه این که، باید زمینه برای اجابت دعا فراهم بوده، مانعی از استجاب آن نباشد و نیز خواسته، تراحمی با مصالح دیگر نداشته باشد.

اکنون در دوران غیبت و انتظار، منتظرانی که از فراق حضرت، اندوهناک اند دو ویژگی دارند:

۱. برای ثبات ایمان و عدم تزلزل به خاطر طول غیبت، دعا می‌کنند.
 زراره به امام صادق (ع) عرض می‌کند: فدایت شوم، اگر زمان غیبت را درک نمودم، چه کنم؟ حضرت فرمود: ای زراره، اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان:

اللهم عرّفني نفسك فانك إن لم تعرّفني نفسك، لم أعرف نبيك. اللهم
 عرّفني رسولك فانك إن لم تعرّفني رسولك لم أعرف حجّتك. اللهم
 عرّفني حجّتك فانك إن لم تعرّفني حجّتك ضللت عن ديني؛^۲ خداوند!
 خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من شناسانی، پیامبرت را
 نخواهم شناخت. پروردگارا! فرستاده ات را به من بشناسان؛ چون اگر او را
 به من معرفی نکنی، حجت تو را نخواهم شناخت. بار الها! حجت (امام

۱. ر.ک. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۰، باب من لا تستجاب دعوته.

۲. منتخب الأثر، ص ۵۰۱.

وقت) خود را به من معرفی کن؛ چرا که اگر او را به من شناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

۲. برای تعجیل فرج و سلامتی امام عصر (عج) ^۱ دعا می‌کنند. چنان که ضمن توقیعی که از ناحیه مقدسه صادر شده، آمده است:

و أكثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجكم ^۲

برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید، همانا همان فرج شماست.

نیز، محمد بن عیسی از ائمه (ع) روایت کرده که فرموده‌اند: در شب بیست و سوم ماه رمضان و در هر زمان دیگر، یادتان نرود که پس از حمد و ثنای الهی و صلوات، بگویید:

اللهم كن لوليک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی ابائه فی هذه الساعة و فی کلّ ساعة، ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصرأ و دليلاً و عيناً حتى تسكنه أرضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً؛ ^۳ بارالها! در این هنگام و برای همیشه، ولی امرت، حجة بن الحسن را - که درودهایت بر او و پدران‌ش باد - سرپرست و نگهدار و رهبر و یاور و رهنما و نگهبان باش تا گیتی را به فرمان او در آوری و تا دیر زمان، بهره‌مندش گردانی.

توسل و اتکا به امام عصر (عج)

امامان، همه مقرب خدایند و توسل به هر کدام، می‌تواند گره مشکلات معنوی و مادی انسان را باز کند. حجت خدا و امام حاضر و ناظر، در عصر غیبت، وجود نورانی امام مهدی (عج) است و فیوضات الهی از طریق او به موجودات می‌رسد؛ وجود وی به عنوان ولی الله دارای چنین مرکزیتی در عالم هستی است. جریان

۱. همان، ص ۵۰۳.

۲. الاحتجاج، ابی منصور احمد بن علی الطبرسی، ج ۲، ص ۲۸۴.

۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۲۲۹، اعمال شب بیست و سوم رمضان.

شب قدر و نزول فرشتگان بر امام و تقدیر امور، در جهت همین تأثیر تکوینی امام بر جهان خلقت است. بنابر مضمون سوره قدر، شب قدر هر سال وجود دارد؛ پس صاحب شب قدر نیز باید همیشه وجود داشته باشد؛ چراکه تداوم تقدیر در امر آفرینش، سنت تغییرناپذیر الهی است و مستلزم تداوم مجری تقدیر، یعنی وجود مقدس امام مهدی (عج) است.^۱

از القابی که در زیارت‌ها برای آن حضرت ذکر شده، «غوث»^۲ یعنی فریادرس است. این لقب برای آن به حضرت داده شده که به احوال درماندگان، علم و احاطه دارد. آن حضرت در توقیعی که برای شیخ مفید صادر کرده، می‌فرماید:

ما از تمام حوادثی که برایتان اتفاق می‌افتد، آگاهیم و هیچ خبری از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. ما هرگز از سرپرستی و رسیدگی به امورتان کوتاهی نکرده و یادتان را از خاطر نبرده‌ایم و اگر جز این بود، دردها و دشواری‌ها از هر سو بر شما فرود می‌آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند. پس از خداوند پروا داشته باشید و ما را پشتیبانی کنید.^۳

البته نباید فقط در هنگام اضطرار، متوجه و متوسل به آن حضرت شویم، بلکه باید دائم به فکر او باشیم. چه انسانهایی که با سوز و گداز به ساحت مقدس آن امام همام، متوسل گردیده، از الطاف و جودش بهره‌مند شده‌اند،^۴ و این، از دلایل تجربی وجود حضرت مهدی (عج) در پشت پرده غیبت و سودمندی‌اش برای مردم است؛ چنانچه موجودات از خورشیدی که در پس ابرها نهان گشته، بهره‌مند می‌گردند.

۱. ر.ک. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۳.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۵۲۳، زیارت آل پس.

۳. احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۴. ر.ک. نجم الثاقب، ص ۲۴۱، باب هفتم.

یاری امام عصر (عج)

امام زمان برای نشر عدل در گیتی و احیای دین پیامبر (ص) ذخیره شده است. ما می‌توانیم با کسب شایستگی‌های خاص، جزو یاوران ایشان در این هدف بزرگ باشیم، چنان که در دعای «عهد» می‌خوانیم: اللهم اجعلني من انصاره و أعرانه؛^۱ بارالها! مرا از یاران و کمک‌کنندگان قرار ده.

یاری امام عصر می‌تواند به چند قسم باشد:

۱. یاری قلبی: کمترین مرتبه یاری آن حضرت، این است که اعتقاد قلبی به امامت و تسلیم قلبی به ولایتش داشته باشیم؛ زیرا اعتقاد به امامت ایشان، از ارکان اعتقادی دین اسلام است که مرگ بدون آن، از نوع مرگ ضلالت و جاهلیت است. باید بکوشیم که به غفلت از امام زمان - که در جامعه امروز ما عمومیت یافته - گرفتار نشویم.

۲. یاری زبانی: باید بدون هراس از سرزنش تبہکاران و بی‌دینان، در نشر فرهنگ مهدویت بکوشیم. بهترین یاری زبانی این است که به سراغ ایتم آل محمد (ع) برویم و عقیده شیعیان و جوانانی را که از مشاهده امامشان محرومند، با ذکر دلایل تقویت کنیم تا در مسیر امامت و ولایت استوار بمانند و طعمه شیادان نشوند.

۳. یاری عملی: با تهذیب نفس در حیطة فردی و یاری عالمان دینی در حیطة اجتماعی، به تحقق آرمانهای امام عصر (عج) کمک کنیم. امام صادق (ع) فرمود:

کسی که دوست دارد از یاران قائم (عج) باشد، پس منتظر بماند و به پرهیزکاری و روشهای نیک خوبگیرد. اگر او بمیرد و بعد از او قائم (عج) قیام کند، برای او پاداش کسی خواهد بود که آن حضرت را درک کرده

۱. مفاتیح الجنان، ص ۵۴۰. دعای عهد.

باشد. بنابراین (در عمل به دین)، جدیت و تلاش کنید؛ و ای گروهی که
مورد عنایت و رحمت خدا هستید (پاداش الهی) گوارایتان باد!^۱
در فرازی از دعای ندبه می خوانیم:
(بار خدایا) ما را بر ادای حقوق او، سعی و کوشش در پیروی او و دوری از
عصیان و سرکشی^۲ او، یاری فرما.

آمادگی برای عصر ظهور

دو جریان تعلیمی مهم، در فرهنگ تشیع وجود دارد که باید همیشه الهام بخش
باشد و آنها عبارتند از دعا و زیارت. در برنامه ریزی تعلیماتی ائمه طاهرین، از
این دو جریان، برای رساندن شناختها و تعالیم به مردم، استفاده شده است.
آنان خواسته‌اند که پیروانشان، هنگام خواندن دعاها و زیارت نامه‌ها، به معارف و
دستورهای نهفته در آن، توجه کنند و در حالات صفای روحی، آن تعالیم ناب را
با جان خود در آمیزند و خود را طبق محتوای آنها بسازند.
در زیارت آل یس می خوانیم:

و نصرتی معدة لكم؛^۳ (ای پیشوایان دین) من همیشه آماده یاری شما هستم.
آیا این آمادگی، به صرف گفتن محقق می‌شود؟ آیا آمادگی برای یاری
امام (ع) در عصر ظهور به تمرین نیاز ندارد؟ آن هم مهیا بودن برای شرکت در
یک قیام فراگیر و بزرگ!

نقش علما در عصر غیبت

علم و دانش توأم با پارسایی، برنده‌ترین و نافذترین سلاح عالمان دینی است.
آنان، در عصر غیبت، نقش امام را در شعاعی محدود ایفا می‌کنند و از مرزهای

۱. منتخب الأثر، ص ۴۹۷-۴۹۸.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۵۳۸.

۳. همان، ص ۵۲۴.

عقیدتی و فرهنگی پاسداری می‌نمایند، با قرائتهای نو و بدعت‌آمیز از دین - که در واقع مسخ فرهنگ دینی است - مبارزه می‌کنند و....

امام هادی (ع) درباره نقش و جایگاه دانشمندان متعهد دینی در عصر غیبت فرمود: اگر نبودند عالمانی که پس از غیبت قائم شما، مردم را به سوی حضرت، دعوت و راهنمایی نمایند و با برهانهای الهی از دین او دفاع کنند و بندگان ضعیف خدا را از دام ابلیس و سرکشان و غاصبان برهانند، هیچ کس باقی نمی‌ماند، مگر آنکه از دین خدا خارج می‌شد. لکن این عالمان همان گونه که ناخدای کشتی، سکان کشتی را به دست می‌گیرد، زمام دلهای شیعیان ضعیف ما را به دست می‌گیرند. همانا ایشان برترین افراد نزد خداوند عزوجل هستند.^۱

اثبات این مطالب در روزگار ما نیاز به دلیل ندارد؛ ملت ایران جایگاه عالم دینی، امام خمینی (ره)، را در دفع نقشه شوم دشمنان دین از نزدیک لمس کرده‌اند و عزت اسلام و تشیع را در پرتو برکت انقلاب اسلامی، مشاهده می‌کنند.

دین‌داری در عصر غیبت

در مذهب تشیع هیچ تکلیف فردی و اجتماعی، در دوران غیبت به بهانه انتظار ساقط نمی‌شود؛ باید دین‌دار زندگی کرد و با دین مرد. آری، چنین کاری دشوار است و عوامل منحرف‌کننده، متنوع و جذاب شده‌اند. بهترین شیوه برای دستیابی به امنیت اعتقادی و دینی، پس از پالایش معرفتی و همراهی با عالمان متعهد، سپردن خود به «ولّی الله» دوران است که در پناه او در آمدن، پناه جستن در سایه عنایت و حمایت خداوند است.

مفضل از امام صادق (ع) نقل کرده که فرمود:

نزدیک‌ترین حالت این گروه (شیعه) به خداوند و پسندیده‌ترین وضعیت از آنان، وقتی است که حجت خدا را از دست بدهند. پس او از آنان در حجاب می‌رود و بر ایشان آشکار نمی‌گردد و آنان از مکانش بی‌اطلاعند؛ در عین حال آنها می‌دانند و یقین دارند که حجت خداوند باطل نشده و عهد خداوند (امامت) از بین نرفته. در این هنگام، صبح و شب منتظر فرج باشید...^۱

با توجه به این روایت، کسانی که ایمان و یقین خود را در عصر غیبت حفظ کنند و در انتظار ظهور امام عصر (عج) به سر برند، مورد عنایت خاص الهی قرار می‌گیرند.

پرسش

۱. شرایط اجابت دعا چیست؟
۲. منتظران حضرت چه ویژگی‌هایی دارند؟
۳. وجود «شب قدر» بر چه حقیقتی دلالت دارند؟
۴. یاری رساندن به امام عصر (عج) چند نوع است؟
۵. دو جریان تعلیمی در فرهنگ تشیع کدامند؟
۶. بهترین شیوه دیندار ماندن چیست؟

درس هشتم:

انقلاب اسلامی ثمره انتظار و زمینه ساز ظهور

شیعه، بنابر عقیده‌ای که به وجود امام زنده و غایب دارد، همواره در انتظار ظهور آن سفر کرده، رنجهای بسیاری تحمل کرده و با نعمت روشنگری اهل بیت پیامبر، از گرایش به مدعیان دروغین مهدویت پرهیز نموده است و پروانه وار گرد شمع وجود نایبان عام، دوران انتظار را آکنده از غم فراق امام زمان (ع) سپری کرده، و می‌کند. اما اراده خداوند بر این تعلق گرفته که تلاشهای مجاهدان فی سبیل الله و منتظران مخلص را به ثمر برساند و تشیع را که در طول تاریخ، همواره با ظلم و ستم طاغوتیان در ستیز و خواستار حکومت عدل علوی بوده، بی پاسخ نگذارد. آری! حکومت اسلامی با عنایات خداوند، به رهبری فردی از تبار اهل بیت، در شعاعی محدود، عینیت پیدا کرد، تا بشارت برقراری حکومت جهانی امام عصر (ع) و زمینه رویش صالحان و مجاهدان باشد.

در این فراز، متن کلام استاد شهید مطهری را که مربوط به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است، یادآور می‌شویم. ایشان می‌فرماید:

در روایات اسلامی سخن از گروهی زبده است که به محض ظهور امام به آن حضرت ملحق می‌شوند. بدیهی است که این گروه، ابتدا به ساکن خلق نمی‌شوند و به قول معروف از پای بوته هیزم سبز نمی‌شوند. معلوم می‌شود در عین اشاعه و رواج ظلم و فساد، زمینه‌هایی عالی وجود دارد که چنین

گروه زبده را پرورش می‌دهد... در برخی روایات اسلامی، سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی (عج) ادامه پیدا می‌کند.^۱

دلایل ضرورت تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت

ضرورت وجود حکومت، برای جلوگیری از هرج و مرج و اجرای قانون و حفظ مصالح اجتماعی، از بدیهیات عقلایی است؛ و اسلام به عنوان دینی جامع، نمی‌تواند در این باره سکوت کند و اصول و شرایط آن را بیان ننماید. علاوه بر این، برخی دلایل تلاش برای اقامه حکومت دینی را بر امت اسلامی واجب می‌سازد و آنها عبارتند از:
 ۱. اجرای بعضی احکام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که فقط از طریق سازمان حکومت، امکان پذیر است؛ از جمله:

□ احکام جنگ و جهاد؛ قرآن کریم فرموده: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ، (انفال: ۳۹) و با آنان پیکار کنید تا فتنه برچیده شود؛ و دین و پرستش، همه مخصوص خدا باشد.»

□ احکام گسترده قضا و شهادت، امر به معروف و نهی از منکر، معاملات، نکاح و طلاق، ارث، حدود، دیات و... .

□ لزوم تحکیم روابط اجتماعی و سیاسی در سطح جهان اسلام و در میان مسلمانان از طریق تأسیس نظام امامت و حکومت. قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا، (آل عمران: ۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.»

امام علی (ع) فرمود: «خدا ایمان را برای پاک سازی دل از شرک...؛ و امامت را برای سازمان یافتن امور امت؛ و فرمان برداری از امام را برای بزرگداشت مقام رهبری واجب کرد.»^۲

۱. قیام و انقلاب مهدی (عج)، مرتضی مطهری، ص ۶۷-۶۸.

۲. نهج البلاغه، ص ۶۸۳.

۲. فقهای اسلام، پاره‌ای از امور اجتماعی را «امور حسبیه» می‌نامند؛ اموری که شارع اسلام رسیدگی به آنها را از مسلمانان می‌خواهد و به هیچ وجه به ترک آنها راضی نیست؛ مانند اموال ایتام، وقفی، مجهول‌المالک. در این صورت چگونه امکان دارد که شارع اسلام راضی باشد جامعه اسلامی تا زمان ظهور ولی عصر (عج)، بدون حکومت دینی به سربرد؟

آیا اهمیت مصالح اجتماعی و عمومی مسلمانان، کمتر از اهمیت اموال ایتام و مانند آن است؟

امام خمینی (ره) در این باره فرمود:

احکام اسلامی - اعم از آنچه مربوط به مسائل مالی یا سیاسی یا حقوقی و غیره است - نسخ نشده و تا قیامت، برقرار و استوار است و اجرای این احکام بدون تأسیس حکومت امکان‌پذیر نیست.

برقراری امنیت و حفظ نظام اجتماعی، از واجبات مؤکد اسلامی است؛ همچنان که اختلال و ناامنی در جامعه اسلامی، مبعوض و ناپسند شارع مقدس است. بدیهی است تحقق بخشیدن به این امر نیز بدون حکومت امکان‌پذیر نیست.

حفظ مرزهای مسلمانان، از تجاوز و تهاجم متجاوزان، عقلاً و شرعاً واجب است و این امر از نیازهای ضروری جامعه اسلامی است. نیل به این هدف و عملی ساختن آن، بدون داشتن قدرت و اهرم حکومت امکان ندارد.^۱

وظایف و اختیارات حاکم در دوره غیبت

نظام حکومت اسلامی باید طبق قوانین اسلام و برپایه مصالح و منافع جامعه اداره شود. پیشوای مسلمانان موظف است تمام توان خود را به کار برد تا به

۱. کتاب البیع، امام خمینی، ج ۲، ص ۴۶۱.

وظایف سنگینی که با قبول حکومت بر عهده او گذاشته می‌شود، به بهترین شیوه عمل کند. مهم‌ترین وظایف رئیس حکومت اسلامی عبارتند از:

۱. پاسداری از استقلال، جلوگیری از سلطه سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی بیگانه و حراست از تمامیت ارضی جامعه اسلامی.

خداوند متعال فرمود: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است.»

۲. تأمین صلح و امنیت اجتماعی.

۳. داشتن روابط حسنه با پیروان سایر ادیان و ملل جهان، همراه با رعایت نیکی، عدالت و احترام به حقوق متقابل تا وقتی که آنان به جنگ مسلمانان برخاسته‌اند و یا آنان را از سرزمینشان بیرون نکرده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید:

لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ، (ممتحنه: ۸)

خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در امر دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند.

۴. امر به معروف و نهی از منکر، به معنای عام آن؛ یعنی تلاش برای گسترش فکری و عملی هر نوع معروف و نفی همه گونه منکر و فساد.^۱

۵. قضاوت به عدل و اقامه حدود الهی و انتخاب و نصب قضات شایسته.

امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر فرمود:

... سپس از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛

کسانی که مراجعه فراوان، آنها را به ستوه نیاورد و بر خورد مخالفان با

یکدیگر، او را خصمناک نسازد، بر اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد...^۱

۶. برگرداندن اموال غصب شده از بیت‌المال به خزانه و ادای حقوق مردم بدون تبعیض. امام علی(ع) فرمود:

به خدا سوگند، بیت‌المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند...^۲

۷. پاسداری از اصول و فروع اسلام و مبارزه با بدعتها.

امام صادق(ع) فرمود:

به حقیقت که زمین هیچ‌گاه از وجود امام خالی نمی‌شود؛ برای این که اگر مسلمانان چیزی را (به اسلام) افزودند، آنان را (به اسلام راستین) بازگردانند؛ و اگر چیزی از آن کاستند، امام چهره تمام و جامع آن را بیان کند.^۳

۸. تعلیم کتاب و سنت و بیان حلال و حرام الهی و تأدیب مردم.

امام علی(ع) فرمود:

حق شما بر من، آن‌که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی‌سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.^۴

۹. مبارزه با احتکار و اجحاف و دفاع از حقوق مردم، امام علی(ع) در نامه‌اش

به مالک اشتر فرمود:

... این راهم بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و بخیل و احتکارکننده‌اند که با زورگویی، تنها به سود خود

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، ص ۵۷۷؛ ر.ک. مانده: ۳۳ و ۳۸ و ۴۲.

۲. همان، ص ۵۹ و ۴۶۱.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۸.

۴. نهج البلاغه، ص ۸۷-۸۸.

می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند... پس، از احتکار کالا جلوگیری کن که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد. باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد.^۱

۱۰. تشویق مردم به جهاد در موقع ضرورت به عنوان فرمانده عالی مجاهدان فی سبیل الله.

امام علی(ع) در این باره فرمود:

همانا جهاد در راه خدا، دری از درهای بهشت است که خدا آن را به روی دوستان مخصوص خود گشوده است. جهاد لباس تقوا و زره محکم و سپر مطمئن خداوند است. کسی که که جهاد را ناخوشایند دانسته، ترک کند، خدا لباس ذلت و خواری بر او می‌پوشاند.^۲

۱۱. پیش‌گیری از ستم و پس‌گرفتن حقوق ضعیفان از قدرتمندان.

امام علی(ع) می‌فرماید: «من از رسول خدا(ص) بارها شنیدم که می‌فرمود: ملتی که حق ناتوان را از زورمندان، بی‌اضطراب و بهانه‌ای باز نستاند، رستگار نخواهد شد.»^۳

اختیارات ولی فقیه

در طول تاریخ فقاقت، همگان بر ولایت داشتن فقیه اتفاق داشته‌اند و فقط مراتب و حدود این ولایت مورد اختلاف واقع شده است.

امام خمینی(ره) معتقد بود که فقیه از تمام اختیارات امام معصوم(ع) - مگر مواردی که با دلیل ثابت شده که از ویژگی‌های امام معصوم(ع) است - برخوردار است. ایشان در این باره می‌فرماید:

۱. همان، ص ۵۸۳.

۲. همان، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۵۸۵.

تمام اختیارات حکومتی و سیاسی پیامبر (ص) و ائمه (ع) برای فقیه عادل هم هست و معقول نیست که در این زمینه فرق داشته باشند؛ زیرا زمامدار، هر کس که باشد، مجری احکام شریعت و برپا دارنده حدود الهی و گیرنده مالیات و تصرف کننده در آن به مصلحت مسلمان‌هاست.^۱

نیز فرمود:

البته این به معنای آن نیست که فقها در منزلت و مقامهای معنوی همانند انبیا و ائمه (ع) هستند؛ زیرا در این مسائل کسی به پای آنان نمی‌رسد.^۲ از اختیارات حکومتی یاد شده، به ولایت مطلقه تعبیر می‌شود. معنای ولایت مطلقه این نیست که فقیه مجاز به انجام هر کاری است و حتی می‌تواند جلوی اجرای قوانین الهی را بگیرد؛ چون تشریح ولایت فقیه برای حفظ اسلام و پاسداری از ارزشهای اخلاقی و انسانی است. نظریه ولایت مطلقه در برابر دیدگاه کسانی است که می‌گویند فقیه در حد ضرورت، حق تصرف و دخالت در امور مردم را دارد؛ در حالی که بنابر نظریه ولایت مطلقه، تمام نیازهای جامعه اسلامی - چه اضطراری و چه غیراضطراری - در قلمرو اختیارات فقیه قرار دارد.

ولایت فقیه در رأس حکومت دینی

حکومت دینی در اصل با رهبری معصوم (ع) انجام می‌گیرد که نقطه آغاز آن، امامت و رهبری پیامبر اسلام و سپس ائمه اهل بیت (ع) است و در عصر غیبت «ولّی فقیه» یعنی کسی که جامع شرایط فتوا و رهبری جامعه است، از سوی معصومان به رهبری امت اسلامی نصب گردیده است و با داشتن شرایط لازم، بر اوست که به نیابت از ائمه اطهار (ع) «رهبری» امت را به دست گیرد.

۱. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲. همان، ص ۴۶۶.

بنابراین در عصر غیبت، حکومت دینی بدون «ولایت فقیه» معنا ندارد؛ زیرا در حکومت دینی همه امور باید براساس احکام الهی تنظیم شود. از این رو حضور رهبری دانا و توانا در تشخیص احکام الهی و قادر به انطباق آن بر نیازهای زمان و پای بند به هنجارهای دینی، کاملاً روشن و بدیهی است. امیرمؤمنان (ع) فرمود:

«أیها الناس إنَّ أحقَّ الناس بهذ الأمر أقویهم علیه وأعلمهم بأمر الله فيه؛ ای مردم، سزاوارترین اشخاص به امر خلافت و امامت، کسی است که در تحقق حکومت، نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد.»
امام خمینی (ره) می فرماید:

«مسئله ولایت فقیه» امری کاملاً بدیهی و بی نیاز از دلیل؛ و از اموری است که تصور دقیق و درست موضوع، به تصدیق آن می انجامد.^۲

پرسش

۱. کلام استاد مطهری درباره حکومت اهل حق در زمان غیبت امام عصر (ع) را توضیح دهید.

۲. به چه دلایلی تشکیل حکومت دینی در عصر غیبت، ضرورت دارد؟

۳. وظایف و اختیارات حاکم در عصر غیبت چیست؟

۴. ولت فقیه چه اختیاراتی دارد؟

۱. نهج البلاغه، ص ۳۲۷.

۲. کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۷.

درس نهم:

تشرّف به محضر امام زمان (عج)

از موضوعات بحث برانگیز دربارهٔ امام زمان، امکان دیدار و ملاقات با آن حضرت در غیبت کبری است. این مسأله از دو جهت اهمیت دارد: اول، به لحاظ اینکه نوع نگاه ما به این موضوع، در نگرش ما به اصل مهدویت و نقش امام زمان (عج) تأثیر فوق العاده دارد. دوم، تأثیر مستقیم این مسأله بر ذهن عموم و نقش مهمی که در تحریک انگیزه‌های مذهبی مردم و وابستگی آنان به مقدسات و ارزشهای دینی دارد.

ملاقات و ارتباط با امام عصر (عج)، در عرف به معنای پیوند و درک حضور حضرت و تشرّف به محضر ایشان است که در مفهوم آن نوعی شناخت و گفتگو نیز نهفته است.

چنین دیداری ممکن است به دو شکل انجام گیرد:

۱. دیدار با حضرت، با عنوان حقیقی ایشان، به طوری که شخص در هنگام ملاقات، حضرت را بشناسد و یا حضرت، خود را معرفی کند و بشناساند. این نوع ملاقات یعنی دیدار با شناخت حضرت و توجه به او بسیار نادر است؛ زیرا چنین ملاقاتی با مصلحت غیبت منافات دارد، مگر در مواردی که مصلحت مهم‌تری در کار باشد و به طور استثنا، اذن چنین تشرّفی داده شود. در میان نقلهای تشرفات نیز، این نوع ملاقات فوق العاده اندک است.

۲. دیدار با حضرت در حال غفلت از حضور امام(ع)؛ یعنی انسان امام را ملاقات و مشاهده کند، ولی در آن حال نسبت به هویت حضرت بی توجه باشد یا او را شخص عادی تلقی کند و یا بنا به مصالحی، حضرت با تصرفات تکوینی و ولایی خود، اجازه شناخت به او ندهد. در این صورت پس از پایان ملاقات، شخص مذکور به دلیل مشاهده کرامات و یا قراین، متوجه حضور حضرت می شود و یقین می کند که امام عصر(عج) را ملاقات کرده است. بیشتر تشرفات نقل شده از این نوع می باشد.

امکان دیدار و ملاقات و دلیل آن

مراد از امکان، معنای فلسفی آن یعنی امکان عقلی نیست، بلکه منظور امکان عرفی و به معنای تحقق پیدا کردن و در دسترس بودن است. البته باید توجه داشت که در عصر غیبت کبری، اصل بر خفا و عدم رؤیت است، به دلیل مصالحی که در غیبت نهفته است و رؤیت حضرت از سوی برخی افراد و وقوع ملاقات فی الجمله، استثنا از آن قاعده است.

قوی ترین دلیل بر امکان دیدار حضرت، تحقق عینی و خارجی دیدار؛ یعنی تشرفات است که حکایت آنها در حدّ تواتر است و صاحب کتاب منتخب الأثر می فرماید: نقل این حکایتها در حدّی است که شمارش آن ممتنع است.^۱ حتی نقل بعضی از این تشرفات، مبنای برخی از وقایع تاریخی گردیده است مانند جریان تشرّف حسن بن مثله جمکرانی که اساس ایجاد مسجد مقدس جمکران می باشد و نیز داستان تشرّف محمد بن عیسی بحرینی که منشأ نجات شیعیان بحرین از توطئه دشمنان شیعه شد.^۲

۱. ر.ک. منتخب الأثر، ص ۴۲۰.

۲. ر.ک. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، ص ۳۱۷.

و اگر این تشریفات از سوی صاحبان آن، مکتوب و یا به دیگران منتقل نمی‌گردید، چگونه با خصوصیات دقیق آن، توسط دیگران بازگو می‌شد و یا مورد پذیرش قرار می‌گرفت؟

تأیید علمای شیعه

علمای بزرگ شیعه که خود پاسداران مکتب تشیع بوده و هستند ارتباط و ملاقات با آن حضرت را ممکن دانسته‌اند.

سید مرتضی فرموده: «ما قطع نداریم که کسی با امام وصلت‌ی ندارد و بشری او را ملاقات نمی‌کند.»^۱

شیخ طوسی می‌فرماید: «ما قطع نداریم که او از همه دوستانش پنهان باشد بلکه ممکن است برای بیشتر آنان ظاهر شود.»^۲

سید بن طاووس خطاب به فرزندش می‌گوید: «فرزندم راه رسیدن به حضور امامت برای کسی که مورد عنایت الهی باشد، باز است.»^۳

شیخ صدوق از عده‌ای نام می‌برد که به دیدار حضرت مشرف شده‌اند و آنان از وکلا و سایر شیعیان هستند.^۴

عبارات بالا نص بر امکان ملاقات با امام عصر (عج) است.

بررسی توقیع

سفیر چهارم در غیبت صغری، علی بن محمد سمیری نقل کرده است که امام عصر (عج) به ایشان چنین نوشت:

۱. تنزیه الأنبياء، سید مرتضی علم الهدی، ص ۱۸۲.

۲. کتاب الغیبه، ص ۶۸.

۳. کشف المحجّة لثمره المهجّة، ص ۱۵۴.

۴. ر.ک. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲ - ۱، ص ۴۴۲.

به نام خداوند بخشاینده و مهربان. ای علی بن محمد سمري، خداوند پاداش برادرانت را در مصیبت وفات تو بزرگ گرداند. تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت پس کارهایت را جمع کن و آماده رفتن باش. به هیچ وجه در مورد جانشینی بعد از خودت به کسی وصیت مکن؛ زیرا هنگام غیبت دوم فرار سیده است. پس ظهوری نیست، مگر بعد از اذن خداوند عزوجل و این اذن، بعد از طولانی شدن زمان و سخت گردیدن دلها و پر شدن زمین از ظلم و جور خواهد بود. به زودی کسانی از شیعیان من، ادعای مشاهده خواهند نمود. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و ندای آسمانی چنین ادعایی بنماید، دروغگو و افترازننده خواهد بود. هیچ توان و قدرتی نیست، مگر به مدد خداوند بلند مرتبه و بزرگ.^۱

با چشم پوشی از اشکال سندی این توقیع،^۲ باید در نظر داشت که در شرایط حاکم بر وضعیت ارتباط میان شیعیان و امام (ع)، از زمان عسکریین به بعد، به ویژه در دوران غیبت صغری و محدود شدن ارتباطات از طریق سلسله مراتب وکلا و سفیران؛ مخصوصاً در دهه پایانی عصر غیبت صغری و زمان صدور توقیع، برداشت عموم از «ارتباط و مشاهده حضرت» چیزی جز معنای معهود آن، یعنی ارتباط خاص و داشتن مقام سفارت و نیابت از جانب حضرت نبوده است. در چنین فضایی با فرا رسیدن دوران غیبت کبری، حضرت با صدور این توقیع، ضمن اعلام پایان غیبت صغری و آغاز غیبت کبری، در صدد پیش‌گیری از سوء استفاده مدعیان مشاهده و نیابت از ذهنیتهای عمومی و آسیبهای احتمالی بر آمد تا کسی نتواند با ادعای مشاهده، خود را وکیل یا سفیر معرفی کند. با توجه به

۱. منتخب الاثر، ص ۴۰۰.

۲. مؤلف منتخب الاثر می‌گوید: ناقل این خبر، شیخ طوسی به آن عمل نکرده و در کتاب الغیبه خودش از کسانی نام می‌برد که به ملاقات حضرت نائل شده‌اند. ر.ک: منتخب الاثر، ص ۴۰۰.

این مطلب، می‌توان گفت صدور توقیع از ناحیه حضرت، در مورد تکذیب مدعی مشاهده، درباره دیدار و مشاهده‌ای است که پیام خاصی را به همراه داشته باشد و روایت ناظر به رؤیت و دیدار مطلق نیست. پس، پیام توقیع، بسته شدن مطلق باب ارتباط با حضرت نمی‌باشد؛ بلکه جلوگیری از سوء نیت افراد فرصت طلب با ادعای نیابت حضرت است.^۱

آنچه عمل به توقیع را (بر فرض پذیرش دلالت آن بر نفی مطلق رؤیت) با چالش جدی و مشکل اساسی مواجه می‌کند، اخبار متواتر افراد مورد اعتماد از تشرفات می‌باشد که غالباً از سوی کسانی نقل شده که فقیه و شخصیت علمی و مذهبی شیعه به شمار می‌آیند و خبر واحد نمی‌تواند با خبر متواتر تعارض کند.

هل الیک یابن أحمد سیل فتلق؟^۲

ای فرزند پیامبر، آیا راهی برای ملاقات تو وجود دارد تا به محضّر
مبارکت شرفیاب شویم؟

عوامل زمینه‌ساز دیدار

گفتم که روی ماهت از من چنان پنهان است

گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

تشرّف به محضّر امام عصر (عج) در دوران غیبت کبری، سنخیت می‌طلبد. او معدن معرفه الله و متواضع‌ترین فرد در برابر خداوند است؛ تا زمان ظهور حکمت در اختفای او (حتی از دوستانش) می‌باشد، و بر هر شیعه‌ای آشکار نمی‌شود. با این حال آیا کسی که در فکر و عقاید یا در اخلاق و رفتار، دچار آلودگی است، شایستگی دارد که هم نشین مقرب‌ترین بنده خدا شود؟

۱. صاحب منتخب الأثر در ص ۴۰۰، این توجیه را از علامه مجلسی نقل کرده و خود می‌گوید: این توجیه جداً نزدیک به واقع است.

۲. ر.ک. مفاتیح الجنان، فرازی از دعای ندبه.

امام باقر(ع) فرمود: و ماتنال ولايتنا الا بالعمل و الورع؛^۱ جز با عمل و ورع، نمی توان به ولایت ما رسید.

پس، اگر کسی در مقام تزکیه فکری، اخلاقی و عملی برآمد و در جهادی بزرگ، نفسش را از کدورتها تصفیه کرد و سوز و گداز عاشقانه وجودش را فرا گرفت، چه بسا به اقتضای حکمت الهی اذن تشریف پیدا کند.

پرسش

۱. انواع ملاقات با امام عصر(عج) را توضیح دهید.
۲. دلیل بر امکان دیدار و ملاقات با حضرت چیست؟
۳. علمای شیعه دربارهٔ امکان ملاقات با حضرت، چه گفته اند؟
۴. شبهات وارد بر توقیع امام زمان(ع) به سفیر چهارم را چگونه می توان

پاسخ داد؟

۵. عوامل زمینه ساز دیدار چیست؟

درس دهم:

علائم ظهور

در روایات امامیه، نه مدت غیبت امام عصر (عج) ذکر شده و نه زمان ظهور آن حضرت، تعیین گردیده است؛ بلکه وقت‌گذاران تکذیب شده‌اند. اَبی بکرِ حَضْرَمی می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می‌فرمود: ما برای این امر (ظهور مهدی (عج)) وقت تعیین نمی‌کنیم.^۱

اما، نشانه‌هایی برای ظهور بیان فرموده‌اند تا دوستان و منتظران نزدیکی ظهور را دریابند. ممکن است برخی علائم ذکر شده، در واقع، از شرایط ظهور باشد. بین شرایط و علائم ظهور تفاوت است؛ شرایط، در زمره علل ظهور آن حضرت است و ظهور متوقف بر آنهاست؛ چنان‌که ممکن است پیدایش تعداد کافی از یاران خالص آن حضرت را از شرایط ظهور بدانیم که تعدادشان در روایت سیصد و سیزده نفر مشخص شده است. به هر روی، امام عصر (عج) به تنهایی با نظام کفر جهانی نمی‌جنگد و بنا نیست که پیروزی را فقط با معجزه به دست آورد؛ ناچار نیازمند یارانی است.

اما علائم اموری هستند که حکایت از نزدیکی ظهور دارند، بدون این‌که ظهور متوقف بر آنها باشد و تنها نقش کاشفیت دارند. البته نقطه اشتراک علائم و شرایط در این است که هر دو قبل از ظهور واقع می‌شوند. هر چند، تشخیص

۱. کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۹۵؛ منتخب الاثر، ص ۴۶۳.

این که کدام یک از آنچه در روایات بیان شده، از شرایط یا علائم است، کار مشکلی است، بلکه ممکن است همهٔ حوادث قبل از ظهور، به گونه‌ای در نزدیکی و تحقق ظهور مؤثر باشند.^۱

در این میان روایاتی که بر رخدادهایی در آینده دلالت دارند، برخی آشکارا می‌رسانند که آن حوادث قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) اتفاق می‌افتد چنانکه غالب روایات در منابع امامیه این‌گونه‌اند. برخی دیگر با عنوان أشراط الساعة، بر وقوع حوادثی قبل از برپایی قیامت دلالت می‌کنند؛ چنانکه غالب منابع اهل سنت این‌گونه‌اند و در مقایسه با منابع شیعی روایات کمتری در علائم ظهور مهدی (عج) ذکر کرده‌اند.^۲ پیامبر (ص) فرمود:

پیشاپیش قیامت روزگارانی خواهد بود که در آنها جهل و نادانی فرود می‌آید و علم و دانش برچیده می‌شود و هرج یعنی قتل و کشتار بسیار رخ می‌دهد.^۳ البته علائم ظهور، نشانه‌های برپایی قیامت هم هست، چنان که خود واقعه ظهور از علائم نزدیکی قیامت است؛ زیرا ظهور قبل از قیامت اتفاق می‌افتد. اما دلیلی ندارد که هر آنچه از علائم برپایی قیامت شمرده شده، از نشانه‌های ظهور نیز باشد، هر چند پیدایش آن علائم، قبل از ظهور باشد.

باید توجه داشت که بیشتر شرایط و علائم ظهور اموری هستند که پیدایش هر یک از آنها تا اندازه‌ای بیانگر نزدیکی ظهور است؛ اما دلیل نخواهد بود که بعد از وقوع آنها، بلافاصله ظهور امام عصر (عج) اتفاق می‌افتد.

دربارهٔ برخی از علائم تصریح شده که متصل به زمان ظهور هستند یا با ظهور فاصله کمی دارند. به عنوان مثال، اگر سقوط خلافت عباسی جزو علائم به شمار آید^۴ و مراد سقوط خلافت بغداد به سال ۶۵۲ ه. ق. باشد، از علائم

۱. ر. ک. تاریخ الغیبة الکبری، سید محمد صدر، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲. همان، ص ۴۳۷.

۳. صحیح البخاری، ج ۷-۹، کتاب الفتن، ص ۶۷۷.

۴. ر. ک. کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۷۵.

غیرمتصل است؛ یعنی امامان پاک سالها و قرن‌ها پیش، در اوج قدرت و حشمت عباسیان خبر داده‌اند که این امپراطوری بزرگ، پیش از قیام قائم (ع) سقوط خواهد کرد. در حالی که امام صادق (ع) قتل «نفس زکیه» را از علائم متصل برشمرده و در این باره فرموده‌اند:

بین قیام قائم آل محمد (ع) و کشته شدن «نفس زکیه» پانزده شب بیشتر فاصله نمی‌افتد.^۱

علائم حتمی و غیرحتمی

از روایات اهل بیت (ع) استفاده می‌شود که برخی علائم ظهور حضرت مهدی (عج) «حتمی» و بعضی «غیر حتمی» است. علائم حتمی حوادثی هستند که به طور حتم قبل از ظهور واقع می‌شوند و مشروط به شرط یا قیدی نیستند. در نتیجه قبل از ظهور این علائم حتمیه - قطع نظر از دلایل دیگر - ادعای مهدویت از هر کسی باشد، باطل بوده، قابل اعتنا نیست. چنان‌که پیدایش نخستین آن علائم، دلیل نزدیکی قیام مهدی (عج) است.

علائم غیرحتمی اموری هستند که بستگی به شرط یا شرایطی دارند که اگر آنها تحقق یابند، «مشروط» نیز واقع خواهد شد؛ و مصلحت بوده که به طور اجمال از علائم ظهور شمرده شوند.

امام صادق (ع) فرمود:

بعضی از امور (ی که از علائم ظهورند) حتمی و بعضی غیرحتمی است...^۲

علائم حتمی

عمر بن حنظله می‌گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که فرمود:

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۲۴۹.

قبل از قیام قائم (عج) پنج واقعه حتمی رخ می‌دهد: (خروج) یمانی و سفیانی، ندای آسمانی، کشته شدن نفس پاکیزه و فرو رفتن (لشگری) در صحرا (میان مدینه و مکه).^۱

توضیح این روایت در چند محور لازم است:

۱. **خروج سفیانی و یمانی؛ سفیانی** از نسل ابوسفیان و نامش عثمان بن عنبسه است که از سمت دمشق خروج می‌کند و فرمانروایی او هشت یا نه ماه طول می‌کشد. یمانی مردی از اهل یمن است که وقتی از سمت یمن خروج کرد، مردم را به سوی امام مهدی (عج) دعوت می‌کند.^۲ در روایتی از امام صادق (ع) آمده که خروج سفیانی و یمانی در یک سال و در یک ماه اتفاق می‌افتد.^۳

۲. **فرو رفتن لشگر سفیانی در صحرا؛ امام علی (ع)** در این باره فرمود:

... لشگر سفیانی به سوی مدینه می‌آیند تا اینکه وقتی به صحرا رسیدند، خداوند آنها را در دل زمین فرو می‌برد.^۴

۳. **صیحه آسمانی؛ منظور، ندایی آسمانی** است که نام حضرت مهدی (عج) را می‌برد و همه ساکنان زمین، آن را به گوش خود می‌شنوند و این ندا از جبرئیل است.^۵ در برخی روایات آمده که ندای جبرئیل به نام حضرت مهدی (عج)، در اول روز خواهد بود و در آخر همان روز، ابلیس ندا می‌دهد که مردم آگاه باشید که حق با سفیانی و پیروان او می‌باشد. در این هنگام باطل‌گرایان به تردید می‌افتند.^۶

۴. **کشته شدن «نفس زکیه»؛** که پسری از آل محمد و نامش محمد و لقبش نفس زکیه است. او را بین رکن و مقام در مسجد الحرام به قتل می‌رسانند.^۷

۱. کمال الدین و اتمام النعمة، ج ۱ و ۲، ص ۶۵۰.

۲. ر. ک. منتخب الأثر، ص ۴۵۴.

۳. همان، ص ۴۵۶.

۴. همان.

۵. همان، ص ۴۵۳ و ۴۵۰.

۶. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۶ و منتخب الأثر، ص ۴۵۷.

۷. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۲، منتخب الأثر، ص ۴۵۶.

علائم غیر حتمی

در روایات پیدایش حوادثی به عنوان علائم ظهور، بیان شده، بدون اینکه به حتمی بودن آنها اشاره شود. برخی از این روایات، جو اجتماع بشری، به ویژه وضع جوامع اسلامی پیش از ظهور را تشریح می‌کند و برخی دیگر، از حوادثی که نزدیک به ظهور واقع می‌شوند، گزارش می‌دهد.

امام صادق (ع) به یکی از یارانش به نام حمران فرمود:

هنگامی که ببینی ظلم و ستم فراگیر شده، قرآن فرسوده گشته و بدعت‌هایی از روی هوا و هوس در مفاهیم آن پدید آمده، آیین خدا (عملاً) بی‌محتوا شده همانند ظرفی که آن را واژگون سازند، اهل باطل بر اهل حق پیشی گرفته‌اند، شر آشکار شده، کسی از آن باز نمی‌دارد و صاحبان شر معذور شمرده می‌شوند، فسق آشکار گشته، مردان به مردان و زنان به زنان قناعت کنند، مؤمن را ببینی که سکوت اختیار کرده و گفتارش پذیرفته نمی‌شود، فاسق را ببینی که دروغ می‌گوید و کسی آن را رد نمی‌کند، کوچک‌ترها احترام بزرگان را رعایت نمی‌کنند، پیوند خویشاوندی بریده شده...، شراب آشکارا نوشیده می‌شود، امرکننده به معروف را خواری ببینی... و ببینی که بدعت‌ها و زنا آشکار شده و حلال خدا حرام و حرامش مجاز شمرده می‌شود، دین خدا بارای شخص تفسیر می‌گردد و کتاب خدا و احکامش تعطیل شده... رشوه خواری میان والیان حکومت رایج گردد، لهو و لعب آشکار شده و کسی از آن جلوگیری نمی‌کند، و ببینی که شنیدن قرآن بر مردم سنگین است، مساجد را ببینی که به زیورها آراسته‌اند، و نماز سبک شمرده می‌شود... دل‌های مردم سخت شده و چشمانشان خشک است و ذکر خدا بر آنان سنگین است... و هنگامی که دیدی صدای ساز و آواز در حرمین (مکه و مدینه) آشکار شده... و ببینی که هر سال از بدعت و شر چیزی بیش از آنچه بوده پیدامی‌شود... مساجد را ببینی که پر از مردمی است که از خداوند نمی‌ترسند و برای غیبت کردن و خوردن گوشت پیروان حق در آنجا جمع شده‌اند... در این شرایط از خداوند نجات و

رستگاری بطلب و بدان که مردم در خشم خدایند و به خاطر مصالحی به آنان مهلت داده، تلاش کن خداوند تو را در خلاف مسیر چنین مردمانی ببیند...^۱
نیز فرمود:

به زودی کوفه از مؤمنان خالی می شود و علم و دانش از آن فروکش می کند، آن گونه که مار در لانه اش فرو می رود. سپس علم و دانش در شهری که قم نامیده می شود، آشکار می گردد و آن شهر منبع علم و دانش خواهد شد، به گونه ای که همه حتی زنان پشت پرده از دین آگاه می گردند و این امور نزدیک ظهور قائم ما خواهد بود...^۲

امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

پیشاپیش ظهور مهدی (ع) مرگ قرمز و مرگ سفید اتفاق می افتد و ملخهایی در فصل مناسب و در غیر فصل مناسب که مانند خون قرمزند، پیدا می شوند و منظور از مرگ قرمز شمشیر و مقصود از مرگ سفید، مرض طاعون است.^۳
بسیاری از نشانه های ذکر شده در روایات، پدیدار گشته؛ و همواره آشکار می گردد. وقوع این حوادث، انسان بصیر را نسبت به دیگر علائم و حوادث، هشیار می کند و او را به مراقبت و پرهیز فرا می خواند و به آمادگی و توجه سوق می دهد.

پرسش

۱. تفاوت شرایط ظهور با علائم آن چیست؟
۲. روایات أشراط الساعة باعلائم ظهور چه فرقی دارند؟
۳. علائم حتمی ظهور را توضیح دهید.
۴. علائم غیر حتمی ظهور را نام برده، توضیح دهید.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۲۸-۴۳۲.

۲. همان، ص ۴۴۳.

۳. الارشاد، شیخ مفید، ص ۶۹۵، تاریخ بقیه الله فی الارضین.

درس یازدهم:

یاران امام مهدی (عج)

سنت الهی برای پیشبرد اهداف دین، بر پایه یاری رسانی انسانهای صالح به اولیاءالله، استوار شده است. از آنجا که امام مهدی (عج) در پی گسترش عدل و ریشه کن کردن ستم در سطح جهانی است، در اردوگاه خود نیازمند یارانی پاک و ممتاز است که تحمل مبارزات طاقت فرسا و سختی های اداره جامعه پس از ظهور را داشته باشند. در این درس با ویژگیهای یاران ایشان آشنا می شویم.

هسته اولیه یاران امام عصر (عج)

عبدالله بن سنان نقل می کند که امام صادق (عج) فرمود:

ناپدید شدگان (در شب) از بسترهایشان سیصد و سیزده مرد به تعداد لشکریان بدرند و صبحگاهان در مکه حاضر می شوند. این، همان گفته خداوند است که فرمود: «أینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً؛ هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را می آورد». ایشان یاران قائمند.^۱

از آنجا که تعدادی از زنان مؤمن، از اصحاب آن حضرت خواهند بود، شاید ذکر عنوان «مرد» برای این سیصد و سیزده نفر، به این جهت باشد که اکثریت

یاران وی از مردان خواهند بود. البته تعداد بانوان گروه و اینکه جزو هسته اولیه لشکر آن حضرت خواهند بود یا غیر آن، روایات مختلف است. امام باقر (ع) فرمود: از آن سیصد و سیزده نفر، پنجاه نفر زن هستند^۱ (از هسته اولیه). روزی که بناست آن ظهور بزرگ اتفاق بیفتد، یاران مهدی (عج) شبانگاهان به سوی مکه می‌شتابند و به نظر می‌رسد که این حضور یکباره، به اعجاز الهی انجام می‌گیرد؛ چنان که ظاهر آیه یاد شده نیز، همین را می‌رساند.

امام صادق (ع) فرمود:

انگار به قائم می‌نگرم در حالی که بر منبر مسجد کوفه قرار گرفته و یارانش گرد او، ۳۱۳ مرد به تعداد اصحاب بدرند. آنان پرچم داران مهدی و حاکمان خدا بر خلق در زمین‌اند.^۲

منزلت یاران مهدی

امام صادق (ع) در تشریح ویژگیهای اصحاب آن حضرت فرمود:

مردانی که قلب‌هایشان همانند تکه‌های آهن است (از ایمانی راسخ برخوردارند؛) هرگز در مورد خدا شکی به دلشان راه نیافته است. اگر به کوهها حمله کنند، آنها را از جای بر می‌کنند. با پرچم‌های خود وارد شهری (از شهرهای کفار) نمی‌شوند؛ مگر آن را به سقوط وادار سازند. برای تیمن و تبرک به اسب امام مهدی (عج) دست می‌مالند. آنان گرد امام را گرفته در جنگ‌ها خود را سپر بلای ایشان می‌کنند و آنچه از آنان بخواهد به طور رسا و کامل انجام می‌دهند. مردانی که شب را نمی‌خوابند و در نمازشان زمزمه‌ای همانند زمزمه زنبوران دارند. شب را به عبادت سپری کرده، صبحگاهان بر اسب‌های خود سوارند. راهبان شب و شیران

۱. ر.ک تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۵؛ نشانه‌هایی از دولت موعود، نجم‌الدین طبسی، ص ۸۳-۸۴.

۲. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱-۲، ص ۶۷۲.

روزند. آنان نسبت به قائم (عج) مطیع تر از کنیز نسبت به آقایش هستند، بر افروخته و نورانی هستند، انگار در قلبشان چراغی است. از خداوند بیمناکند. برای شهادت دعا می کنند و آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند. شعارشان خونخواهی امام حسین (ع) است. وقتی سیر می کنند رعب و وحشت تا مسافت یک ماه راه، در پیشاپیش آنها در حرکت است (ستمگران از مسافت های دور از آنان می ترسند). خداوند امام مهدی (عج) را به وسیله آنان یاری می کند.^۱

ابان بن تغلب روایت می کند که امام صادق (ع) فرمود:

... برای یاران مهدی (ع) شمشیرهاست، بر هر شمشیری کلمه ای نوشته شده که مفتاح هزار کلمه است...

ابوبصیر گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم آیا هنگامه ظهور، در روی زمین به جز یاران مهدی، مؤمنی وجود ندارد؟ فرمود: چرا وجود دارد؛ ولی این عده گروهی (ممتاز) هستند که خداوند قائم را در میان آنان خارج می کند و آنان؛ نجبا، داوران، حاکمان و فقیهان دینند.^۲

امیرمؤمنان (ع) فرمود:

شگفتا از طالقان! همانا برای خداوند عزوجل در طالقان گنجهایی است که از طلا و نقره نیست. در آن مردانی مؤمن هست که خداوند را آن گونه که شایسته است (به قدر ظرفیت بشری) شناخته اند و آنان یاران مهدی در آخرالزمانند.^۳

طبق این روایات، ویژگیهای ممتاز یاران امام عصر (عج)، عبارتند از: فقاہت، معرفت عمیق خداوند، کمال تسلیم و فرمان برداری از امام (ع)، عبادت و

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. منتخب الأثر، ص ۴۸۵.

۳. همان، ص ۴۸۴؛ نشانه هایی از دولت موعود، ص ۷۴.

صلابت، جان نثاری برای امام مهدی (ع)، حاکمیت بر خلق از جانب خدا، برخورداری از بصیرت نافذ روحی، با شعار خونخواهی امام حسین (ع).
امام رضا (ع) فرمود:

... چهارهزار فرشته برای یاری حسین (ع) به زمین فرود آمدند؛ اما به آنان اذن یاری داده نشد (وقتی رسیدند که امام حسین به قتل رسیده بود). پس این فرشتگان، نزد قبر او پریشان و غبار آلودند تا روزی که قائم قیام کند. پس آنان از یاران او خواهند بود و شعارشان «یاالثارات الحسین» است.^۱

آری «یاالثارات الحسین» شعاری است که همیشه در خون شیعه می جوشد و همه جا را کربلا کرده و همه روز را عاشورا؛ و این شعار بر لب و پرچم مجاهدان دوران ظهور حتی ملائکه، نقش خواهد بست.

پس از شهادت امام حسین (ع) هر جا قیامی از شیعیان سر برآورده، با شعار خونخواهی آن حضرت بوده، از قیام علویونی که با حکومت‌های بنی امیه و بنی عباس در افتادند، تا، قیام امام خمینی که عامل پیروزی اش همین شعار بود. همین حماسه حسینی بود که توده‌های میلیونی مردم ایران را در محرم ۱۳۵۷ علیه کاخ ستم به حرکت درآورد و بزرگ‌ترین راهپیمایی در روز عاشورا، بیست آذر برگزار شد؛ همین شعار عامل صلابت و پایداری اصحاب مهدی (عج) نیز خواهد بود!

امام حسین را از یاد نبریم و هرروز، صبح خود را باسلام و درود بر او آغاز کنیم تا راهش، مکتبش و شعارش همچنان باقی بماند.

گفتنی است یاری رسانی فرشتگان به اصحاب آن حضرت، همانند یاری رسانی آنها به مسلمانان در جنگ‌های صدر اسلام است.

ویژگیهای جسمانی یاران مهدی (عج)

قانون حتمی الهی این گونه استقرار یافته که عنایات خداوند به بندگان، به اقتضای محل و بر وفق استعداد و متناسب با قابلیت‌ها دریافت شود. یاران مهدی (عج) آن قدر ظرفیت و قابلیت دارند که از جنبه جسمانی نیز، به عنایات الهی ممتاز و پیشروند.

حکیم بن سعید می‌گوید: از امام علی (ع) شنیدم که می‌فرمود:
یاران مهدی (ع) جوانند، پیری در میانشان نیست؛ مگر به قدر سرمه در چشم و نمک در غذا^۱ (اندکند).

امام صادق (ع) فرمود:

گفتار لوط به قومش - لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ^۲ - جز برای این نبود که آرزو می‌کرد، کاش نیروی قائم مهدی و شدت عمل یارانش را می‌داشت؛ و اصحاب مهدی همان رکن شدیدند. همانا هر مردی از آنان، نیروی چهل مرد را پیدا می‌کند و همانا قلب هر مردی از آنان، محکم‌تر از پاره‌های آهن است. اگر از کوه‌های آهنین بگذرند، کوه‌ها تکان می‌خورند، شمشیرهایشان را باز نمی‌دارند تا وقتی که خداوند خشنود شود.^۳

مهدی (عج) و یارانش دو مخاطب دارند: ۱. توده‌های مردم؛ بشریت در بند که برخورد با اینان، از سر محبت است و تواضع و کرم.

۲. مافیای قدرت و ستم جهانی که با آنان جز با زبان سلاح و تیغ و شمشیر سخنی ندارند؛ زیرا دیگر دوران موعظه آنان سپری شده و هزاران سال است که از آنان خواسته شده توبه کنند ولی دریغاکه... پس مهدی (عج) و یارانش آن قدر از اینان می‌کشند تا خدا خشنود شود.

۱. منتخب الاثر، ص ۴۸۴.

۲. ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (هود: آیه ۸۰).

۳. همان، ص ۴۸۶.

پیمان متقابل امام مهدی (عج) و یارانش

رعایت کرامت انسانها و حقوق بشر، تنها به شخص امام عصر (عج) ختم نمی‌شود؛ بلکه یاران وی نیز بر این مبنا با حضرت بیعت می‌کنند.

امام مهدی (عج) خطاب به یارانش می‌فرماید:

با شما بر این شرایط پیمان می‌بندم: از میدان رزم نگریزید، دزدی نکنید، عمل نامشروع انجام ندهید، محرمی را نکشید، از کار منکر و زشت دوری بجویید، کسی را جز به حق نزنید، زر و سیم نیندوزید، جو و گندم احتکار نکنید، مال یتیم را نخورید و به چیزی که نمی‌دانید گواهی ندهید، مسجدی را ویران نسازید، مسلمانی را خوار و کوچک نکنید، ... شراب ننوشید، لباس زربافت نپوشید، لباس ابریشم و حریر بر تن نکنید، ... و خون حرامی را نریزید، کسی را که پناه داده‌اید فریب ندهید، ... و لباس‌های زبر بپوشید، خاک را بالش خود قرار دهید (زاهد و فروتن باشید) و در راه خدا جهاد شایسته داشته باشید، ... و امر به معروف و نهی از منکر کنید.

اگر به این شرایط پای بند شوید، بر من لازم است که بین خود و شما نگهبانی نداشته باشم (همیشه در دسترس شما باشم) و نپوشم مگر آنچه می‌پوشید و بر مرکبی که سوار می‌شوید، سوار شوم و به کم قانع باشم، و زمین را از عدل و داد آکنده سازم آن سان که از ستم و جور پر شده است و خداوند را به گونه‌ای که شایسته است، پرستش نمایم. من به آن چه گفتم وفادار خواهم بود و شما نیز به عهد خود وفا کنید.

اصحاب می‌گویند: راضی شدیم و بر این شرایط پیرو تو هستیم. آن گاه حضرت با تک تک یارانش (به نشانه بیعت) مصافحه می‌کند.^۱

برای قیام جهانی و آرمان خواهانه امام عصر (عج) کافی نیست که فقط وی، عابد و زاهد باشد؛ چرا که مردم دنیا، دین و آیین مورد نظر امام را در فرهنگ و

۱. عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی شافعی، ص ۷۳.

رفتار یارانش جست و جو می‌کنند و آنان در نگاه تیز بین و ارزیابی مردم جهان قرار می‌گیرند. بیعت امام عصر و یارانش در راستای تأمین هدف فوق‌وقرار می‌گیرد. بیعت با امام عصر، بیعت با خداست و دست خدا بالاترین دستهاست. اگر امام علی (ع) به خاطر نداشتن یاران وفادار، مجبور به سکوت و خانه‌نشینی شد، اگر امام حسن (ع) به علت بی وفایی یارانش به صلح با معاویه تن داد، اگر امام حسین (ع) از سر نداشتن یاران کافی، با هفتاد و دو نفر به قتل رسید و...، امام عصر (ع) این‌گونه نخواهد بود. یاران وی به قدری زبده و استوارند که در تاریخ یاران انبیاء و اولیا نظیر ندارند. امام مهدی (عج) با کمک آنان به تمام اهداف الهی‌اش در سطح جهانی، خواهد رسید.

برخی اصحاب امام صادق (ع)، ضمن ابراز محبت و بیان کثرت جمعیت شیعیان، به شکل کنایه از زمان قیام آن حضرت پرسیدند. امام (ع) در پاسخ فرمود:

ما لو كملت العدة الموصوفة ثلاثمائة و بضعة عشر كان الذي تريدون...^۱
هرگاه آن عده وصف شده (که توانایی یاری ما را در تشکیل دولت الهی دارند) به سیصد و اندی نفر برسند، آنچه درخواست می‌کنید محقق خواهد شد.

بیان یاد شده، در ترسیم شایستگی فوق‌العاده سیصد و اندی نفر، روشن است. البته، بنا به روایات اهل بیت (ع)، پس از گردهمایی و بیعت این عده با امام عصر (عج) در مسجد الحرام که هسته اولیه یاران او را تشکیل می‌دهند، اصحاب آن حضرت رو به فزونی می‌نهد و هنگامی که تعدادشان به ده هزار نفر رسید از مکه به سوی مدینه خارج می‌شوند.^۲

۱. کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۳۶.

۲. ر.ک. منتخب الأثر، ص ۴۸۶.

اما ظاهر روایاتی که اصحاب آن حضرت را از مصادیق برخی آیات معرفی می‌کند و فضایل درخشانی که در احادیث برای یاران آن حضرت بر شمرده شده، مربوط به همان سیصد و سیزده نفر است؛ هرچند همه یاوران آن امام، از شیعیان و مؤمنان خواهند بود.

امام علی (ع) ضمن سخنانی درباره یاران مهدی می‌فرماید:

«و یا شوقاه الی رؤیتهم فی حال ظهور دولتهم؛^۱ آه چقدر مشتاقم که آنان را به هنگام ظهور دولتشان دیدار نمایم.»

پرسش

۱. چه آیه‌ای از قرآن به یاران امام عصر (عج) تفسیر شده است؟
۲. ویژگی‌های روحی یاران امام زمان (ع) را توضیح دهید.
۳. ویژگی‌های جسمانی اصحاب امام مهدی (ع) چیست؟
۴. پیمان متقابل امام و یارانش چه خواهد بود؟

درس دوازدهم:

پایان انتظار و آینده جهان (۱)

با پایان یافتن انتظار، وضعیت نامطلوبی که منشأ اعتراض مصلحان بود، دگرگون می‌شود، جور و جفا رخت بر می‌بندد، وعده الهی مبنی بر تحقق حکومت جهانی صالحان، جامه عمل می‌پوشد و برخورد تمدن‌ها فروکش می‌کند. دولت جهانی عصر ظهور در آخرین نقطه تکاملی تاریخ، بر پایه خواست فطری بشر و مبتنی بر ارزشهای متعالی و در جهت کمال بخشی به افراد و جوامع انسانی شکل می‌گیرد. پایگاه اندیشه‌ای دولت جهانی عصر ظهور، «امت واحده» و خاستگاه آن، فطرت بشری است که از آغاز تا انجام تاریخ، ثابت و پایدار می‌باشد و زیربنای آن نیز ربوبیت تکوینی و تشریحی ذات احدیت است. بنابراین جهانی شدن اسلامی با هیچ‌گونه چالش فرهنگی روبه‌رو نخواهد بود.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا
اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (نور: ۵۵)

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران زمین خواهد کرد؛ همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید. و دین و آئینی را که برای آنها

پسندیده پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند؛ آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت.

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: «درباره قائم و یارانش فرود آمده است.»^۱

ویژگیهای حکومت امام عصر (عج)

۱. انهدام نظام کفر و شرک

اولین کاری که حضرت، بعد از ظهور انجام می‌دهد، برچیدن پایه‌های کفر و شرک از جهان است.

امام صادق (ع) فرمود که از پدرم درباره آیه «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه: ۳۶) سؤال شد و او فرمود: هنوز تأویل این آیه نرسیده است. هرگاه قائم ما قیام کند، کسانی که او را دریابند، تأویل آن را درک می‌کنند. همانا دین محمد (ص) تا هر جا که شب سایه افکند، خواهد رسید، تا جایی که هیچ شرکی بر روی زمین باقی نخواهد ماند.^۲

۲. احیای اسلام و جهانی کردن آن

وقوع تحریفات معنوی در قرآن، پیدایش بدعتها، جدا کردن دین از سیاست و... چهره نورانی دین پیامبر (ص) را، تاریک خواهد کرد. امام عصر (عج) در مبارزه با بدعتها و کج اندیشی‌های دینی، اسلام ناب محمدی را زنده می‌کند؛ به گونه‌ای که مردم تصور می‌کنند او دین جدیدی آورده است.

امام صادق (ع) فرمود:

۱. کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۶۰.

۲. کتاب التفسیر، محمد بن مسعود عیاشی، ج ۲، ص ۵۶.

چون قائم قیام کند، دستور تازه می آورد؛ چنان که رسول (ص) خدا در آغاز اسلام به برنامه جدیدی دعوت کرد.^۱

امام باقر (ع) درباره آیه «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۲ فرمود: این آیه درباره خاندان محمد (ص) است؛ در مورد مهدی (عج) و یارانش می باشد. خداوند آنان را فرمانروای شرق و غرب زمین قرار می دهد و دین آشکار می گردد. خداوند به وسیله مهدی (عج) و یارانش بدعت ها و باطل را می میراند؛ همان گونه که سفیهان حق را میرانده بودند تا این که نشانه ای از ستم باقی نماند. آنان به معروف فرمان داده، از زشتی باز می دارند و پایان امور از آن خداست.^۳

عوامل جهانی شدن اسلام

اکنون به بررسی برخی عوامل می پردازیم که با چشم پوشی از حقانیت و فطری بودن دین اسلام، موجب گرایش مردم جهان با فرهنگ های گوناگون، به اسلام می شود:

الف. ویژگی های استثنایی امام مهدی (عج)؛ آن حضرت تجسم آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و حضرت محمد صلوات الله علیهم است. هر انسانی در رویارویی با آن مرد بزرگ آسمانی شیفته او می شود.

سالم اشل روایت می کند که شنیدم از امام باقر (ع) که می فرمود:

۱. الارشاد، شیخ مفید، ص ۷۰۵.

۲. آنها که اگر در زمین استقرارشان بخشیم (به حاکمیت برسند) نماز را به پا می دارند و زکات می دهند، به معروف امر کرده و از زشتی باز می دارند و پایان امور از آن خداوند است (حج: آیه ۴۱).

۳. منتخب الاثر، ص ۴۷۰.

موسی (ع) در نگاه اول، نگریست به آنچه به قائم آل محمد (عج) از تمکین و فضیلت عطا می شود؛ پس گفت: پروردگارا مرا قائم آل محمد قرار بده. به او گفته شد که او از ذریه احمد است. در نظر دوم هم مثل همان را یافت و همچنان درخواست کرد، و همان پاسخ را شنید. در نظر سوم هم، مانند آن را دید و همچنان گفت و همان جواب را شنید.^۱

با آن که موسی بن عمران، پیامبر اولوالعزم و کلیم الله بود و خداوند او را با نه آیه مبعوث کرد^۲، چه مقام و منزلتی برای امام عصر (عج) دید که سه بار درخواست نمود که «قائم» باشد؟

عنوان حضرت مهدی (ع) در روایات خاصه و عامه «خلیفه الله» است. به مقتضای اضافه شدن «خلافت» به نام مقدس «الله»، وجود آن حضرت، آیت همه اسماء حسناى الهی است.

امام رضا (ع) ضمن گفتاری درباره ویژگی های آن حضرت فرمود:

«عليه جيوب النور تتوقد من شعاع ضياء القدس»^۳

بر اوست جامه های نور که به ضیای (نور) قدس روشن و برافروخته می شود.

و نیز فرمود:

مهدی از نظر جسمی به قدری توانمند است که اگر دستش را به بزرگ ترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از ریشه می کند و اگر در میان کوهها بانگ برآورد، صخره هایش فرو ریزد.^۴

۱. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۵۹.

۲. وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ، (اسراء، آیه ۱۰۱).

۳. کتاب الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۰.

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۲.

امام جواد(ع) او را به ستاره فروزانی که در شب تاریک، می درخشد، تشبیه کرده است.^۱

ب. بیرون آوردن کتب آسمانی گذشته؛ امام باقر(ع) ضمن حدیثی فرمود:
همانا بدان جهت او مهدی نامیده شده، که به امر پنهانی دعوت می کند و تورات و سایر کتاب های آسمانی را از غاری بیرون می آورد و بین اهل تورات با تورات داوری می کند و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن...^۲

امام عصر(عج) با کشف و استخراج کتابهای اصلی پیروان ادیان گوناگون، که بشارت ظهورش نیز در آنها آمده است، زمینه گرایش آنان را به دین اسلام فراهم می کند؛ و طبق روایات کسانی که بر دین یهود یا مسیح باقی بمانند، باید جزیه پرداخت نمایند.^۳

ج. فرود آمدن حضرت عیسی(ع)؛ بیعت او با امام مهدی به عنوان خلیفه پروردگار و اقتدا به آن حضرت در نماز، زمینه گرایش به اسلام را در جهان مسیحیت، بدون جنگ و خونریزی هموار می کند؛ زیرا حضرت عیسی(ع) برای رسمیت بخشیدن به دین خودش فرود نمی آید، بلکه به فرمان خداوند، برای یاری امام عصر(عج) نازل می شود.

رسول خدا(ص) فرمود:

چگونه خواهید بود هنگامی که فرزند مریم در میانتان فرود آید و امامتان از خودتان باشد.^۴

۱. اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲. کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۵۷.

۳. ر.ک. نشانه هایی از دولت موعود، ص ۱۸۴.

۴. صحیح البخاری، ج ۳-۴، ص ۶۳۳، باب ۹۴۵، نزول عیسی بن مریم(ع).

پیامبر(ص) در روایتی فرمود:

بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنان را دوست دارد و به من فرمان داده تا آنان را دوست بدارم: علی پسر ابوطالب، حسن، حسین و مهدی؛ درود خدا بر آنان باد، همان کسی که عیسی فرزند مریم پشت سرش نماز می خواند.^۱

د. ارائه معجزات و میراث انبیا؛ امام صادق(ع) فرمود:

هیچ معجزه‌ای از معجزه‌های انبیا و اوصیا نیست؛ مگر آنکه به دلیل تمام شدن حجت بر دشمنان، مانند آن را خداوند به دست حضرت قائم ما آشکار خواهد کرد.^۲

امام علی(ع) در روایتی فرمود:

مهدی اشاره به پرنده می کند پس آن، در دستش می افتد و شاخه درختی را در زمینی می کارد، بلافاصله سبز شده، برگ می دهد.^۳

امام باقر(ع) فرمود:

وقتی قائم ظهور کند، ظاهر می شود با پرچم پیامبر و انگشتر سلیمان و سنگ موسی و عصای او...^۴

گفتمان واقعی و احتجاج با پیروان ادیان دیگر

در جهانی سازی مهدوی، اگرچه آن حضرت، پیروان سایر ادیان را به تبعیت از اسلام فرامی خواند، این به معنای اجبار عقیدتی آنان به پذیرش آیین اسلام

۱. همان، ص ۱۶۵.

۲. همان، ص ۳۱۳.

۳. همان، ص ۱۵۴.

۴. همان، ص ۳۱۲.

نیست؛ بلکه محور کار امام (ع)، هدایت جامعه بشری است و بدیهی است که بنای هدایت، باید بر اقناع باشد. روایات نیز، بر آن دلالت دارد که حضرت، کتب اصلی و بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را آورده، براساس آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفتگو می‌کند. در همین راستا امام باقر (ع) فرمود:

به خدا سوگند، گویا قائم را می‌بینم در حالی که پشت به حجرالأسود کرده، بعد از آن حق خویش (خلافت) را از خداوند عالم می‌طلبد. سپس می‌گوید: ای مردم! هر که در خصوص خداوند با من محاجه و گفتگو نماید، هر آینه من نزدیک‌ترین خلائق به خدا هستم. ای مردم! هر کس در خصوص آدم (ع) با من گفتگو و محاجه نماید، هر آینه من نزدیک‌ترین خلائق به آدم (ع). ایها الناس! هر کس در خصوص ابراهیم با من احتجاج و گفتگو کند، هر آینه من نزدیک‌ترین خلائق به ابراهیم. ای مردم! هر که در خصوص موسی با من گفتگو و محاجه کند، هر آینه من نزدیک‌ترین خلائق به موسی هستم. ای مردم! هر کس در خصوص عیسی با من گفتگو و احتجاج کند، هر آینه من نزدیک‌ترین خلائق به عیسی. ای مردم! هر که با من در خصوص کتاب خدا، گفتگو و احتجاج نماید، هر آینه من نزدیک‌ترین خلائق به کتاب خدا. بعد از این سخنان به مقام ابراهیم (ع) می‌رود و دو رکعت نماز می‌خواند؛ بعد از آن حق خود (خلافت روی زمین) را از خدا می‌طلبد...^۱

پرسش

۱. ویژگی‌های حکومت امام عصر (عج) را توضیح دهید.

۲. عوامل جهانی شدن اسلام در دوره ظهور چیست؟
۳. در عصر ظهور، حضرت عیسی (ع) با چه انگیزه‌ای بر زمین فرود می‌آید؟
۴. گفتمان امام مهدی (ع) با پیروان ادیان دیگر چگونه خواهد بود؟

درس سیزدهم:

پایان انتظار و آینده جهان (۲)

دین اسلام از آغاز ظهور در جزیره العرب، به دنبال ایجاد «حیات طیبه» برای همه فرزندان آدم در سطح جهان بود. اما به دلیل موانعی که خود بندگان ایجاد کردند، این مهم در سطح جهانی به اجرا در نیامد و اراده الهی بر این تعلق گرفت که این رسالت مهم به دست امام عصر (عج) انجام گیرد. از آیات قرآن استفاده می شود که کتب آسمانی پیشین نیز در این باره نوید داده اند.

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛

(انبیاء: ۱۰۵) ما بعد از ذکر - تورات - در زبور نیز نوشتیم که زمین را بندگان

شایسته ام به ارث می برند.»

برنامه های حکومت واحد جهانی امام عصر (عج)

برنامه هایی که به زعامت آخرین معصوم از خاندان پیامبر به اجرا در می آید، عبارتند از:

الف. ترویج نظری و عملی معرفت و عبودیت خداوند: از آنجا که هدف نهایی از آفرینش انسان «معرفه الله» و عبودیت اوست، امام مهدی (عج) عملی شدن آن را سرلوحه کارهای خود قرار می دهد و در حکومت او، هر طرح و برنامه دیگری،

مقدمه تحقق آن خواهد بود خداوند متعال در آیه «...يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً»^۱ به همین اشاره دارد.

امام کاظم(ع) فرمود:

در مشرقها و مغربهای زمین، کسی نمی ماند جز این که به توحید و یگانه پرستی گرایش پیدا می کند.^۲

از این جهت حکومت واحد امام مهدی(عج) با جهانی سازی مطرح در دنیای معاصر که روح آن سیطره سرمایه داری بر زندگی انسانها و مهندسی اجتماعی با تحمیل ایدئولوژی غربی بر تمام جهان است، تفاوت ماهوی دارد.

ب. عدالت گستری: شاخصه اصلی دولت مهدوی، عدالت گستری بدون تبعیض است؛ همان که علت غایی بعثت انبیا و انزال کتب است.^۳ پیامبر(ص) فرمود:

مهدی از فرزندان من است، برای او غیبتی خواهد بود، هنگامی که ظهور کند، زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که از ظلم و بی داد پر شده باشد.^۴

امام باقر(ع) در تفسیر آیه «اعلموا ان الله يحيي الارض بعد موتها»^۵ فرمود:

خداوند زمین را به برکت وجود قائم زنده می کند که این احیا با اجرای عدالت در زمین صورت می گیرد، پس از این که در اثر ظلم مرده است.^۶

بارزترین شاخصه عدالت گستری در حوزه اقتصادی و مالی توزیع عادلانه ثروت؛ در میان مردم است. توزیع نابرابر امکانات، همواره جامعه را به دو قطب

۱. نور: آیه ۵۵.

۲. منتخب الاثر، ص ۱۵۹ و ۴۷۱.

۳. ر.ک. حدید: آیه ۲۵.

۴. منتخب الاثر، ص ۲۴۹.

۵. بدانید که همانا خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند (حدید: آیه ۷۷).

۶. همان، ص ۴۷۸.

اقلیت سیر و اکثریت گرسنه، تبدیل کرده است. فقر و تبعیض، خود، ریشه بسیاری از مفسد اجتماعی است. امام عصر (ع) با تقسیم عادلانه ثروت، فقر را ریشه کن می نماید به گونه ای که موردی برای مصرف صدقه نمی ماند.

ابوسعید خدری از رسول خدا (ص) چنین نقل می کند:

در پایان امتم (آخر الزمان)، مهدی خروج می کند. در دوران او باران (به حد کافی) می بارد و زمین گیاه خود را می رویاند و مهدی مال و ثروت را به طور صحیح و مساوی به مردم می دهد...^۱

امام صادق (ع) ضمن حدیثی فرمود:

چون قائم ما قیام نماید... زمین خزانه های خود را آشکار می گرداند، به نوعی که خلایق همه آنها را بر روی زمین می بینند. مرد در آن وقت کسی را می طلبد برای اینکه از مالش به او عطا نماید، تا این که صله رحم به جا آورد، یا این که از زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول نماید، یافت نمی گردد و خلایق به سبب آنچه خدا از فضلش به ایشان روزی کرده، بی نیاز می شوند.^۲

ج. قضاوت و داوری به روش داود (ع): اغلب داوری ها در محاکم بشری بر پایه شهادت شهود و یا جمع آوری شواهد انجام می گیرد؛ اما بنابر روایات، امام عصر (عج) بر اساس دانش خود و به روش حضرت داود (ع) قضاوت می کند.

امام صادق (ع) فرمود:

وقتی قائم آل محمد (ص) قیام کند همانند حضرت داود در بین مردم داوری می کند، احتیاجی به شهود ندارد، خداوند به او الهام می کند و در نتیجه به علم خود قضاوت می نماید...^۳

۱. همان، ص ۴۷۳.

۲. الارشاد، ص ۷۰۳ و ۷۰۶؛ منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

۳. الارشاد، ص ۷۰۶.

نتیجه عملی شدن برنامه‌های دولت جهانی امام مهدی (عج) این آیه قرآن خواهد بود:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ
وَالْأَرْضِ» (اعراف: ۹۶)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا ما برکات آسمان و زمین را بر روی آنان می‌گشودیم.

ترسیم چهره حکومت جهانی امام عصر (عج)

حکیمان و جامعه‌شناسان نظریه پرداز در آرزوی حکومت شایسته‌ای که بشریت با آن در صلح و صفا زندگی کند، سخنان بسیاری گفته‌اند؛ اما هیچ‌کدام از این تئوری‌ها به اجرا در نیامده است. حکومت جهانی امام عصر (عج) در بالاترین مقیاس و فوق تصور حکیمان، با اصول و معیارهای وحیانی، شاخصه‌های بی نظیری را به نمایش خواهد گذاشت که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. شکوفایی علم و فرهنگ

علم و دانش بشری با تمام مظاهر شگفت‌انگیزش، با آنچه پیامبران به بشر تعلیم داده‌اند، هنوز دوران کودکی خود را سپری می‌کند و در عصر ظهور به بلوغ کامل خود می‌رسد. امام صادق (ع) فرمود:

دانش ۲۷ حرف (شعبه و شاخه) است، همه آنچه پیامبران آورده‌اند، دو حرف است؛ تا به امروز مردم جز با دو حرف آشنا نیستند هنگامی که قائم (ع) قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را بیرون آورد و در میان مردم منتشر نماید و بدین گونه مجموع ۲۷ جزء دانش را نشر می‌دهد.^۱

امام باقر (ع) می‌فرماید:

... مردم در زمان قائم از حکمت برخوردار می‌شوند تا آن جا که زن در خانه‌اش به کتاب خدا و سنت پیامبر داوری می‌کند.^۱

۲. رشد فناوری

روایات زیادی از پیشوایان معصوم رسیده که پیشرفت فناوری در جهان را ترسیم می‌کند.

امام صادق (ع) فرمود:

همانا وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند بر توان چشم و گوش شیعیان ما می‌افزاید؛ به گونه‌ای که میان آنان و قائم، پیکی نخواهد بود. او برای آنان سخن می‌گوید و آنها هر جا که هستند، سخنانش را می‌شنوند و به چهره‌اش می‌نگرند در حالی که او در جای خودش است.^۲

نیز، فرمود:

در زمان قائم، شخص مؤمن که در مشرق باشد، برادرش را در مغرب می‌بیند.^۳ در عصر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات، فهم این احادیث بسیار ساده است. ولی در دوران ائمه (ع) درک آن بسیار سخت بود و راویان حدیث تنها در پرتو ایمان راسخ به امام معصوم آنها را پذیرفته و برای نسل بعدی نقل کرده‌اند. گرچه مطمئن نیستیم که این صحنه‌های شگفت‌انگیز، در اثر پیشرفت سریع فناوری است یا در پرتو اعجاز امام (ع)، به هر حال، سیمای جهان در عصر موعود، این گونه خواهد بود.

۳. آبادانی جهان

از روایات استفاده می‌شود که در عصر ظهور، زمین در دو بعد مادی و معنوی آباد می‌شود. عمران معنوی آن به این است که توسعه و پیشرفت در خدمت بندگی و

۱. کتاب الغیبة، النعمانی، ص ۱۵۸.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

۳. همان.

پرستش خداوند قرار گیرد و همه او را بپرستند؛ و گرنه، توسعه مادی بدون معنویت، تنزل مردم است و تخریب زمین.

رسول خدا(ص) فرمود:

در دولت مهدی آبها زیاد شده، نهرها وسیع گشته، مواد خوراکی زمین چند برابر شده و گنجهایش خارج می شود.^۱

امام باقر(ع) درباره زیباسازی و سالم سازی شهرها در زمان ظهور فرمود:
 هنگامی که قائم قیام نماید... جاده‌های اصلی را توسعه می دهد؛ آنها را تا شصت زراع می رساند و هر پنجره‌ای که به سوی خیابان باشد مسدود می کند، هر بالکن، ناودان و فاضلابی را که به طرف خیابان قرار گرفته باشد، می بندد.^۲

رسول خدا(ص) فرمود:

وقتی مرا به آسمان هفتم عروج دادند و از آنجا به سدره المنتهی و از سدره المنتهی به حجاب‌های نور رسیدم، خدایم ندا داد: ای محمد! تو بنده منی و من پروردگار تو. پس فقط برای من فروتن باش و مرا پرستش کن... به تو و به امامان از ذریه علی، به بندگان و کنیزانم رحم می کنم و به قائم از شما، آباد می کنم زمینم را به تسیحیم و تهلیلیم و تقدیسم و تکبیرم و تمجیدم...^۳

امیرمؤمنان(ع) نیز فرمود:

یک خانم در میان عراق و شام گام می سپارد، هرگز قدمی جز بر روی سبزیجات نمی گذارد.^۴

نیز، فرمود:

۱. همان، ص ۴۷۲.

۲. کتاب الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۳.

۳. منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

۴. همان، ص ۴۷۴.

مهدی کارگزارانش را برای اجرای عدالت میان مردم، به سوی شهرها گسیل می‌دارد...، انسان (در آن دوره) یک چارک (از حیوانات) می‌کارد و هفت چارک برداشت می‌کند...، مردم به سوی عبادت و دیانت رو می‌آوردند...، بار میوه درختان زیاد می‌شود، برکات افزونی می‌گیرد، بدان نابود شده، نیکان می‌مانند و کسی که اهل بیت (ع) را دشمن بدارد باقی نمی‌ماند.^۱

۴. امنیت جهانی

در دولت مهدی (عج) امنیت پایدار و همه جانبه در سایه عدالت شکل می‌گیرد؛ و ترس و وحشت از دل بندگان رخت برمی‌بندد.^۲

امام باقر (ع) در این باره فرمود:

... پیرزن فرتوت از مشرق تا مغرب می‌رود بدون این که کسی او را آزار دهد.^۳

رسول خدا فرمود:

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از مهدی راضی و خشنود می‌شوند.^۴
وقتی زمامدار حکومت، نیازهای مردم از جمله امنیت (اصلی ترین نیاز بشریت) را تأمین نمایند، طبیعی است که همگان از حکومتش خشنود شوند.

پرسش

۱. کدام آیه بر وجود بشارت حکومت صالحان در کتب پیشین دلالت دارد؟

۱. همان.

۲. ر.ک. نور: آیه ۵۵.

۳. منتخب الاثر، ص ۳۰۸.

۴. الملاحم و الفتن، سید بن طاوس، ص ۶۴؛ منتخب الاثر، ص ۴۷۲.

۲. امام عصر (عج) چه برنامه‌هایی را به اجرا می‌گذارد؟
۳. حکومت جهانی امام عصر (عج) را در چهار محور ترسیم کنید.
۴. چرا مردم از حکومت امام زمان خشنود می‌شوند؟

درس چهاردهم:

پرسش و پاسخ‌هایی درباره امام عصر (عج) (۱)

تاکنون مطالب اساسی و مهمی درباره امام عصر (عج) بررسی شد. از این درس به بعد؛ به سؤال‌های مطرح درباره آن حضرت پاسخ داده می‌شود.

۱. با توجه به دلایل امامت بلافصل حضرت مهدی (عج) بعد از پدرش و با ملاحظه دلایل قطعی بر تولد و وجود ایشان در دوران حیات امام عسگری (ع)، اکنون قرن‌هاست که وی به عنوان امام غایب، بر روی زمین زندگی می‌کند و تا روزی که خدا بخواهد حیاتش تداوم دارد. سؤال این است که چگونه ممکن است فردی عمری چنین طولانی داشته باشد؟

پاسخ: «امکان» دو حالت دارد:

الف. امکان عقلی، یعنی پدیده‌ای از نظر عقل محال نباشد. به عنوان مثال، تناقض و هر چیزی که به تناقض منتهی شود، امکان عقلی ندارد، اما، طول عمر این‌گونه نیست؛ پس ممکن است.

ب. امکان علمی، یعنی امری که وقوعش از دیدگاه علمی ممکن باشد؛ هر چند هنوز عملی نشده باشد. به عنوان نمونه بیماری سرطان تاکنون معالجه نشده، اما از نظر علمی امکان دارد بشر در آینده به معالجه آن دست یابد. علم

هنوز نتوانسته فرمول طول عمر را کشف کند و عمر هشتاد ساله انسان را به هزار سال تبدیل کند، اما، هیچ‌کدام از دانشمندان مربوطه، وقوع چنین چیزی را از نظر علمی غیرممکن نمی‌دانند.

سؤال: موضوعی که دنیای علم با این همه تلاش و تجربه نتوانسته آن را عملی کند، چگونه از هزار سال پیش در مورد امام عصر (عج) اجرا شده و او از عمر طولانی برخوردار شده است؟

پاسخ: این اولین بار نیست که اسلام بر دانش بشری پیشی گرفته، مگر قوانین حیات بخش اسلام را که علم بشری به برخی از رازهای آن پی برده، قرن‌ها پیش پیامبر اسلام به بشریت ابلاغ نکرد؟ آیا قرآن از برخی رازهای علمی هستی قبل از دانش بشری پرده برداری ننمود.^۱

بنابراین، اگر طول عمر امام عصر (عج) را در محدوده قوانین طبیعی بررسی و مطالعه کنیم، باید بگوییم خداوند دانش دستیابی به طول عمر را به آن حضرت عنایت کرده؛ به گونه‌ای که با استفاده از عوامل طبیعی بتواند، از عمر طولانی برخوردار شود.

بررسی طول عمر از نظر قدرت الهی

با چشم‌پوشی از مطالب پیش، اعتقاد ما به وجود امام عصر (عج) با عمری طولانی، در مرتبه بعد از عقیده به قدرت خداوند و نبوت پیامبران و صدور معجزه به دست آنهاست. از این نگاه برای قدرتی که آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت کرد و سحر ساحران را در کام عصای موسی نابود نمود و مرده را به دم عیسی زنده گردانید و اصحاب کهف را قرن‌ها بدون

۱. ر.ک. بحث حول المهدی، شهید سید محمدباقر صدر، ۳۰-۱۹.

تغذیه، در خواب نگه داشت و پیامبر اسلام را شبانه از مسجد الحرام به مسجد الأقصى برد و...، نگه داشتن انسانی هزاران سال با نشاط جوانی، به جهت حکمت تداوم حجت بر روی زمین و غلبه حق بر باطل، سهل و آسان است.

دیر زمانی نیست که قبر شیخ صدوق در ری باز شد و بدن تازه او نمایان گشت^۱ و روشن شد که قانون طبیعت در مورد پیکر او اجرا نشده و جسمش فاسد نشده است. اگر عمومیت قانون طبیعت در مورد شخصی که به دعای امام زمان(ع) به دنیا آمده، استثنا بخورد، استثنای آن در مورد آخرین خلیفه خدا تعجب ندارد.^۲

در قرآن کریم نیز به آیاتی بر می‌خوریم که نه تنها از امکان طولانی شدن عمر، بلکه از وقوع آن خبر می‌دهد. درباره حضرت یونس آمده است:

«و اگر او از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند.»^۳

آیه شریفه بیان‌گر این است که در صورت تسبیح نکردن یونس، عمر وی و آن ماهی که او را در شکم داشت، تا روز قیامت طول می‌کشید.

و درباره نوح(ع) فرمود:

«او در میان قومش یک هزار سال، مگر پنجاه سال درنگ کرد.»^۴

با احتساب مجموع عمر آن حضرت قبل از بعثت و پس از وقوع

۱. ر.ک. منتخب التواریخ در زندگانی چهارده معصوم(ع)، محمد هاشم بن محمد علی خراسانی، ص ۷۷۵.

۲. ر.ک. توضیح المسائل، آیه الله وحید خراسانی، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۳. صافات: آیه ۳۷.

۴. عنکبوت: آیه ۱۴.

طوفان، مطمئناً نوح(ع) از عمر درازی برخوردار شده است.^۱

۲. آیا وجود حضرت مهدی(عج) یک واقعیت فرضی است که به دلایل

فلسفی امامت، اثبات شده یا یک واقعیت حقیقی و محسوس؟

پاسخ: اولاً، وجود خداوند هم با دلایل عقلی و فلسفی اثبات می‌شود؛ آیا

خداوند یک واقعیت فرضی است یا حقیقی؟! ثانیاً، به دو دلیل نقلی و حسی،

حضرت مهدی(عج) هم اکنون وجود حقیقی محسوس دارد:

الف. دلیل نقلی: صدها روایت فوق تواتر از پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) است

که شیعه و سنی آنها را نقل کرده‌اند و از وجود مهدی(عج) به عنوان

آخرین خلیفهٔ پروردگار و غیبتش، خبر داده‌اند. اخباری که دلالت دارد بر

این‌که مهدی از فرزندان فاطمه(ع) و از نسل حسین بن علی(ع) است؛

احادیثی که مفاد آنها، خلافت دوازده نفر است^۲ و این مضمون حتی

در کتاب‌های معتبر و مشهور اهل سنت مانند صحیح بخاری، صحیح مسلم،

مسند احمد حنبل و غیره نیز آمده است. پیش‌تر گفتیم بخاری که

حدیث «خلفای اثنی عشر» را در صحیحش آورده، خود معاصر امام جواد و

امام هادی علیهما السلام بود و این بهترین قرینه و شاهد است که حدیث

مزبور پیش از آن‌که فکر و عقیدهٔ دوازده امامی فعلیت خارجی پیدا کند،

از رسول خدا(ص) صادر شده است. بنابراین، کسی نمی‌تواند مدعی

۱. از مجموع آنچه گفته شد می‌توانیم به یک فرمول کلی برسیم که هر جا نگهداری حجت الهی در

زمین، متوقف بر تعطیل یک قانون طبیعی باشد و ادامهٔ حیات آن حجت برای انجام وظایفش

ضروری باشد، با عنایت الهی قوانین طبیعی برای تحقق این هدف تعطیل می‌شود؛ و هر جا

شخصی، وظایفش را انجام داده و رسالت الهی اش را به پایان رسانده، محکوم قوانین طبیعی

شده، به مرگ یا شهادت از دنیا می‌رود.

شود که احادیث «خلفای اثنی عشر» جعل و واکنش اعتقادی دوازده امامی هاست.

اگر با وجود انبوه احادیث نبوی و روایات اهل بیت - مبنی بر این که مهدی دوازدهمین خلیفه پیامبر است و غیبتی طولانی خواهد داشت - وجود آن حضرت اثبات نشود، دیگر هیچ مسئله دینی قابل اثبات نخواهد بود؛ زیرا در مورد هیچ موضوع دینی، این همه روایت نداریم.

ب. **دلیل حسی:** تجربه شیعه طی دوران غیبت صغری است. شیعیان در این دوره توسط سفیران^۱ چهارگانه با امام عصر (ع) ارتباط داشتند. این ارتباط به شکلی بود که وجود امام غایب (عج) را به روشی حسی برای آنان اثبات می‌کرد؛ زیرا آنان جواب نامه‌های خود را به خط آن حضرت از طریق سفیران دریافت می‌کردند و اموال و وجوه شرعی را نزد وکلای آن حضرت می‌بردند و در مواردی قبض رسید را به خط امام (ع) دریافت می‌کردند.^۲ در مواردی نیز پیام شفاهی حضرت مهدی (عج) که در بردارنده خبری غیبی بود،^۳ به وسیله سفیران به افراد خاصی ابلاغ می‌شد. نکته قابل توجه این است که تمام نامه‌هایی که به وسیله یکایک این چهار نفر از امام (ع) به دست مردم می‌رسید، دست خط همانند داشت و از نظر شیوه انشا یکسان بود.

۱. به ترتیب عبارتند از: عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان، حسین بن روح، ابوالحسن علی بن محمد سمري.

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱ - ۲، ص ۴۸۶.

۳. اسحاق بن یعقوب می‌گوید: از محمد بن عثمان عمری شنیدم که می‌گفت: مردی از اهل عراق، مقداری وجوهات به من داد که برای آن حضرت بفرستم. امام آن مال را برگرداند و فرمود: به او بگو چهارصد درهمی را که حق پسر عموهایت است ادا کن. مرد عراقی از این سخن متحیر و شگفت زده شد و در بررسی اموالش متوجه شد که از حقوق پسر عموهایش چهارصد درهم پرداخته نشده است (ر. ک. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۴۸۶).

آیا چهار نفری که در نهایت ورع و تقوا و مورد قبول بزرگان شیعه بودند، هفتاد سال به مردم دروغ گفتند؟ آیا اگر چنین جریانی واقعیت نداشت، در طی این مدت بر مردم کشف نمی شد؟^۱

علاوه بر آنچه گفته شد، تشرّف افراد زیادی از مخلصان و عالمان شیعه به خدمت آن حضرت در دوران غیبت کبری،^۲ همچنان به عنوان یک دلیل حسی، وجود مستمر او را به اثبات می رساند.

چنان که توسل افراد به آن حضرت و رفع گرفتاری ها به دنبال آن،^۳ از دلایل تجربی وجود امام عصر (عج) در پشت پرده غیبت است.

شیخ طوسی در این باره فرمود: ظهور معجزاتی که دلالت بر صحت امامت او در زمان غیبت دارد، بیشتر از آن است که بتوان شمرد.^۴ اگر عدد معجزات تا زمان شیخ - که در سال ۴۶۰ ه. ق. رحلت کرده است - بیش از حدّ شمارش باشد، تا زمان ما چه اندازه خواهد بود؟

۳. با آن که امام عصر (عج) در دوران غیبت یک زندگی خصوصی دارد نه زندگانی اجتماعی به عنوان امام و پیشوا، امت اسلامی از وجود ایشان چه بهره ای می برند؟

پاسخ: از روایات بر می آید که قبل از تولد حضرت مهدی (ع) هنگامی که رسول خدا (ص) یا امامان پاک (ع) درباره غیبت ایشان سخن می گفتند، با این سؤال روبرو بودند به عنوان نمونه:

۱. ر. ک. بحث حول المهدی، ص ۶۳-۷۲.

۲. ر. ک. نجم الثاقب یا مهدی موعود، حاج میرزا حسین نوری، باب هفتم.

۳. ر. ک. همان، حکایت چهل و نهم. به عنوان نمونه، توسل محمد بن عیسی بحرینی و راهنمایی امام عصر و رفع گرفتاری شیعیان بحرین.

۴. کتاب الغیبة، ص ۱۷۰.

جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر(ص) پرسید: آیا شیعیان از وجود امام در غیبتش بهره‌مند می‌شوند؟ آن حضرت فرمود:

آری، سوگند به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخته، مردم در زمان غیبتش، از او بهره‌مند گشته و به نور ولایت و رهبری‌اش راهنمایی می‌شوند؛ همان‌گونه که از خورشید، هنگام قرار گرفتن پشت ابرها بهره‌مند می‌گردند.^۱

نور آفتاب مهم‌ترین نقش را در حیات موجودات زنده ایفا می‌کند. رشد و نمو موجودات، حس و حرکت و جنبش، زنده شدن زمین‌های مرده و... همه و همه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به نور آفتاب بستگی دارد، ولی این برکات و آثار حیات‌بخش، مخصوص زمانی نیست که نور به طور مستقیم می‌تابد، بلکه بسیاری از این آثار در نور مات خورشید نیز وجود دارد و در مواقع ابری تنها قسمتی از آن آثار که نیاز به تابش مستقیم دارد، قطع می‌شود. مهدی(ع) نیز، همچون آفتابی است که ابر غیبت نمی‌تواند مانع تأثیر اشعه و وجود او در قلوب پاکیزه شود؛ چنان‌که اشعه خورشید گوهرهای نفیس و گران‌قیمت را در اعماق زمین می‌پروراند و حجاب ضخیم سنگ و خاک مانع استفاده آنها از آفتاب نمی‌شود. علاوه بر آن، صرف معرفت به امامت حضرت مهدی(عج) و اقرار به وجود او، به عنوان خلیفه خدا بر روی زمین، منفعت و فایده است و لزومی ندارد که حتماً مورد مشاهده هم قرار گیرد. چنان‌که در زمان رسول خدا(ص) هم برخی مانند اویس قرنی بدون این که پیامبر را ببینند، به وجود و نبوت آن حضرت ایمان و اعتراف داشتند و از ایمانشان بهره جستند.^۲ این خود نوعی استفاده از ولایت آن حضرت در زمان غیبت است که در حدیث جابر به آن اشاره شده است.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.

۲. ر.ک. سفینه البحار، محدث قمی، ج ۱، ماده اویس.

پرسش

۱. امکان عقلی و علمی را تعریف کنید.
۲. طول عمر امام مهدی (ع) را از دیدگاه قدرت الهی توجیه کنید.
۳. به چه دلایلی حضرت مهدی (ع) وجود حقیقی و محسوس دارد؟
۴. امت اسلامی چه بهره‌ای از امام غائب می‌برند؟

درس پانزدهم:

پرسش و پاسخهایی درباره امام عصر (عج) (۲)

۱. غیبت امام عصر (ع) خفای شخصی است یا خفای عنوانی؟

خفای شخصی دیده نشدن و خفای عنوانی ناشناس بودن است. بنابر احتمال اول، امام عصر (ع) در مکانی هست اما به اعجاز الهی آن مکان به چشم مردم، دیده نمی‌شود. این اعجاز، یا تصرف در بیننده است، به گونه‌ای که نتواند امام (ع) را در کنار خودش ببیند؛ و یا تصرف در مرئی است، به گونه‌ای که قوانین انعکاس نور که موجب رؤیت هر جسمی می‌شود، در مورد امام (ع) با اعجاز، به هم می‌خورد. مگر مصلحت در مشاهده باشد و امام (ع) بخواهد برای شخص خاصی دیده شود که استثنائاً به اندازه مصلحت، رؤیت فیزیکی برای آن شخص تحقق می‌پذیرد؛ اما اصل اولی و دائمی بنابر نظریه خفای شخصی، بر عدم رؤیت جسم آن حضرت است.

غیبت جسم از انظار، در تاریخ معجزات انبیاء و اولیاء، بی سابقه نیست. برخی آیات قرآن دلالت دارد که خداوند پیامبرش را هنگامی که قرائت قرآن می‌نمود، از دید کافران - سی مثل ابوسفیان، نصر بن حرث، ابوجهل و ام‌جمیل زن ابولهب - که قصد آزار او را داشتند، می‌پوشاند و آنان از کنار او می‌گذشتند، اما او را نمی‌دیدند.^۱

۱. ر. ک. مجمع البیان، شیخ ابی علی فضل بن حسن طبرسی، در تفسیر آیه ۴۵ سوره اسراء.

ظاهر برخی روایات، بر خفای شخصی امام عصر (عج) دلالت دارد. عبید بن زراره می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود:

(روزی می‌رسد که) مردم از داشتن امام قابل دسترس، محروم می‌شوند. او در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بینند، ولی آنان او را نمی‌بینند.^۱ طبق این احتمال، با خفای شخصی هیچ ستمگری نمی‌تواند به امام (ع) دسترسی پیدا کند و تا روز ظهور، جانش از این راه محفوظ می‌ماند.

بنابر احتمال دوم، مردم امام (ع) را می‌بینند اما او را نمی‌شناسد. و زندگی امام بر روال طبیعی و روند عادی استوار است و نیازی به خروج از حالت معمول و استفاده از امور غیرطبیعی نیست و قبل از ظهور نیز، حفظ جانش با خفای عنوانی تحقق می‌پذیرد. از این رو قادر است به شهرهای مختلفی سفر کند، بدون این که کسی او را بشناسد.

این احتمال را می‌توان با روایاتی اثبات کرد:

سفیر دوم محمد بن عثمان فرمود:

والله إنَّ صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كلَّ سنة يري الناس و يعرفهم ويرونه ولا يعرفونه^۲؛ سوگند به خدا، همانا صاحب این امر، هر سال در موسم حج حضور پیدا می‌کند؛ پس مردم را می‌بینند و می‌شناسد و مردم او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.

این سخن، از سفیر دوم است اما پیداست که وی بیشترین اطلاع را از وضعیت امام (ع) داشته و با قسم جلاله آن را بیان فرموده است.

نیز، سفیر اول در پاسخ پرسش عبدالله بن جعفر حمیری از اسم آن حضرت، فرمود:

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱-۲، ص ۳۴۶.

۲. همان، ص ۴۴۰.

و اذا وقع الاسم وقع الطلب^۱؛ وقتی اسم او به میان آید، جستجو از او پیش می آید.

اگر امام(ع) خفای شخصی داشته باشد، دانستن و بردن نام آن حضرت، خطری ایجاد نمی کند و ظالمان به او دسترسی نخواهند داشت؛ اما در صورتی که خفای عنوان باشد، بردن اسم مهدی(عج) برای او ایجاد خطر می کند.^۲ به نظر می رسد این دو احتمال و دو تعبیر، یکدیگر را نقض می کنند، اما باید توجه داشت که «یری ولایری» دو نوع کاربرد دارند: هم به معنای ظاهری یعنی دیدن و ندیدن با چشم سر به کار می روند و هم به معنای مجازی یعنی شناختن و بی توجهی به چیزی.

بی توجهی به یک چیز، در حکم ندیدن آن است. به عنوان مثال، در آیه «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَتَرَاهُ قَرِيباً»^۳ منظور، رؤیت با چشم سر نیست، بلکه به معنای پندار و باور، به کار رفته است.

برای دستیابی به نحوه استعمال ماده «رؤیت» باید قراین کلامی و شواهد دیگر مد نظر قرار گیرد.

شواهد و قراین بر خفای عنوانی

شواهد دلالت دارد که منظور از عدم رؤیت حضرت در دوره غیبت، خفای عنوانی است نه شخصی و آنها عبارتند از:

۱. سنت الهی بر این است که امور عالم طبیعی، روند عادی داشته باشد و استفاده از معجزه فقط در مواردی است که اثبات حق و منصبی مانند نبوت یا

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۰.

۲. به ویژه، در آغاز غیبت صغری که دستگاه حاکمه در پی دستیابی به فرزند امام عسگری(ع) بود.

۳. معارج: آیات ۶-۷؛ آنان وقوع قیامت را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم.

امامت، متوقف بر آن باشد. در غیر این صورت استفاده از اعجاز، دلیلی ندارد و حفظ جان حضرت از خطر، به خفای عنوان هم میسر است و متوقف بر خفای شخصی نیست.

۲. سدید صیرفی می‌گوید: امام صادق (ع) فرمود:

همانا در صاحب این امر شباهتی به یوسف هست... برادران یوسف فرزندان پیامبر بودند، با یوسف معامله کرده، با او هم صحبت شدند. آنان برادر او و وی برادر آنان بود؛ اما او را نشناختند تا خودش گفت: من یوسفم و این (بنیامین) برادرم هست. پس، این امت ملعون چرا انکار می‌کنند که خداوند با حجت خودش همانی را انجام دهد که با یوسف انجام داد...^۱

مفاد این روایت، خفای عنوانی امام مهدی (ع) در دوران غیبت است.

۳. کلام محمد بن عثمان صراحت دارد که مردم او را می‌بینند و نمی‌شناسند.

۴. واژه «غیبت» که در روایات به کار رفته است، به معنای پنهان بودن است و با ناشناس بودن هماهنگی بیشتری دارد تا با دیده نشدن و نامرئی بودن جسم آن حضرت.

نتیجه: با توجه به قراین و شواهد یاد شده، معنای «لا یرونه» در روایات دسته اول، در معنای مجازی، یعنی ناشناس بودن به کار رفته است. براین اساس، حضرت در زمان غیبت، به طور عادی و طبیعی با خفای عنوان زندگی می‌کند؛ مگر در موارد خاصی که مصلحت در استفاده از قدرت اعجاز، به صورت خفای شخصی باشد که حالت استثنائی دارد.^۲

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

۲. ر.ک. تاریخ الغیبة الکبری، سید محمدصدر، ج ۲، ص ۳۱-۴۲.

و محتمل است که اختفای آن حضرت، به هر دو نوع باشد. والله العالم.

۲. آیا امام زمان (عج) در سرداب سامرا زندگی می کند و از آنجا ظهور خواهد کرد؟ پاسخ: در کشور عراق برای محفوظ ماندن از شدت گرما، سرداب می ساختند. امام هادی (ع) نیز در سامرا چنین سردابی داشته که پس از ایشان به امام حسن عسگری (ع) به ارث رسید. اما کسی از شیعه نمی گوید که ایشان در زمان غیبت، در آن سرداب زندگی می کند یا از آنجا ظهور خواهد کرد. از محل زندگی ایشان کسی مطلع نیست و محل ظهورش نیز طبق روایات شهر مکه از کنار خانه خدا خواهد بود.

ولی از آن جا که این سرداب محل عبادت سه تن از ائمه بوده، شرف خاصی برای شیعیان دارد. چنانچه خداوند متعال فرمود:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا أَسْمُهُ (نور: ۳۶)؛ در خانه هایی که

خداوند اذن داده که رفعت یابد و نام خدا در آنجا برده شود.»^۱

۳. چرا امام عصر (عج) برای برخی از شیعیانش ظاهر نمی شود تا اختلاف بین آنان را با بیان حق، رفع کند؟

پاسخ: خداوند از نظر رحمت و قدرت رفع اختلاف، بالاتر از آن حضرت است؛ پس چرا او کاری نمی کند که اختلاف بین امت ها برداشته شود، در حالی که او «أرحم الراحمین» و «اکرم الأکرمین» است. اگر چنین نمی کند مگر برای این که عدالت و حکمتش مقتضی آن نیست؛ پس خلیفه او نیز همان عذر را دارد.^۲

۴. چگونه امام عصر (عج) با شمشیر بر سلاح های پیشرفته پیروز می شود؟

پاسخ: اگر از بُعد معجزه و یاری الهی بنگریم، همان گونه که خداوند با یک قطعه چوب (عصا) موسی و هارون علیهما السلام را بر لشکر فرعون پیروز

۱. ر. ک. الغدير، علامه امینی، ج ۳، ص ۳۰۸-۳۰۹.

۲. ر. ک. کشف المحجبة لثمره المهجبة، سید بن طاوس، ص ۱۵۱.

گردانید و پیامبر اسلام(ص) را با گروه‌های هزار نفری^۱، سه هزار نفری^۲ و پنج هزار نفری^۳ از فرشتگان در جنگ‌های بدر، حنین و غیره یاری کرد و در مواردی با ایجاد رعب و وحشت^۴ در دل دشمنان، پیامبر(ص) را نصرت داد، تواناست که حجت خود را با شمشیر بر همه قدرت‌های مادی پیروز گرداند. امام صادق(ع) فرمود:

«یکون معه عصا موسی و خاتم سلیمان علیهما السلام^۵؛ عصای موسی و

انگشتری سلیمان علیهما السلام با او - مهدی(عج) - خواهد بود.»

امام باقر(ع) فرمود: «رعب و وحشت پیشاپیش مهدی در حرکت است^۶...»
فرو رفتن لشکر سفیانی در زمین در حال تعقیب حضرت مهدی(ع)، که از علائم حتمی ظهور شمرده شده، نوعی یاری رساندن خداوند به آن حضرت، از طریق غیرعادی است.

در قرآن کریم آمده است:

«كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ (بقره: ۲۴۹)؛ چه بسیار گروه

اندکی که به اذن خدا بر گروه زیاد چیره و پیروز می‌شوند.»

و اگر از بُعد اسباب طبیعی پاسخ دهیم می‌توان گفت که تمام کارخانه‌های تولید اسلحه و مهمات، وسایل حمل و نقل زمینی و هوایی و ناوهای جنگی از فرآورده‌های نفتی استفاده می‌کنند تا مورد بهره‌برداری قرار گیرند. پس اگر همان‌گونه که خداوند کافران را به فرو نشستن آب دریاها و رودخانه‌ها و چاه‌ها، تهدید نموده و فرموده است:

۱. انفال: آیه ۹.

۲ و ۵. آل عمران: آیات ۱۲۴ - ۱۲۵.

۴. ر. ک. احزاب: آیه ۲۶ و حشر: آیه ۲.

۵. منتخب الأثر، ص ۲۲۱.

۶. کتاب الغیبة، نعمانی، ص ۱۵۵.

«قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ (ملک: ۳۰)؛

(پیامبر) بگو: به من خبر دهید که اگر آب‌های شما در زمین فرو رود، چه

کسی می‌تواند آب جاری و گوارا در دسترس شما قرار دهد؟»

اگر چاه‌های نفت فرو نشیند و ذخایر آن ته نشین گردد و باگذشت زمان یا بر اثر جنگ جهانی قبل از ظهور، دسترسی به آنها ناممکن شود، دیگر هیچ اسلحه جنگی، قابل استفاده و راه‌اندازی نخواهد بود. حتی، ممکن است برق مؤسسه‌ها و منازل قطع شود؛ زیرا واحدهای تولیدکننده برق، با نبود سوخت از کار می‌افتند و فرستنده‌های رادیو و تلویزیونی نیز به خاطر نبودن نیروی برق، تعطیل خواهند شد. بر این اساس، اگر جنگی به وقوع پیوندد، ناگزیر از همان نیزه و شمشیر استفاده می‌شود. بهره‌برداری از انرژی خورشیدی به عنوان جایگزین مواد نفتی نیز معلوم نیست، چه زمانی به تحقق برسد و آیا در تسلیحات نظامی هم، می‌شود از آن بهره برد؟ این، در صورتی است که بر اثر جنگ‌های جهانی تمدن کنونی از بین نرود.

ممکن است آن حضرت سلاح برتری با خود بیاورد. در این صورت شمشیری که در روایات آمده، تعبیر سمبولیک بوده، کنایه از قدرت نظامی است.

پرسش

۱. منظور از خفای شخصی و خفای عنوانی چیست؟

۲. چه روایاتی بر خفای عنوانی دلالت دارند؟

۳. شواهد خفای عنوانی در دوره غیبت چه می‌باشد؟

۴. رؤیت به چند معنا آمده است؟

۵. آیا شرافت سرداب سامرا برای شیعیان، دلالت بر تحقق ظهور از آنجا دارد؟

۶. چگونگی پیروزی امام عصر(ع) را بر سلاح‌های پیشرفته توضیح دهید.

درس شانزدهم:

پرسش و پاسخ‌هایی درباره امام عصر (عج)

۱. حکمت مشارکت حضرت مسیح (ع) در حکومت جهانی امام عصر (عج) چیست؟

پاسخ: از آنجا که پیروان دین مسیح در جهان بسیارند، ممکن است با فرود آمدن عیسی بن مریم (ع) و بیعتش با امام عصر (عج)، به عنوان خلیفه خداوند، جهان مسیحیت بدون خون‌ریزی تسلیم رهبری آن حضرت شود؛ و همین مطلب یکی از علل پیروزی سریع امام مهدی (عج) بر قدرت‌های جهانی باشد. در ضمن حضرت عیسی (ع) از کارگزاران امام عصر (عج) در حکومت عدل جهانی خواهد بود؛ چنان که امیر مؤمنان (ع) فرمود:

... آن‌گاه مهدی (عج) عیسی را به جانشینی خود، در عملیات تهاجمی

علیه دجال بر می‌گزیند.^۱

۲. امامان اهل بیت (ع) خواندن چه دعاهایی را در دوره غیبت سفارش کرده‌اند؟
پاسخ: زراره می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: فدایت شوم، اگر زمانی غیبت را درک نمودم، چه کنم؟ فرمود: ای زراره، اگر آن زمان را درک کردی، این دعا را بخوان:

۱. ر.ک. نشانه‌هایی از دولت موعود، ص ۱۱۵-۱۱۶.

اللهم عرّفني نفسك فانك إن لم تعرّفني نفسك لم أعرف نبيك، اللهم
 عرّفني رسولك فانك إن لم تعرّفني رسولك لم أعرف حجّتك، اللهم
 عرّفني حجّتك فانك إن لم تعرّفني حجّتك ضللت عن ديني^۱؛

خداوندا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی،
 پیامبرت را نخواهم شناخت. پروردگارا! فرستاده‌ات را به من بشناسان؛
 چون اگر او را به من معرفی نکنی، حجت تو را نخواهم شناخت. بارالها!
 حجت (امام وقت) خود را به من معرفی کن. چرا که اگر او را به من
 نشناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

در روایتی دیگر امام صادق (ع) خواندن دعای عهد را سفارش کرده،
 می‌فرماید:

اگر کسی چهل صباح این عهد را بخواند، از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش
 از ظهور آن حضرت بمیرد، خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آن
 حضرت باشد...^۲

۳. امام عصر (عج) از ما چه انتظاری دارند؟

پاسخ: یکی از یادگارهای امام عصر (عج)، دعای معروف «اللهم ارزقنا توفيق
 الطاعة» است. در این دعای کوتاه، امام (ع) غیرمستقیم به ما فهمانده‌اند که چه
 انتظاری از ما دارند و چگونه شیعه‌ای را می‌پسندند. با هم این دعا را مرور
 می‌کنیم:

بار خدایا، توفیق فرمان‌برداری و دوری از گناهان و درستی و پاکی نیت و
 شناخت حرام‌ها را روزی ما فرما. ما را به راهنمایی و پایداری گرامی بدار.
 زبان ما را در درست‌گویی و گفتار حکیمانه استوار ساز و دل ما را از دانش

۱. منتخب الأثر، ص ۵۰۱.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۵۳۹.

و معرفت سرشار کن. درون ما را از حرام و مال شبهه‌ناک پاکیزه گردان و دست ما را از ستم‌گری و دزدی بازدار. چشم ما را بر فجور و خیانت پیوشان و گوش ما را از شنیدن سخن بیهوده و غیبت باز دار...^۱

در ادامه دعا، صفات و ویژگی‌های شایسته عالمان، دانش‌پژوهان، پیران، جوانان، زنان، توانگران، تنگ‌دستان، جنگجویان، حکمرانان و... را بر می‌شمارند و از خداوند می‌خواهند که به هر یک از این گروه‌ها و اصناف، صفات و ویژگی‌هایی را که شایسته آنهاست، عطا فرماید.

مؤلف منتخب الأثر، به نقل از کتاب مکیال المکارم برخی وظایف بندگان در برابر امام عصر (عج) را چنین بر می‌شمرد:

شناختن صفات و ویژگی‌های آن حضرت و آشنایی با علائم حتمی ظهورش؛ هنگام بردن نام او، ادب را رعایت کرده، وی را با القاب «حجت، قائم، مهدی، صاحب الزمان، صاحب الأمر» نام ببرد و اسم مبارکش را که همان پیامبر (ص) است نبرد؛ دوست داشتن او و ترغیب مردم به دوستی وی؛ انتظار فرج و ظهورش؛ اظهار اشتیاق ملاقات با او؛ یادآوری فضایلش و اندوهناک بودن و گریستن در فراق ایشان؛ حاضر شدن در مجالسی که فضایلش یاد می‌شود؛ به نیابت از امام عصر (عج) و نیز، به نیت سلامتی ایشان صدقه دادن؛ انجام عمره و طواف به نیابت از ایشان؛ زیارت مشاهد مشرفه پیامبر و امامان به نیابت از ایشان؛ تجدید بیعت با او پس از هر نماز واجب یا در هر روز جمعه؛ دلجویی از شیعیان و دوستاران ایشان با اعطای هدیه؛ زیارت کردن او به توجه کردن و سلام بر او؛ متوسل شدن و طلب شفاعت از وی نزد خداوند؛ او را به فریادرسی فراخواندن؛ بزرگداشت کسانی

که جسم یا روحشان به او منسوب است، مانند سادات، علما و مؤمنان؛ بزرگداشت مکان‌هایی که به ایشان منسوب است، مانند مسجد سهله و مسجد بزرگ کوفه و...؛ برای ظهورش وقت تعیین نکردن و تکذیب کسانی که برای ظهور، وقت مشخص می‌کنند؛ تکذیب افرادی که در دوره غیبت کبری ادعای نیابت خاصه از حضرت داشته باشند؛ در اعمال و اخلاق به ایشان اقتدا کردن؛ زیارت قبر سید الشهداء (ع) که صله امام زمان (عج) است^۱ و....

۴. آیا کسی می‌تواند ادعا کند که به اختیار خود هر وقت بخواهد با امام عصر (عج) ملاقات می‌کند؟

پاسخ: در دوره غیبت کبری، کسی نمی‌تواند چنین ادعایی بکند و جمله «من ادعی المشاهدة فهو كذاب مفتر»، در توفیق علی بن محمد سمری، به همین اشاره دارد که هر کس ادعای مشاهده اختیاری بکند، دروغگو و افترازننده است. آری امام عصر (عج) به هر کس مصلحت بداند، ملاقات می‌دهد یا خود به دیدار او می‌رود و کسانی هم که چنین توفیقی نصیبشان شده است، ادعایی در این باره نداشته‌اند.

۵. توجه به امام عصر (عج) چه نقشی دارد و چه نیازی را از انسان، می‌تواند پاسخ دهد؟

پاسخ: مهم‌ترین نیاز انسان آرامش و امنیت است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ هُمُ الْأَمْنُ» (انعام: ۸۲)؛ آنان که

ایمان آورده و ایمانشان را با ستم آلوده نکنند، برای آنان امنیت است.»

و در آیه دیگر فرمود:

«إِنَّ الشُّرَكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان: ۱۳)؛ همانا شرک (به خداوند) ستم بزرگی است.»

برای تطهیر از شرک (اصغر و اکبر) تنها یک راه وجود دارد و آن دریافت توحید از راه ولایت است؛ زیرا غیر از ولی خدا، هیچ کس نمیتواند پاک کننده از شرک باشد. آیه تطهیر در شأن «اهل بیت (ع)» فرود آمده است؛ و آنان مطهرند و مطهر می‌تواند مطهر هم باشد. توجه و انس با آنان، قرار گرفتن در دایره مغناطیس وجودی ایشان، آرام آرام آلودگی‌ها را از انسان می‌زداید. هر چه تطهیر انسان بیشتر شود امنیت و آرامش انسان زیادتر می‌گردد و آن ولی مطهر در عصر ما امام زمان (عج) است. انسان هر کسی را که دوست داشته باشد، دائم به یاد او است و یاد امام زمان، نورانیت دل می‌آورد و غفلت را که آفت بزرگ تکامل است، می‌زداید. خلاصه، یاد امام عصر (عج)، نه تنها یک وظیفه، بلکه آرام بخش، نشاط آور، سازنده و وسیله تقرب به خداوند است.

از ناحیه مقدسه، ضمن جواب سؤال‌های محمد حمیری، دستور آمده بود که هرگاه خواستید به وسیله ما به خداوند توجه کنید، زیارت آل یاسین بخوانید.^۱

۶. امام عصر (عج) در غیبت کبری به چه کارهایی مشغولند و چه مسئولیتهایی برعهده دارند؟

پاسخ: گرچه آن حضرت حکومت ظاهری ندارند، عمر طولانی ایشان در اطاعت خدا می‌گذرد؛ پس، ضمن ادای وظایف فردی، تکالیف اجتماعی را به مقدار مصلحت انجام می‌دهند؛ همانند هدایت افراد، تصرف در دلها، یاری

دادن مؤمنان بر مخالفان در بحث و احتجاج، شفای بیماران، هدایت گم‌شدگان، فریادرسی گرفتاران و...

از نشانه‌های تصرف آن حضرت در دلها و یاری مؤمنان، همانا بقای سازمان و تشکیلات مرجعیت و روحانیت شیعه است که با وجود همه هزینه‌هایی که مخالفان برای خاموش کردن آن صرف می‌کنند و شبهاتی که ایجاد می‌نمایند - مثل اسلام منهای روحانیت، قرائت‌های نواز دین و... - همچنان پابرجاست. در این دوره، روحانیت توانسته پرچم حکومت شیعی را برافرازد.

آیا پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی با وجود انبوه شیظنتهای داخلی و خارجی، جز با یاری آن حضرت ممکن است؟ بر همه کسانی که در انتظار ظهور آن حضرت هستند، فرض است که در حفظ و بالندگی این حکومت تلاش کنند تا آن رابه دست امام عصر (ع) بسپارند.^۱

ضمن آنکه امام عصر (عج) واسطه فیض حق تعالی به بندگان و حجت خدا بر زمین است و این از مهمترین شئون و مسئولیتهای آن حضرت است.
۷. از دیدگاه امامان پاک (ع)، بزرگ‌ترین خطر برای مؤمنان در دوره غیبت چیست؟

پاسخ: امام صادق (ع) بزرگ‌ترین خطر این دوره را پیدایش شک و تردید، در وجود امام غائب (عج)، و آزمایش مؤمنان می‌داند. سدید صیرفی می‌گوید: من و مفضل و ابوبصیر و ابان، بر امام صادق (ع) وارد شدیم، دیدیم روی خاک نشسته و مانند زن جوان مُرده گریه می‌کند و حزن و اندوه از چهره‌اش نمایان است، در حالی که می‌فرماید:

آقای من! غیبت تو خوابم را ربوده، بسترم را بر من تنگ کرده، آرامش قلبی‌ام را گرفته و مصیبتم را ابدی کرده است. جز این مصیبت بزرگ (غیبت تو) که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه مصائب بزرگ‌تر، جانگدازتر، سخت‌تر و ناآشنا تر است، چیزی احساس نمی‌کنم؛ نه اشکی را که از دیدگانم روان است و نه ناله‌ای را که از سینه‌ام بر می‌خیزد.

سدیر می‌گوید: با دیدن این منظره، عقل از سرِ ما پرید و گمان کردیم حادثه‌ای برای آن حضرت پیش آمده است. عرض کردیم: ای پسرِ بهترین آفریدگان! خداوند چشمانت را نگریاند، چه حادثه‌ای پیش آمده که اشک شما روان است؟

حضرت نفس عمیقی کشید و فرمود:

امروز صبح در کتاب جفر می‌نگریستم، کتابی که شامل بر حوادث گذشته و آینده تا روز قیامت است و خداوند آن را به محمد (ص) و امامان بعد از او اختصاص داده است. در آن، به اخبار قائم (عج) برخوردم و درباره غیبت و طول عمر او و آزمایش مؤمنان به فکر فرو رفتم که چگونه طول غیبتش موجب شک و تردید آنان و ارتداد عده زیادی می‌شود، از این رو، غم و اندوه بر من غلبه کرد و متأثر شدم...^۱

آری، از دست رفتن یقین و باورهای دینی مؤمنان، آن قدر مهم است که حجت خدا را به گریه انداخت. پس باید در حفظ و تقویت ایمان خود، بکوشیم.

پرسش

۱. حضرت عیسی (ع) با چه انگیزه‌ای در حکومت جهانی امام زمان (ع) مشارکت می‌کند؟

۲. انتظار امام عصر (عج) از ما چیست؟
۳. چه وظایفی در برابر امام زمان (ع) داریم؟
۴. آیا ادعای ملاقات اختیاری با امام عصر (عج)، پذیرفتنی است؟
۵. چرا باید به امام عصر (عج) توجه داشته باشیم؟
۶. مهم‌ترین خطر برای مؤمنان، در دوران غیبت، چیست؟

فهرست منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، پارسایان، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- امامت و رهبری، مرتضی مطهری، صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۴.
- امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۶۵.
- الامام المهدي عند اهل السنة، مهدي فقيه ايماني، مكتبة أمير المؤمنين (ع)، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ه.ق.
- آفتاب ولایت، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- آموزش عقاید، استاد محمدتقی مصباح یزدی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
- الاصول من الكافي، محمد بن يعقوب كليني، دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ه.ق.
- الارشاد، الشيخ المفيد، ترجمه و شرح فارسی شیخ محمدباقر ساعدی خراسانی، اسلامیه، ۱۳۸۰.

- الاحتجاج، ابي منصور احمد بن علي بن ابي طالب الطبرسي، با حواشی سيد محمد باقر الخراسان، دارالنعمان، ۱۳۸۶ هـ. ق.

- الايقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة، محمد بن الحسن الحرّ العاملي، ترجمه احمد جنتی، نوید، ۱۳۶۲.

- بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفا، بيروت.

- تاريخ الغيبة الكبرى، سيد محمد صدر، مكتبة الامام امير المؤمنين (ع)، اصفهان.

- تنزيه الانبياء، سيد مرتضى علم الهدى، از منشورات مكتبة بصيرتى، قم.

- توضيح المسائل، حسين وحيد خراسانى، مدرسه امام باقر العلوم (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ. ق.

- پژوهشى در كيش زرتشت، على اصغر منجزى، زمزم هدايت، چاپ اول، ۱۳۸۴.

- جوهره مهدويت، على موحديان عطار، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (عج)، چاپ اول، ۱۳۸۵.

- حقيقت مسيحيّت، مؤسسه در راه حق، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

- خورشيد مغرب، محمدرضا حكيمى، دليل ما، چاپ بيست و پنجم، ۱۳۸۲.

- الخصال، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، ترجمه و تصحيح سيد احمد فهري، نشر اسلاميه.

- درآمدى بر تاريخ و كلام مسيحيّت، محمدرضا زيبايى نژاد، معاونت امور اساتيد و دروس معارف اسلامى، چاپ دوم، ۱۳۷۶.

- دروس اعتقادى، سيد جعفر سيدان، پيام طوس، چاپ اول، ۱۳۸۴.

- سنن ابي داود، سليمان بن اشعث، المكتبة العصر، بيروت.

- السنن، محمد بن عيسى ترمذى، تحقيق عبدالرحمان محمد عثمان، دارالفكر، بيروت، ۱۴۰۳ هـ. ق.

- شرح المقاصد، التفتازانى، نشر الشريف الرضى، قم، ۱۴۰۹ هـ. ق.

- شرح نهج البلاغه، ابن ابي الحديد، دار احياء التراث العربى.

- شرح الاصول الكافي، صدر الدين شيرازي، مكتبة المحمودي، ۱۳۹۱ هـ. ق.
- صحيح البخاري، ابي عبدالله محمد بن اسماعيل بخاري، شرح و تحقيق شيخ قاسم شماعي رفاعي، دارالقلم، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ. ق.
- عقد الدرر في اخبار المنتظر، يوسف بن يحيى شافعي سلمى، مكتبة عالم الفكر، قاهره.
- عهد عتيق و عهد جديد، انجمن پخش كتب مقدسه.
- قيام و انقلاب مهدي (عج)، مرتضى مطهري، حكمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۸ هـ. ق.
- كتاب التفسير، ابي النضر محمد بن مسعود عياشي سلمى سمرقندي معروف به عياشي، تصحيح و تعليق سيد هاشم رسولي محلاتي، العلميه، قم.
- كمال الدين و تمام النعمة، ابي جعفر محمد بن علي بن الحسين (صدوق)، الاسلامي، قم.
- كتاب الغيبة، شيخ الطائفة ابي جعفر محمد بن الحسن الطوسي، مكتبة بصيرتي، الغدير، قم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
- كتاب البيع، امام خميني، چاپخانه مهر، قم.
- كتاب الغيبة، محمد بن ابراهيم النعماني المعروف بابن ابي زينب، مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، بيروت، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ. ق.
- كشف المحجة لثمره المهجة، علي بن طاووس حسني، مكتبة الداوري، قم.
- المراجعات، سيد عبدالحسين شرف الدين موسوي عاملی، اسوه، چاپ چهارم، ۱۴۲۵ هـ. ق.
- المسند، احمد بن حنبل، دار صادر، بيروت.
- منتخب التواريخ در زندگانی چهارده معصوم، محمد هاشم بن محمد علي خراساني، اسلاميه، چاپ سوم، ۱۳۴۷.
- منتخب الأثر في الامام الثاني عشر، لطف الله صافي گلپايگانی، مكتبة الصدر، چاپ سوم.
- الملاحم و الفتن في ظهور الغائب المنتظر، سيد بن طاووس، نشر صلوات، چاپ اول.
- فصلنامه علمي - تخصصي انتظار: ویژه امام مهدي، سال دوم، شماره چهارم، تابستان